

# سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق  
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱

مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

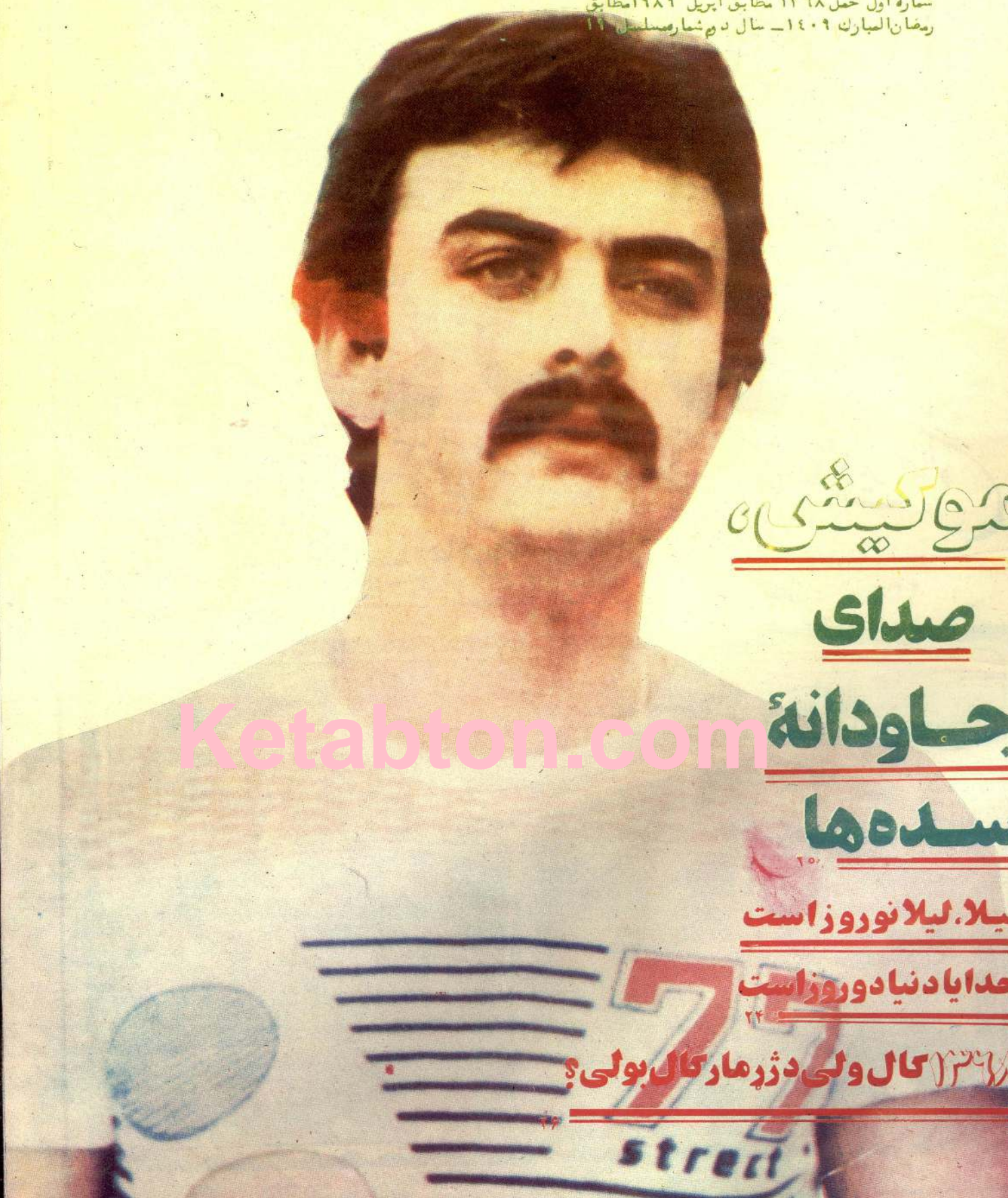
سدها

۲۰  
لیلا، لیلا نوروز است

۲۲  
خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶  
۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

Ketabton.com



# لکی فایف



# ۵۵۵

دعوت کما حقہ  
و شخصہ مخصوصہ و شیر خور شہرانیہ لاجنس صورتہ بزرگوار می نماید سالو  
لکی فایف ہمیشہ بر شمس اپر خاطرہ خواہد بود

آدرس: شهر نـ و مقابل مسجد جامع شیرپور • تلفون: ۲۰۴۱۰



# يما را مين ويدا يو كست

بعترين فلمعاي ويدا يو بي گلچين ( پښتو، د ري  
هندي و ايراني) آماده فروش دارد. فلمبرد اري از  
محافل خوش شما يذ يرفته ميشود.  
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان  
٢١٧٧٦-٢٠٧٠٤

## عكاسخانه هروي

عكاسخانه هروي عكاسي محافل خوشو سرور شمارا  
به بدترين وجه برگه از مينمايد  
( همچنان تيب و يوب يوسي )

آدرس: چهار راه سردار  
تقريباً خانه  
جمهوريت

## خوراكه فروشى انوش

خوراكه فروشى انوش تازه به فعاليت افاز نموده انواع خوراكه باب  
را به قيمت هاي مناسب عرضه مي دارد.  
مشتركي دايي خوراكه فروشى انوش باشيد. همچنان مجلات  
و جرايد مورد علاقه تانرا از اين خوراكه فروشى  
د ستيا ب کرده ميتوانيد.

آدرس: چوك قلع فتح شه

# سباووس

اعلان تان شما را با شرايط بهتر پيشه  
ميراند

## خوراكه فروشى سبزووش

خوراكه مورد  
نياز شمارا به  
فروش ميراند.  
همچنان بلوزهاي  
بهاره هندي و لباس -  
جين از قبيل براهن، دامن  
جمبرهاي زنانه، طفلانه و دخترانه  
ساخت وطن را با قيمت هاي نازل بد سترين ميرا -  
جمعين محنت ترارميد هد.  
شما ميتوانيد مجلات و نشره هاي مورد علاقه تانرا نيز بد ست اريد.

آدرس: سرک ٦ قلع فتح شه تقريبا خانه برادران هوسو

## قرطاسيه فروشى سيد احمد شاه

جديد  
ترين لوازم  
تحرير كلتوب  
معارف.  
اقسام كتاب  
و كتابچه، انواع قلم هاي  
خود كار خود رنگ و ده ها قلم  
اجناس ديگر مورد ضرورت تانرا به قيمت هاي مناسب  
ورضايت بخش د ستيا ب نماييد. ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -  
افغان. نمبر تلفون ٢١٧٧٦

## قرطاسيه فروشى اخبارك

كتب، قرطاسيه، مجلات و كارتهاي  
تريكي ارزان و خوب  
آدرس: منزل اول فروشگاه بزرگ فغان

## قرطاسيه فروشى دوست

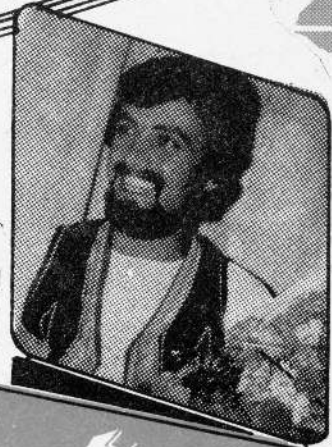
انواع قرطاسيه، جرايد و مجلات د لخواهتان را عرضه  
مي ارن. به ادرس توجه نماييد.

ما كميته مگرو باج كهنه

ضروري: د ر شماره يازدهم سال ٦٧ مجله سباوون د شرح عكسهاي مرسوم  
به استعدادها ثروت ملي ما، نام محنت قاري فاخره قاري و قار تصحيح شون.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم  
شماره مسلسل نهم

# سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

## فاجعه



صدای گمشده، صدای  
جاودانه‌سدها  
صفحه (۲۰)

صفحه (۸۴)

درسهای موسیقی

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما  
صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل  
پروما جبرایلی را ایلک  
دنیال عشق خود از  
سرگرد شتاند

چون در این بیستی  
صفحه (۲۲)

از گپها که ما خبر شدیم  
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳۱۶ ساله بودی در زمان زکای بون  
مخ (۲۷)

زن ۱۳ ساله بی تهمرد

صفحه (۴۰)



چارلی در صد سالگی  
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین  
تلفون: ۶۱۹۵۲  
معاون: محمد اصف معروف  
تلفون: ۶۲۷۵۲  
سوجبورد: ۶۱۸۷۸  
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان  
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:  
بارق شفیعی  
محمد حبیبی  
عبدالله شادان  
لطیف ناظمی  
رهنورد زریاب  
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد طلیس و  
وحمید سمور  
مطالعی: کبیر امیر  
عمی نامعی  
معمد گل  
کسار: شهلا لطیفی و  
شاپسون

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین  
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف  
نظر نویسندہ میباشد.

# مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متاسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایب کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داروی مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سرولگه‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌ی ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهومی دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف ميباشند باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري پراي در رفتن اسرار مرز مواد نشه اور و بعضاً هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامشان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود ميباشد باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکاره

بي اراده می ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن هارا به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود می آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار می داشته باشد به مصداق همان شعر :  
نشه صهبانمی ارز به تشويش  
خسار  
در گذر امروز عذاب که فردا  
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی پيشوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوا لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک می کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظرمی شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثر می سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام ميوا د استفاده بعمل می آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی ميناطق از تريا ک بحیث دروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده می شود از تريا ک و چرس گاهی براي درمان و معالجه قلع ها کار می گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار می آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد تريا ک و چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود می آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازار يافته است . متاسفانه زمانی دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماند رس ، مخ و بنگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی تريا ک دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود تريا ک نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به تريا ک وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود تريا ک و تبا نيواردن بيسترك آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به تريا ک در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسيس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه ( ٧٤ )

# دواي مرگ و تاجران مرگ



بِه ميگويند



مهر و وفا

مهر و وفا



مهر و وفا



### دوسته واده

هيله منده م هغه كسان چي په تخينو عقل نار وغيواخته دي ژر تر ژره شفا ومومي او د عقلی او هوښيارۍ سترگي يې روغې شي خبره داسې ده چي تخني يې احساسه اوس مسووليتنه نارينه د خپل ژوند بدې او د نيسي روغې چي لومړني تخني ورسره په ورين تندي كاللي چوره ياده باسي حتي د خپل بڼه نس او شهرت څخه تير يزي او د دوهم واړه بند ويست كوي كه څه هم چي د موضوع نوي نه ده ولي په ٦٢ كال كې يې د سارن ناروغي بڼه ځانته نيولي او په يركسانوته يې سر ايت وكړ. اميد واړه هم مسر كال داد كو رښورنگيد و ناروغي له منځه ولاړه شي.

لطيفه پيراد پياتون پوهنځي فارغ التحصيله



### پاكي و صفائي

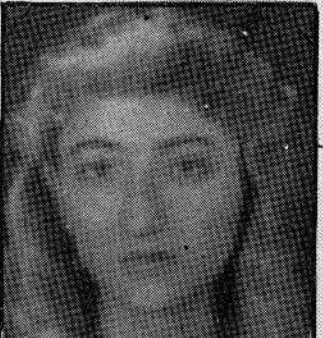
عزيز آقا سراز د لېسنگي خاصي په پاكي و صفائي دام، آرزومندم صاحب خانه مكروريان شم، آنجا به ترمي شوم. پاكي و صفائي رانا مين كرد. - اگريا دخترې هم سفر زنده كي شويد كه ا و چندان توجه به پاكي نده استه باشد در آن صورت چه خواهيد كرد؟ - خداي ناخواسته باشد كه اينچنين شوم، ورته كار زار مي شوم با آنم اگراچنين دخترې سرد چار نسدم انوقت اورا به روحيه خود تربيه ميكسم.



### نظام ود سپلين در سرويس ها

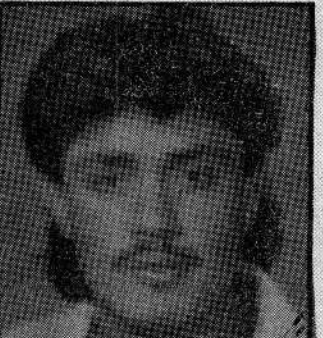
عضوكلان خانواده ام مياشم .. آرزو دان خواهران و برادرانم به آرزو هاي دلشان نایل آيند . همچنان آرزومندم كه بعضي از همشهریان مانظم ود سپلين اجتماعي را در سرويس هاي ملي بس جد ا رعایت نمايند ، و نگرانان محتر هم درين زمينه از خود سي تفاوتی نشان ندهند ، بعضی از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرويس هلاتمندي بسيار نشان ميدهند وقتي برايشان گفته شوكه يك كمي دور شويد و يا بد اخل سرويس پيش برويد ميگويند : (( برو بي جان توجهه خود همي سازي ، ما از خود خوار و مادر داريم . . . ))

مصرياتيكا نديريستان فارغ التحصيله



### ميخواهد هنرمند سينما شود

محمد نريد محصل سال د م پوهنځي هنر هاي زيبا : در رشته تياتر وسينما مصروب تحصيل استم ، باسلكم عشق ميورم و دوستم ميدان ، و معين ام هر نقشه كه برام سپرد مشود ميتوانم آنرا به خوبي اجرا نمايم ، ولي با تا سف چند بار يكه به اداره فلم هاي هنري و مستند مراجعه كردم خود را پشت در بسته يافتم و جواب رد شنيدم ، آرزومندم كه امسال آرزو هام برآورده شود و بتوانم در فلم ها كار نمايم .





# پایند حاضری خانه

## پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :  
تعمیر د ارم اسمال باشخوړمورد نظم ازدواج تمام آرزو د ارم  
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .  
آرزو مندم بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد ارم و سه  
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه پایند حاضر د دفتر  
میباشد ، باید پایند حاضر نزد من نیز باشد .

## وفادار و پولدار



رزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده . کان :  
آرزو د ارم باخوانی د ارم تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار  
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان  
از کشور سوری تمام .  
- اگر باخوانی د ارم چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟  
- در آن صورت باهی کس را دواج نخواهم کرد .

## در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :  
د رزنده کیام سه آرزوی بزرگ د ارم که به حقیقت بیوستن آن  
خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د ارم خیلی ها  
تروتمند باشم ، آند که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار  
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس  
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده  
امریکا سفر تمام .

## بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :  
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر راخیستلو -  
وروسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . ارم د ژوند ملگري  
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کمن .  
- د د بی خصویاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده وراشناسی  
عنه انتخابوی ؟  
- لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي  
او که نه وه نویسی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم  
شبه او ون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



# چهارمین جشنواره شعر جوان

## مباحثه از کامله حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمزمه دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله (( شادان )) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیگمه می کنید، آیا اتفاقی افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیگمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیگمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیگمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



# پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشهای بیچند پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها میدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوئید ؟  
ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمیبوسم. اگر راست بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، در ایران ، دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا آستم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخوبی دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میزنم اما را به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر ، فکر ، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتک)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختلاف نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدید اید عکس العمل تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوبی حد پیرو و از ادا است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز نداشتند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدهید کسی جلو بروم و بوسه بدهد ؟

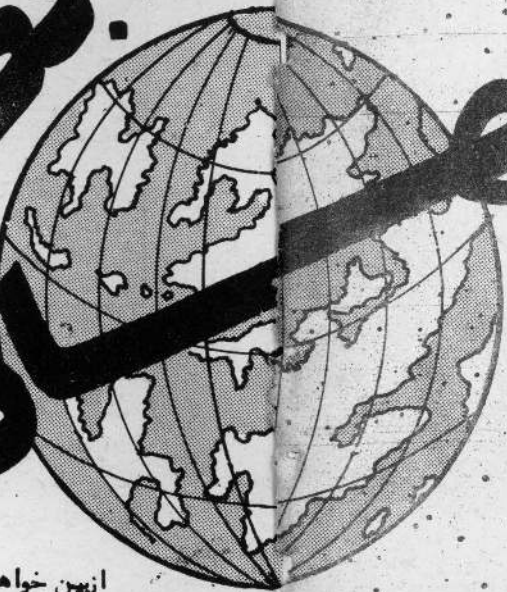
ترجمه: انجنیر حلیم

# تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

## تأثیر عمده جنگ

## ذروی سقوط ناگهانی و سردی

## و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست ...

سیاهی جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود ؟

در این پاسخ این سوال میتوان به اینست مشابه پاسخ برنده و قاطع در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت ...

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان :

زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق و تجارب مدل های کمپیوتری قرار گرفت ، چه قدرت محض انفجار (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمتر از نصف زیاد خانه میجرسی ذروی جهان) باشد ، همه به این نتیجه رسیدند که :

موتل های اقلیمی که لغز طرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی تیم ساگان در پوهنتون کورنل ، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات متحده برای تحقیقات اتموسفری در استونیاید در رأس آن قرار دارد ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم شوروی ، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از جنگ ذروی ارائه میکند . تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی ، سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود ، ظرف چند روز محدود جهان از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرماخوردگیسی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت .

آفت ایکولوژیکی سرتاسری !

هفته ذی بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً مطلق فرا خورد ، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت معکوس را بخود خواهد گرفت .

طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف ، درجه حرارت اتموسفر در ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت ، با این کار واکنش زنجیری از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری میگردد .

ناپودی حیات بصورت کل !

مدل سد بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند ، طوری که تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید در نواحی ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر نواحی های شیبی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود خواهد ساخت ، علاوه بر آن ، تغییرات اتموسفری سبب کاهش ابرها و بارشها و کاهش بارشها خواهد بود و خشکسالی و نواذوری را بر قاره های وسیع بندگان و بدون خورشید حاکم خواهد ساخت .

بعبارت دیگر ، هرآنچه که از صمیم آتش جان سلامت برده ، سردی یا خشکسالی آنرا از بین خواهد برد ، یخبندان ناگهانی وسیع که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده ، برای جنگلات در ارتفاعات متوسط تها کن و کشنده خواهد بود ، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگیرد ، یقیناً طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه حرارت میتوانند مقاومت کنند .

صریخندگان دیگر !

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا جهان بار دیگر تلاشگر روز روشن باشد ، این چه چیزی را آشکار سازد یا توضیح میدهد ؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرای بدل خواهد شد البتدوی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید ، این نشاندهنده امکان پدید آمدن صریخندگان دیگر است . ملاتوا الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه بعد از درگیری ذروی ، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد ، بار دگر سیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد گرفت .

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع در نیم کره شمالی رخ خواهد داد ، چون کله های هوای سرد و نیم کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند ، انسان میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بایست در نیم کره جنوبی پناه گزین شوند .

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا بهر خواهد انگذد !

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دلپسند اند ، طبق نظر الکساندروف این مانع تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره از بین خواهد برد .

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در امان نخواهد ماند ، بصورت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است . کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیرامون تغییرات ممکنه در اتموسفر بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند ، آنان توانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر قوت می پیوندد بعنوان مثال می آورند .

طبق نظریه گولیتسین ، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان تابستان بلند میشود ، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد ، سطح کره سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض جهان پیدا میکند ، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق خواهد افتاد ، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه بی که بعمل آمده آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمع خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) - مرتبه خواهد کاست .

مدل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما)) کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی نخواهد بود .

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیج ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد کالیفرنیا ، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود ، علت ساده آن اینست که فوتوسنتز ، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین خواهد رفت .

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نیست شکل ارتجایی بخود بگیرد ، در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمع قوی ماورای بنفش مواجه خواهد شد .

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل عضو اکادمی علوم اتحاد شوروی بقیه در صفحه (۲۲)

اگر بوی نعیت و احوال کونی زنده می یابد مرد کتبی اراد هر عمل بین اوست بر اراد ۳۱ انه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند  
مترجم: ع. فرحسوی  
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شای  
بایسری که بر این آرزای شده  
بود شادمان گردیده بود بنا  
و ملکه بخاطر دست یافتن به این  
الطاف و بخشش شامی از شعایر  
و مراسم را بر پا آورد و ریاست های  
بسیاری کشیده بودند از سر  
آنها از زمان ازدواج شان در  
دوازده سال قبل تا این زمان  
کودکی بدنی نیاورده بودند  
ملکه از سوی همه نزد یکان و  
عزیزان تهنیت گفته شده بود  
کودک خوشدل و زیاده رکاب او  
لمیده بود منگام نیمه شب از  
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی  
کاخ را ترک گویند تا ملکه  
که خدمه ها در بیرون از اتاق  
نگهبانی اثر میکردند خواب  
را حسی داشته باشد بجز آنها  
خاموش شدند  
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان  
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری  
در نزدیکی سرش ظاهر شده است  
چشماتش را گشود تا به منبع نور  
نگاه کند آنچه را دید او را به  
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

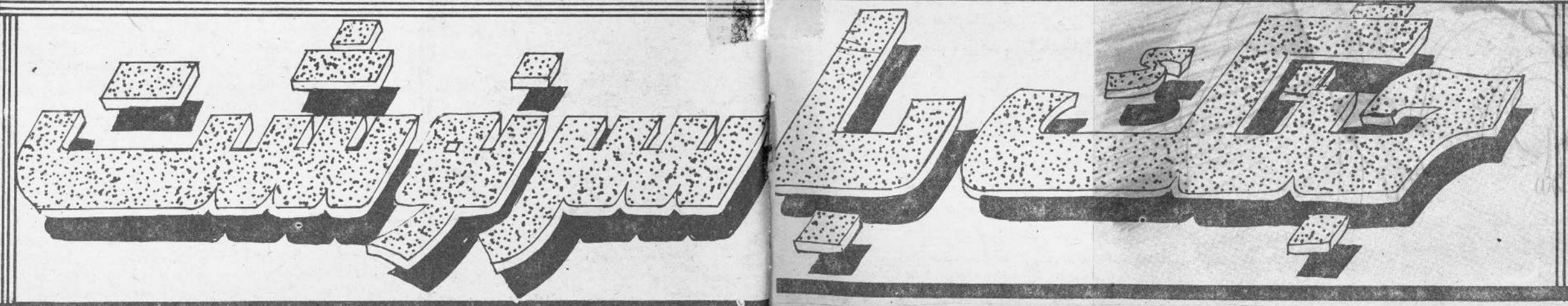
نورانی ایستاده بود و دست  
را ستر به سوی سرکودک نوزاد  
کشیده شده بود چون ملکه به  
آن نگریست موجود نورانی  
دستش را عقب کشید و لبخند زد  
ملکه بر حایر نشست و گفت  
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً  
تو پدیده بود آسمانی استی مود  
جود نورانی خاموشی کرد این  
کار ملکه را شگفت زد ساخت  
ملکه گفت  
- برا شما گفتمی زیند ؟  
- مود بانه افزود  
- آیا شما یک موجود آسمانی  
نیستید ؟  
رب النوع سرنوشت گفت  
- بلی استم اما من رب النوع  
سرنوشت ایتم و یگانه و شیفه من  
اینست تا آنکه را در زنده کسی  
برای یک نوزاد فراهم شده  
است در پیشانی او بنگسیار  
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه  
(کارما) برای یک کودک مقرر  
داشته است از زودم من درختان  
تولد هر کودکی را مرمیوم اما  
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت  
خاص و بدانی بی است که تو  
یداری با وجود آنکه خود از آن  
آگاهی نداری  
ملکه در برابر رب النوع خم شد  
و پرسید  
- آیا آنکه را در پیشانی کودک  
من نباشته ایند برای من آشکار  
نخواهید کرد ؟  
رب النوع سرنوشت گفت  
- من نمیتوانم آشکار کنم حتی  
اگر اینکار بکنم برای توست  
ندارد از سوی دیگر اینکار  
بدون هیچگونه تژیومی باعث  
شگرتی تو خواهد شد  
- شما همین الان نیم از آن به  
را آرزو داشتید بدانم برایم  
گفتید چنین به نظر میرسد که  
هیچ چیز خوبی در سرنوشت  
بسم وجود ندارد شما باید تمام  
حقیقت را برایم بگویید در غیر این  
شمارا نخواهم گذاشت که بروید  
اگر با جبر بروید من خود را  
خواهم کشم  
ملکه این جمله ها را با صدای  
نرم ولی مضم اشعار کرد  
مباحثه بین ملکه و رب النوع  
ساعتی ادامه یافت بالاخره  
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه  
آشکار سازد که بر او در زنده کسی  
خواهد کرد و دراز کاخ در  
جنگلی خواهد زیست  
ملکه دریا مرمیومید نگریست  
اما بخورد جزا داد تا از  
رب النوع خوشبختی تقاضا کند  
که اندکی بارید بختی بپوش  
را کاهش دهد  
رب النوع گفت  
- خوب من تضمین میکنم که او  
هر روز توانایی شکار یک آهورا -

داشته باشد و این امر بزرگی از  
سرنوشت او خواهد بود بیشتر  
ازین تاری کرد نمیتوانم  
و سرانگین سخن ها رب النوع  
ملکه را ترسید  
روزها سپری شدند ملکه در  
و وسواس خود را در دل نگه داشت  
یک سال بعد شاه بیمار شد و  
در گذشت وزیر سیمه کار او  
تا شاهی را به بهانه اینکه  
شهرزاده خرد سال است تمسب  
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه  
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با  
شهرزاده کویت به موقع فرار  
کرد و در جنگلی پناه گزید  
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه  
و ا قعیبت پیوست هر نام ملکه  
جال های را در گوشه و کنار جنگل  
می گسترانید و صبح بعد آهویی  
را در یکی از جال های یافت  
ملکه آهورا به یکی از جنگل نینان  
میداد و او آنرا در شهر می فروخت  
و بهایش را به ملکه می سپرد  
به این ترتیب سالها سپری  
شد بزودی شهرزاده نوجوان  
به یاری مادر شتابید در عین  
حال شهرزاده به شاکردی یک  
تارک دنیا رفت بنوشتن و خواندن  
و فلسفه را اموخت  
روزی شهرزاده در اندیشه بی  
با خود میگفت  
- بسیار شگفتی آور است که  
هیچکاهی بیشتر از یک آهور در روز  
شکار نمیکنم در حالیکه هر روز در  
پنج محل جال میگذارم و بسیار  
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون  
یک آهوی شکار شده سپری نمیکنم  
مادرش که این سخنها را  
شنیده بود گفت  
- این بخاطر است که شکار یک

آهور یک روز جزئی از سرنوشت  
توست  
به این ترتیب ملکه بخشی از  
راز را آشکار ساخت شهرزاده  
اصرار ورزید تا بداند که مقصود  
مادرش چیست و ملکه مجبور شد  
تا همه چیز را به یک به او بگوید  
شهرزاده نشست و در سکوت  
تزیینی فرورفت پس از سکوت  
طلوئی گفت  
- مادر! من سرنوشت خود را  
تعمیر خواهم داد  
- بسم چگونه اینکار را میتوانی  
بکنی؟ کی میتواند سرنوشت خود  
را تغییر دهد ؟  
شهرزاده نوجوان گفت  
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی  
خویشم به خاطر اعمال خود در  
زنده می قبلی استم بتر من  
میتوانم اینکار را بکنم  
شهرزاده ساعات طولانی به  
اندیشه فرورفت و بعد با چهره  
مغمم برخاست  
روزی دیگر او به عور پنج جال  
فقط یک جال را در گوشه بی از  
جنگل گسترانید و در نور یک  
پیشینی کرده بود یک آهور را  
در جال یافت  
روز بعد به عور اینکه جال را  
روی زمین بگستراند آنرا در  
شاخه بی از درختی آویخت  
با وجود آن صبح روز بعد آهویی  
در جال گیر مانده بود  
و بعد جال را در بلند ترین  
درخت آویخت و همین سان گرد  
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت  
نیمه شب از خواب بیدار شد  
و موجود نورانی بی را در کنارش  
یافت  
شهرزاده پرسید  
-

- آیا عارب النور سرنوشت  
استیید ؟  
رب النوع خشمگین گفت  
- بلی من استم منظور تو از  
او چکن نیال در درخت بلند و  
افروختن آتس پیرامون آن چیست  
ایا تو میدانی با وجودیکه من یک  
رب النوع استم در نیای عینی  
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم  
کار بکنم نمیدانی که بسردن  
آهوی بالای درخت تاری است  
د نوار ؟  
شهرزاده گفت  
اما شکار یک آهور هر روز جزئی  
از سرنوشت من است اینکه  
چگونه آنرا در جال من گیر  
میاندازی کارتوست  
رب النوع گفت  
- آیا باید بخاطر خوشبختی  
که برای تو تضمین کرده ام مزا  
حم من شوی ؟  
شهرزاده آهسته گفت  
- اگر کار ترا در نوار منی ساختم  
تو در برابر من ظاهر میشدی  
- اما تو چرا میخواهی که من در  
برابر تو ظاهر شوم ؟  
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من  
نوشته بی و مرا محکم به زنده کسی  
در تبعید میکند از جبین من  
بزای رب النوع سرنوشت  
سکوت کرد شهرزاده چشمانش  
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم  
از یک سرنوشت تو گردید لحظات  
طلوئی سپری شد شهرزاده  
احساس کرد که دست رب النوع  
از پیشانی او میگذرد بعد  
چشمانش را باز کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
- با اراده و آرزوی خود تو قادر  
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی  
و افزود  
- احسان و بخشش من با تو  
خواهد بود  
و آنگاه ناپدید شد  
روز بعد خوب شکی خوبی  
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده  
و مادرش آورد قاصد تخت و  
تاج که مستبد و مستگر شده بود  
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه  
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ  
رفتند همه کس ملکه را شناخت  
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده  
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد  
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر  
سرنهاد



# مراسم یک تدفین

# امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجراییه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. ریهمرفته از جمله پینار از ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم، در مراسم ۵۲ سران دول قرار داشتند.

## درین مراسم جاپان بایست پلوما

## سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود. هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت صدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معسوف نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی مسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را بر خواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر زمانه تدفین رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیرامین را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا بحیث تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باغ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانسی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاسی مسوئرها و اموال تجارتی زمینسی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتو نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتو قاندا داشتند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و چار چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد ولوکو بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسیت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجوکوگین، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف صدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیو سرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننمایند. البته صرف سماعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیاز مندی من نمود. به این نسبت صدراعظم جاپان تاحدیکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود، امپراتور جدید و خاندانش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و زیاد پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

## زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان  
مکروبیست  
کشف میکروب کامیایلو بکتیر بیل -  
(Compylobacter pylori)  
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز هضمی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب بیلوری را در معده شان حمل نموده و محو هین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلنا بالای فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب بیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میباشند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتیه اماتف تراز مریمان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به رشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین ویا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب بیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانده که یگانه میکروب است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر بیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. واکثراً این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges  
بقیه در صفحه (۹۰)



# صدای

# جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازیگر شدن به‌عنوان خوانی این نیز تا "تیر منق" بحا گذشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای (( بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ (( کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که (( انیل بیسواس )) یکی از موسیقی‌دانان برتران مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: (( شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بمان آورد. تهدیدش کردم که در جلو آرکستر -

لک و کوش خواهم کرد. ))  
بقیه در صفحه (۷۸)

# موکیش

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش و راج-سید مردند چنین چیزهایی واقع نشد و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش (( الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار (( هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



# یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری



ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود  
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه  
سربازان به روزلي دي او سورشال موهم لیري  
کړي (پوه شوي؟)  
- هو، ښاغلی جگړن  
- او بیا کوي چې سربازان د سگرت خوکولوبه وخت  
کې احتیاط وکړي، کله چې غشي ویشتونکې دغه  
د شپې خلیلونکې چینجې وینې چې له یوې خوا نه  
بلې خوا ته یې گوتې یې خاړت کوي  
په تیره اونۍ کې پنځه کسه سربازان په سروندو  
باندې په گولی ولگیدل، ښه پاملرنه وکړي!  
پوه شوي؟  
- هو، ښاغلی جگړن  
دوم برید من الرزکله چې د ټولې په لوړ روان

لیکونکي: ولکانګ پورشرت  
ژباړونکي: ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه  
یو کال پنځوس سه شنبه  
او جگړه، د یوې سه شنبې لري.

\*\*\*

د دې سه شنبې په ورځ

په ښوونځي کې یې د القاد لویو تورو مشق کاوه  
د ښوونکي په سترگو، د بلې نښې لرونکې عینکې  
وي، عینکې جوگانه نه درلود او لنډه یې هغو-  
مړه د بل ووچی سترگی یې په سختی لیدل کیدي.  
دوه څلویښت نجونې د توري تختې و پراندي  
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل:  
(فریتس د خلبی بیاله لري، د برتاي د خندا غمز  
تیرار په ورسید، په جگړه کې ټول پلرونه  
سربازان دي.)  
اولا (۱۱۱۵) د خپلې ژبې خوکو، ترسزي  
پورې ورسوله، ښوونکي هغه ووهله، (اولا تا-  
جگړه په (گ) لیکلې، په (گ) لیکل کېږي.  
(گ) لکه گور، ماخوځوله درته و پلې دي))  
ښوونکي یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په  
وړاندي یې د چلیانښه کینود، (د سبا لیاړه  
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟))  
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه:  
(عینکې یې وگوره)) د ښوونځي په حویلي کې  
کارخانود د وږي لیري غوړول شوي ټوټې خورلې.

د دې سه شنبې په ورځ

دوم برید من اولرزد ټولې قوماندان وټاکل شو.  
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي، ښاغلی الرزکله)  
(پلې ښاغلی جگړن؟)  
(هداس ده چې ویس ویل الرزکله په دوم ټولې  
کې دغه موضوع په چاښه نه لگزي؟)  
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم؟)  
(هو، او هغوي له دغې موضوع سره ښه نلري،  
ته نه شي کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی،  
دوم ټولې له انضباط سره غاډت کړي، له دغه سره  
شال سره په تاسوونه مني، تونن هسه داسې کوم  
شي له ځانه سره نه گرځاوه.  
- (هسه ټی شوي؟)  
- نه، هغه خبر راکړ چې ناروغه شوي دي، حال  
یې ښه نه و، له هغې ورسې نه چې د تونن رښې

پینځلې ورځین وویل: ((هو، هغه کولای شي))

د دې سه شنبې په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کې له حشراتو سره د  
مجادلی کوټې ته ونيو، د ننوتو د روزي پر سر په  
یوه ټابلو داسې لیکل شوي و: ((که جنرال یې  
که سربازي، دلته باید خپل وښته وڅیړي))  
د هسه وښته یې وڅیړل، د نرس اوز د یو وږي  
گوتې د غښ لاسواښونه ورته وې.  
د بند وښواوخوا یې لږ سره ښکاریدله.  
هسه ته یې په کم شي باندې چې د رملتون  
پوې یې درلود مالش ورکړ، ترس په خپل غښ ډوله  
لاسواښ هسه ښوونځي وروسته یې په یوې ډبلې  
کتابچې کې داسې ولیکل: ((تودوخه ارا، نهښ

د دې سه شنبې په ورځ

۱۱۱۶ یې هونه، په قوې گمان، تیغوس)) او  
کتابچه یې وتر له د کتابچې پر وین لیکل شوي و:  
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)) اسه دي  
کړنې لاندې: ((یوزراو څلورسوه بستري))  
موظفینود هسه تسکړه پورته کړه، په زینه کې  
سر له پر ستی څخه د باندې وتلی و، اوله یوې خوا  
نه بلې خوا ته په حرکت کې و، وښته یې ورته  
څیړلې و.  
د تسکړي یوه وږ وینکې ریزش کړیو.

د دې سه شنبې په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنګه وواژه، کله چې  
د روازه خلاصه شوه، هسه لیک یې چې په لاس کې و  
ونوراوه، مېرمن یې تونن شوي و.  
په هغه ځای کې د سر ودرجه صفر لاندې څلولو-  
پښت وه او دغه لیک نه ورسې په لاره کې و.  
د پاکت بروخ لیکل شوي و: ((میرمن تونن هسه ته  
د یو ورسيزي))  
میرمن هسه لیک جگړه نیولی و، څو گاوندې یې هغه  
نه لیده.

څلویښتو درجې ساره، او تر شونډو ولاندې یې زمزمه  
کړه: ((بیچاره سربازان))

د دې سه شنبې په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارایې روغتون  
رښې د روغتون له سرطیبې څخه بوښته وکړه.  
(هره ورځ خوکسه، ۰۰۰))  
- ((پنځه شپږ کسه، ۰))  
اوربیس وویل: ((نفرت پارونکې ده، ۰))  
سرطیبې یې په خواب کې وویل: ((هو، نفرات  
پارونکې ده، ۰))  
او هېڅ یوه ډبل سترگه ونه کتل.

د دې سه شنبې په ورځ

د ((جاد ویر فلوت)) قطعه یې غزله، میرمن  
هسه خپلې شونډې سري کړې وې.

د دې سه شنبې په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسې ولیکل:  
(دخدای له مرستی پرته استقامت نه شي کیدای، ۰))  
خوکله چې اسپستان ورنژدې شو، له خایه پورته  
شوه، اسپستان لکه چې د نړۍ د یوې وچې نیمه  
برخه یې پر شا پاروي د سالون له منځه په کړ وپسه  
ملاتیر شو.

الیزابت له هغه بوښته وکړه: ((هغه ته باید  
کم شي ورکړم، ۰))  
ډاکټر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره  
ورو وویل چې تابه ویل له خپله ځانه شرمیزې  
اوروسته یې تونن هسه د باندې ولید داوه، د پا-  
ندی زیات غالمغال اوږدل کیده، چا وویل: ولسی  
مړي په ارامې سره پر ځمکه نه زږدي، هر ځل هغوي  
له پاسه خوشې کوي او غالمغال جوړ یزي، ۰))  
اسپستان ته یو بسترنه بل ته یې، هره ورځ اوهره  
شپه.

اوه دي ورځې او د شپې په اوز د وکې، لکه د هغه  
چا غوندې چې د روند باری بر اوږ ووي، کس و پ  
د سالون له منځه تیرید، ۰))  
د باندې، دوه کسه چې تشه تسکړه یې وړله  
سره خپې راوړلیدل، یوه یې وویل: ((څلورم  
نمبر ریزش کړیو، ۰))

د دې سه شنبې په ورځ

د شپې، اولا په خپله کتابچه کې په غټو تورو-  
داسې لیکل:  
(په جگړه کې پلرونه سربازان دي،  
په جگړه کې ټول پلرونه سربازان دي، ۰))  
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله، او جگړه  
یې په (گ) لکه گور.

صاحبا ز پوپل

# لیلا، لیلا نو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



## نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من.

— در را در یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی را در یوتلوزین که زنده باشند در روز های مایوس را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انرا در طلوع سوزنیک ثبت میکنم بعد از از زبانی اگر خدا بخواهد که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکر به خورد من داد پس بد یعنی چه. بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یواغاز کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت پت بد پرنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد پور مشکلات داشتید.

— بلی: اولین اهنگ راد راد پور با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد پور مشکلات داشتید.

— بلی: اولین اهنگ راد راد پور با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق صرف در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستر من بینم. او میخورد اند (( نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام )) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انرا در یوتلوزین میگزینیم. علاقه مندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمیانند کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشق قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام (( گروه کامیون )) نامیده میشود که در راه بین وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقت او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد. وقت میخواند تو میگفتی گلهامی کشد و شاخه های خشک درختان شگفته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۸۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقت متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

## ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

# زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی  
 د خیل احساس سره سم پرمخ  
 یی د خیل مراد د لاسسته  
 راور لود باره توله مخه رانسکر  
 زوی د مار به کال زیزید لسی  
 هلك قهار شهوت پرست او  
 خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی  
 بنایسته وی به عابانیا نوکی  
 د بنایسته ستاین د باره مار  
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل  
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به  
 کال زیزید لی د گامینی اوچرگی  
 به کال زیزید لوسره واده وکړي .  
 خود بیژود کال سره به طالعمنند  
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ  
 د کلو سره به بد مرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه  
 موجود به توگه گیل کیزی د مار -  
 رانو پاچا (موچالیندا) بوداد  
 سیل به وخت کی وژغوري مار  
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل  
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون  
 د نظر له مخی انسانان د مار  
 د پوهی سطحی ته ورسیدل -  
 همدارنگه به بوداییم کی مار -  
 تهر چرگ د شهوت او خوگ د  
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په  
 دی عقیده دی چی د مار به  
 کال زیزید لی نارینه که د سړی  
 اومیزی به کال زیزید لی نجلسی  
 سره واده وکړي د هغه  
 اولاد ونه به نامتوانان د اره خلک  
 وی د مار به کال زیزید لی نجلی  
 که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی  
 هلك سره واده وکړي دوی به  
 نجونی زیزوی .

د منگولیا او منچوریا خلک عقیده  
 لری : (د مار به کال زیزید لسی  
 یو معتدل اوزره سواند مانسان  
 دی همدارنگه دی به منطقی  
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی  
 وی خو عیب به یی دشرویاتو  
 خنبل وی د زره مغلواو نوری  
 اوز دی ناروی به ولری د د  
 د باره لازم نه دی چی دخیل  
 رییس (وظیفوی) سره جنجال  
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ  
 یو سی اووروسته به له منحنه  
 ولاړ شی .)

د مار به کال زیزید لی انسان  
 به تریوا ویا کلو پوری ژوند وکړي که  
 د پاک خدی د کراوشا وایسی  
 مشکله خوگ خان حنی خلاصولو  
 شی د مار د نوروه نظریوا و فیصلو  
 وی .

د تبت د شپيته کلتی کییزی  
 بیل د جینی کییزی له بیل سره  
 سمون نه لری به تبتکی دا -  
 دوره د سوي د کال خخه بیل  
 کیزی به پداسی حال کی چی به  
 جین کی د موزک د کال خخه  
 بیل کیزی به د دوی ترمنخ تو پییر  
 به د روگلوکی دی به دی خاطر  
 اوسنی شپيته کلتی دوره به جین  
 کی به ۱۹۸۴ کال او په تبت کی به  
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .  
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د -  
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال -  
 یعنی د زره مار کال بیل شو .  
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به  
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی  
 عنا صرو د دی رنگ سره  
 مخکه سمون لری کال مونث  
 (نرم) بیل کیزی د خختیو  
 خلکو په روایت به دی کال کی  
 زوری او بد مرضی بیسی سختی  
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی  
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو  
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه  
 شته جابانیا ن عقیده لری :  
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی  
 خاوند دی خورا طالع مند دی  
 هر خه ته بخان رسولی شی مار  
 متکبر او مغروردی خوشتریف اغو -  
 سته شوی دی مار خورا خسرود  
 خواه او موزی دی خود علاقسی  
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی  
 کله هم داسی ساتته کوی چی به  
 مشکله خوگ خان حنی خلاصولو  
 شی د مار د نوروه نظریوا و فیصلو  
 وی .

د هر عنصر د باره یوزنگ یعنی  
 سورد اور ژر د مخکی سپین د  
 اوسینی تور د اوبواوشین د در -  
 ختی د باره مشخص شوی دی -  
 کلونه به مذکر (کلک) او مونث  
 (نرم) ۷ ډول هم ویش شوی دی .  
 د موزک پراگ نهنگه آس  
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)  
 اورد گامینی سوي مار میزی  
 چرگه اوخوگ کلونه مونث (نرم)  
 بیل شوی دی .  
 لویه یا شپيته کلتی دوره به  
 ختیغه او منحنی آسیا کی لخورا  
 پخواخه د تاریخ په مختلف زمانو  
 کی منل شوی ده . د انگیزه به  
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده  
 پیړی به جابان کی به مغولستان کی  
 به خلورمه پیړی به مغولستان کی  
 د میلاد په خوارلمه پیړی ۱۰ و  
 په تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل  
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور -  
 یی او ساعتونه هم دخارویوه  
 نامه یاد یولی لکه د (صفر متر  
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه .  
 (۲-۴ بجو) د گامینی سینی  
 (۴-۶ بجو) د پراگ نهنگه له -  
 (۶-۸ بجو) د سوي او هندا -  
 زاز تراخه پوری یاد یولی .  
 لویه کییزی :  
 پنخه کوچنی د وولس کلنی  
 د وری یوه لویه شپيته کلتی دوره  
 جوړ وی به دی دوره کی یو  
 خاروی پنخه واره به تکرار یاد  
 یزی خوه هر وار کی یوزنگ د  
 هر خاروی د باره مشخص شوی  
 دی د ارنگونه د پنخه طبیعی  
 عنصر یعنی درخته اور مخکسه  
 اوسپنه او اوبو خخه اخیسته  
 شوی دی د اوشیره لاند نیس  
 جدول کی به واضح ډول خر -  
 گند یزی :

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
کوه سینا	بنخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین
سور	بنخه	۴ سور	۱۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین
نهنگه	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور
مار	بنخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور
آس	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر
میزه	بنخه	۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر
لیژو	نر	۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین
چرگه	بنخه	۱۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین
لیپی	نر	۱۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
خوگ	بنخه	۱۲ شین	۱۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور

نامه یاد یزی به دی ډول :  
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا -  
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار  
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو  
 ۱۰- چرگه ۱۱- سینی ۱۲- خوگه  
 نوي کال به د جنوري د د یار -  
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو -  
 پشتمی پوری (د جدید رویشتم  
 خخه د حوت ترخلو رومی پوری)  
 بیل کیدی تل د سپوږمی به  
 لومړی وړخ نامانعل کیدی .  
 منگولیا یی ژبی ویونکی خلک نوي  
 کال (سگان سر) یعنی سپینه  
 میاشت بولی نوي کال به نیمه  
 شپه نه نامانعی بلکه د نوي کال  
 به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی  
 نامانعی اوبه دی سهار دی یوی  
 سینی خلک د یویل کورته سس د  
 نوي کال مبارکی وایی اوسوماتو  
 ویش د عادات تراوسه پوری  
 به منحنی آسیا کی پاته دی به  
 به میلمستیایکی د فوینوا و شید و -  
 خخه نیار سوي خوار به دستر -  
 خوان اینول کیزی سپین  
 خوار به سپینه میاشت لور -  
 حکمت د رلود او خلک په دی  
 ارمان وه چی د اخوا به به  
 نوي کال د رومو به زیانید وکی  
 اغیزه لری او د پوی خور لسو  
 به وخت کی یویل ته دخارویو د  
 بجایانو د زیزیدولو هیلیس  
 خرگند ولی اوبه مغولستان  
 کی اوس هم د نوي کال لومړی  
 وړخ دخارویو دورمی به نامه  
 یاد ییزی .

نه نگاری د دی برخای چی  
 د اقمری شمسی ویولو به به  
 وی چی قمری شمسی  
 مشتري زحل کلیزه یی ویولو  
 حرکت د کلیزه د لمر سپوږمی -  
 مشتري زحل او مخکی د حرکتو  
 خخه ترتیب شوی ده د ادا که  
 هم د وولس کلتی بلل شوی چی  
 د لمر به تاوخوا یان دی د مخکی  
 د حرکت خخه تصحیح شوی او  
 توگه ۱۱۸۶۲ کلتی دوره بولی  
 د اوزره د لمر به تاوخوا یان دی  
 مشتري حرکت دی .  
 تراوسه پوری د دی کیزی د  
 پیدا کید وخوا یی چاته بحرگند نه  
 دی البته به آسیا کی دی خو  
 به ختیغه یا منحنی برخه کی د  
 خرگند نه ده د پوی خوانجو -  
 می شمیرنه د منحنی آسیا د کوچی  
 کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی  
 احتمال د جین د خوزون نجوسی  
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی  
 د بلی خواد کلیزی ټول خاروی به  
 لږ استقا (بیژواو چرگه) به  
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ  
 خوه مرعای کی ژوند کولای شی  
 مخکه نوحمل به سل کی دیوه روایت  
 تا بید گران گاردی خو بیاه به  
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلیزی  
 جوړونکی صحرایی کوچیان دی چی  
 د مترکوجی مدنیت خاوندان  
 وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی  
 کلیزی دی کوچنی کلیزه د وولس  
 کاله ده هر کال د یو خاروی به

د هر نوي کال به راتلو سره  
 ټول خلک د نوپیدیدو البته  
 نیکمرغه پیدیدو به پیر به تمه وی  
 او هر یو د خیل قیاس سره سم  
 راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی  
 د ابحوانی آسیا یی عادات به  
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز  
 گړخیدلی دی خو پوهیزی  
 چی راتلونکی کال د کم خاروی به  
 نامه یاد یزی اوهغه ډول کالی  
 اوما سکونه واغوندي اورد کال  
 به لومړی وړخ یا شپه یو بنایسته  
 نویت بنکاره کړی به عانگري  
 توگه منحنی د دی پویشتی سره  
 پیره علاقه خرگند وی اورد سر  
 زره غواړی چی د نوي کال نم  
 د هغه خصوصیات او تقریبی  
 اټکل شوی راتلونکی خان تصلم  
 کسری .  
 د کلونود اوشیره ختیغه  
 عنعنه ده چی د یو خخه د  
 کلیزی به ډول د کال د عدد د سر  
 خنکه دخاروی نم هم لیکل کیدی  
 د اوشیر دوی دوری لری لومړی  
 یی د وولس کلتی اود وده یی  
 شپيته کلتی دوره ده کله یی  
 پوهان د کوچینی اولوی دوری به  
 نامه هم بولی د وولس کلتی  
 د نورولس هاوکلیزه برتلسه  
 د ویره معموله کلیزه نه ده به  
 یقینی ډول د کلیزه د ویر  
 حقیقی نه ده لکه یوه نجوس  
 او کلتوری کلیزه چی ده به  
 علمی ادبیاتو کی یی کله قسری  
 کلیزه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و نرغاد محلی خخه  
 د شیر شاه رشاد ژباړه



# مرزهای دانش

## آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزمين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين - منتشر است، هرگاه آن از ديگر تركيبات اتمسفيو جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هواي نورمال به ۸ كيلومتر میرسد، آزون - راديو اکتيف ماورای بنفش خورشيد را جذب نموده، مانع ضرر به پوستی - بالایی سطح زمين و مانع تغییرات حرارت در اتمسفيو میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشيد کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هواي محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمتر میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون - رون و محیط بمرکبات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشد. از ۶۰ سال است که در مچال ها و کولرهايشکل مانع مورد استفاده قرار میگيرد. این ماده زهرآگين نبوده، توه فراران کم میباشد. در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد نميکند، یک اتم - کاربن میتواند ۱۰۰۰۰۰ اتم آزون را تخریب کند.

برعکس فنون کاربان همچنان که کساید آزون و ديگروادیکه تعداد آنها به ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب ميکند.

برای ازدياد معلوميات خوانندگان محترم نظر گنگوی خبر -

بمیه در صفحه (۷۵)

# آیاتصادم زمين با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای انتهائی اطراف ما، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی رامانند که در آن هزاران هزار کواکب سیاره پرتوافشانی میکنند. زمین که مراتب این اجسام جولانگر ما مت در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنها دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید، علماء اظهار میدارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در نزد و خلقت این امکان به میسر میسازد.



تحقیقات علمی - رتورن وسطی این رابیتشکس میکند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موزع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده بسیار - علمای آن صریحا آنهم ضمن تفسیر این احتمال میکنند:

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره - هیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰۰ میگاتن مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر مییافت. زمین با سیارات شدیداً از وی، امواج غبار و خرابی، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو اگر در آب یا خشکی به وقوع می پیوست تا شیرات ن سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که به وفیات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

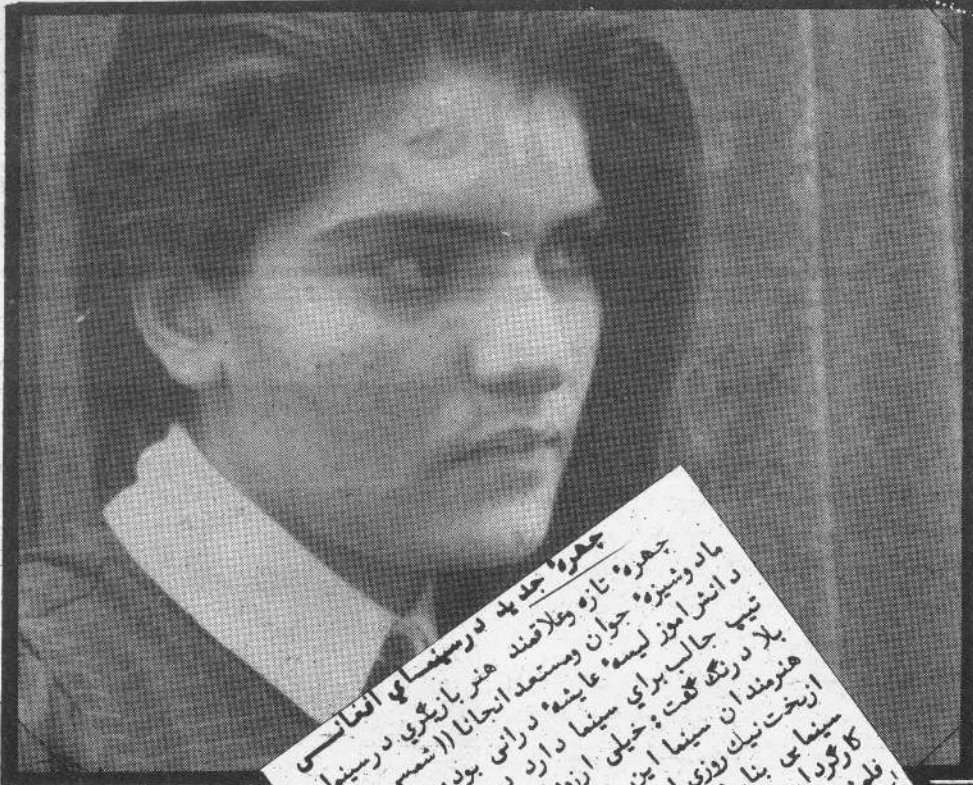
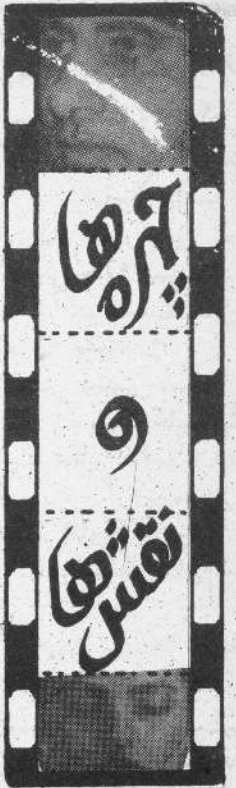
# در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد. برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش را اکثر آغاز می یابد.

از چه؟ از همه چیز. سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، یابسی از حد معیسن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه ها و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشم. قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...

با وجود ا امینان به محبت مندی - ام همه این تکالیف را دان - در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هرنگ میدانم که امریز تفریبی همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - سرشما را از نقطه زندگی تان، که در نایف - فغیت دارد، تداوی می کنم. داکتر بابت بیچکاری تفریبی در آرای سوزن موماندنی به ناف مریخ نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریباً به از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حالیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود، استفراغ دام و... در پیامتخت جمهور مردم کوریا نظریات خود را بر مومون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تداوی مریضان و - نتایج ففالت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. طبایط سوزن عمل سوزن زنی در نقطه عمده دیده بدن، که در روی جلد نقطه فعال بیولوژیکی دارد، صورت گیرد میسازد. آن صدها مرتبه بالا می رود. این شیوه به صرف کمترین مواد کیمیاوی، احساس کمترین درد و حصول نتایج اعظمی منجر می گردد. به عقیده داکتر هرنگ بیوا - موم مومونی بیورشن تیورهای نظریات زیاد و گوناگون و همچنان برای جوان شدن نسخه های



**چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) -**

**چهره جدید در سینمای افغانستان**

بلکه در رنگ گلت: خیلی ارزوداشتم تا روزی در میان هنرمندان سینما این هنر ظریف و جالب قرار بگیرم ازینخت نیک روزی اطلاع یافتم که کار تهیه فیلم در مورد انتخاب نمودن در جستجوی کارگرهای بوده است و در سلسله جویبه ها انانایان بر علاقتندی نزد برای اجرا کنند نقش هیروئین (نقش مرکزی) بنا می کنند و بعد از آن سید اندکری و دیگر اعضای تشکیل شده و همزمان با هم ساخته های موسی را در دفتر نیز منحیت هنرمندان افغانستانی با هم گیری و اجرای نقش عادی سینمای دیگر دست اندر کاران و سینماگران کامیابی منبری در اینده برداشته باشیم.



# لیزا بیوی پیره

دوشیزه ایله آرمسن شش سالگی با مادرش که از جمله هنرپیشه های مستعد سینما و تلویزیون است، بنا بر توشوین بدرش راهی هنر تحصیل شد و گام بگام صحنه این راه، راپیمود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد. او دوشیزه لیزا است.



لیزا در برابر برشی افزود: اولین مرتبه ای که در برابر دوربین فلمبرداری قرار گرفتیم، دلم ششور و هیچان خاصی داشت، خوشنود بودم که من روزی مثل مادر من ((خورشید)) هنرپیشه شوم و این فلم ((گناه)) نام دارد از سخته های انجنیر لطیف، باردی به فلم سینمایی ((گام های استوار)) به کارگردانی توریالی شفق بعداً به فلم سینمایی نواز - بقیعد صفحه (۷۴)

## تصویر بردار

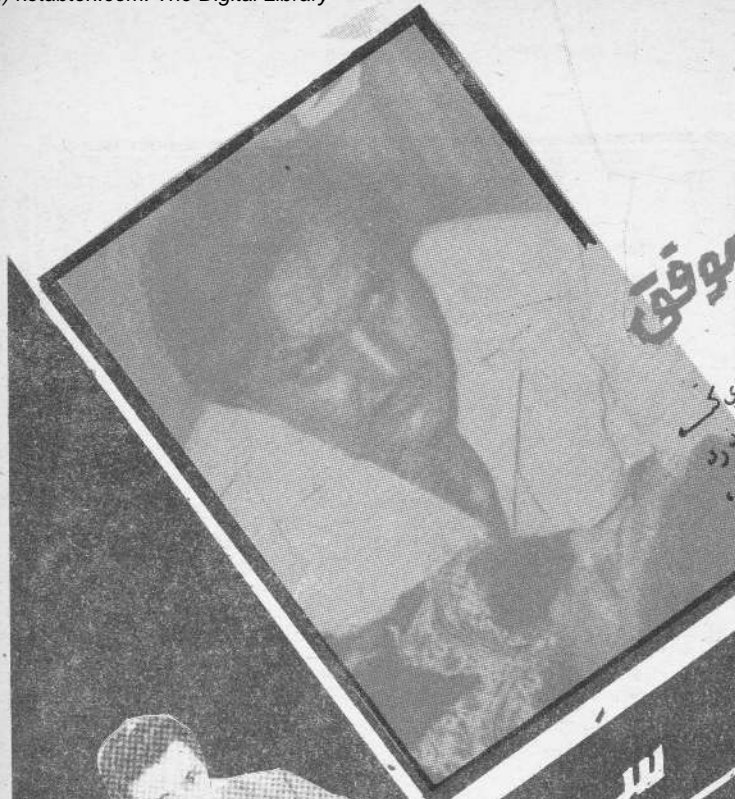
این جوان مهم و بر تلاش زمزی ((سخی)) یکن از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفه ای دارد که با هم میخوانیم - قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کند نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم. بدین

علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد دسترس پیدا کنم هماناد رسال ۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری تلویزیون رو آوردم که در بعداً پروگرامهای اخباری روز موه را - فلمبرداری نموده بعداً برنامه های اداره هنر و ادبیات کارگرن و جامعه، جوانان، اطفال و پیشه و روان رانیت و تصویر برداری بقیه در صفحه (۶۱)



# پیرین چوپیره جیره موقی

یکی از غنربیشه گان بر فدرت سینمای غنند که نه تنها با آفرینش نقشهای در فم ها کاپوس ترس و دهشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از درنگی (( مردانگی )) بر میآید، بریم جو پرواست. غنربیشه و (( مردانگی )) تجلی از جمله دست اندرکاران میگرداند، با وجودیکه به بیرون میگرداند در جهان بر زن و سون روایت های غنربنده ان جنبشی از روایت باو عاجزید روی آیند. غنربنده همین مندرجیت شمار بود.



## سیدین خاموش شد

و چنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریو های نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آئین کرد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزو هایش را به انجماد و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

## مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) (( بیک تویل )) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوایی) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوایی بنام ستیکه کوچ (وضع گادی چهار اسب) مییابد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوایی در فلم (( مارشال )) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای - سالیان متعددی در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بیشه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تماشاگران سینما را بخود منحصر ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیآورد. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شد و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه وانسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسیون کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، مییابد. (جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی فوکس در شهر لانس - انجلس مراجعه کرده و در آن جا

### نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



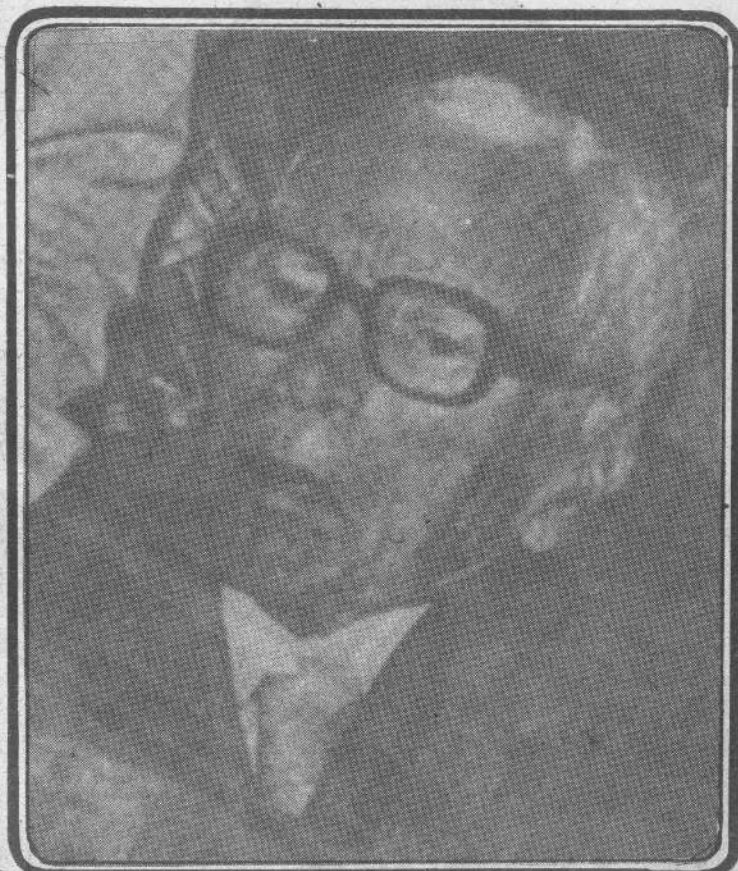
نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر مییابد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری مییابد. بقیه در صفحه ۹۳

آرها



تفصیلات

# قافیه و قیافه کوچک درسیمای یک مرد بزرگ.



## چهارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی  
چهارلی در سراسر جهان  
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان  
حیات خود به شهرت و محبوبیت -  
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت  
شمارانند، بخوبی کسانی چون  
چارلی چاپلین که برای مدت زمان  
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در  
میان مردم جهان داشته باشد.  
چارلی چاپلین بزرگ که در این  
روزها در سراسر جهان با حرمت و -  
ارادت نهاد به مقام والا، او، صد  
سالگی تولدش را جشن گرفتند -  
استعداد این شهرت آسانوی در  
ضمیمه همین گردیده بود.  
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی  
برای نخستین بار روی پرده، هر  
خانواده از ناض آگاه بودند -  
موسکها، اسپا بازی، کودکان و حتی  
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین -  
مسی گردید، مردم رقص شبیه راه  
رفتن چاپلین ابداع کردند، ناض  
ورد زبان اطفال بود، حتی در فلما  
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند.  
چاپلین سیمای جاودانه، شخصی  
را در دل پرده، سینما خلق کرد که  
همه مردم جهان، خورد و بزرگ از  
دیدن آن شادمان میگردد و کیف  
میبرند، کیدیهای او حکایتگر  
نابسامانی های تجسم کننده، تب  
های معین روزگاران فلماهای  
صامت و فلماهای ناطق، روزتا روز  
کسب اهمیت و اوج مینماید، بهترین



است که این بزرگ مردسینما  
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و  
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .  
 - چه کارهایی که نکردم : روز-  
 نامه فروش ، شاگردی حروف -  
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن  
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .  
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار  
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور  
 شدن را از یاد نبردم .  
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-  
 نر از جلادادن بوتها ، شانه کردن  
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از  
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک  
 هاور) ایاتة وزیدم .  
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-  
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،  
 من هم طلمس بلهاس فادی در جای-  
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند  
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهسد  
 و گرم تماشا ی دیکورسالن هوتل بود ،  
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،  
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود  
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه  
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم  
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ  
 کنم ، از میکاژ ولباس را بیوتی خوشم  
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری  
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی  
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم  
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -  
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستم  
 که همه چیز باهم در تضاد باشند ،  
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خورد  
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان  
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت  
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با  
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم  
 هنوز بر لبم روشن نبود ، مگر وقتی که  
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نسا-  
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین  
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود ستیژ  
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛  
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با  
 تپیم کاملاً ساینز کرده بودم ، در -  
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -  
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،  
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی  
 هان نهادی شکل میگرفت .  
 بقیه در صفحه ( ۱۴ )



تعیین کننده صادق

۳۵

# حکایت

# قالت



## چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

### این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انداخت. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

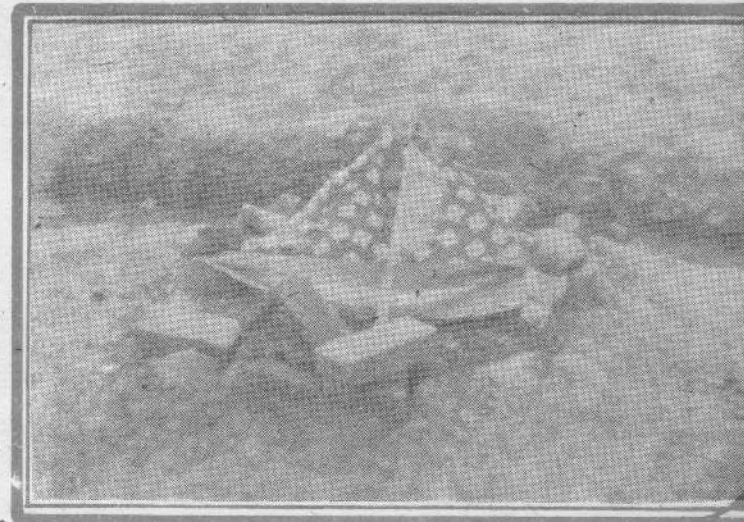
لذا برای مادر زیستن به اوج درد خود رسیده بود، روز ها گرسنگی کشید، تشنه گی دید یکسال از اداره بی به اداره دیگر رفت و از محکم بی تا محکم دیگر قضیه را تعقیب کرد تا بالاخره بتاريخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷ برای اطلاع داده شد که قاتل پسرش به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم گردید.

تقسیم دیواری ۱۱ احسوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشته بود. نسا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیچ گلگله های که از دهانه تنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: (( قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

# مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیش رعایت نداشتند. وقتی با دخترین نامزد شده، دختر و همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی با دختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخم می بردارد

موسخ آگاهی دارند، در آنروز هم بدختر گفت: (( چله مراییس بنده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگین. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاريخ ۲۰ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟

نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الله نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاريخ ۵ نور دختر را در محل و غیبه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: (( بگیر دخترت را، چله مرا پس بنده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاريخ ۱۸ نور سلامت ۲۰ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود، وقتی شوهر مداخله کرد، نعمت الله بالای شوهر تنگچه کشید مرمی که از تنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از



# دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

## کرملین

اهمیت و مفهوم این کار در چیست؟  
دیگی از انسانه های باستانی در باره آغاز مسکو که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثل امار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).

و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین همانا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.

الساو خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پلخت - میدان سرخ - میباشد. کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگوروفسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنه - بنیادساز تاجیک از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد.)

قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت وسیع استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.

در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگ - نوگ گردید ایوان - گورد، کولونو و غیره احداث گردید.

در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند. بقیه در صفحه (۸۶)

## جهان را آغاز نمودند

بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد. چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست. در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.

امعار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت. در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند. اولترازمه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید. تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند. بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد. بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید. در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید. قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.

در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان - دیوارهای پانزده کیلو - متری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.

دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد. بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.

## دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد

دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت. معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است.

نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود، طبق معلومات در اشر حملات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اما معمارانم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.

در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیوسولون، الیگز نپانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - دایت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزتموش شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده

بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگوروفسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.

بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تکلیس شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازینک و آهک ساخته شده که معلا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.

اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا بهی بشمار هرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم به بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.

انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت. کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.

کاخ کرملین مثلث انبرجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید. بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بنای بزرگترین دیوارهای روسیه در سده پانزدهم اعمار گردید. این دیوارها در سده پانزدهم اعمار گردید.

# فروشنده‌های سبزه‌ها در انگلستان

## فروشگاه آناه‌ها در هندوستان بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند \* متخصصان کارآموده هر هفت  
دیارتنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران  
بها و نادیده هر گوشه و کجایند نیاسفر میکنند \* با  
علاقتمندان و گردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند  
و در حراج ها اشتراک میوزند \*

انتونی سبزه ۴۹ ساله \* امر د بیارتنت  
نقاشی \* همین تماشای سالون فروشات اکتفورد به  
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا \* که  
به صورت رنگه آبی کار شده است \* برخورد و به آن -  
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در  
حراج آن شرکت جوید \* این اثر هنرمندی گمنام از طریق  
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق  
گرفت \* چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -  
نا بیغه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است \* بعد  
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید \*

انتونی گاردنر \* مسوول آثار هنری جنوب شرق  
آسیا \* ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش  
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید  
و ترسیم نمود \*

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری \* یکی از مر -  
یدان بود \* از موزیم میانماتی بنگله دیش آمد \*  
است \* اومیگوید \* (احتمالا این برونز رزمیان  
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد \* صا  
کاملا آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقدمات  
بنگله دیش تعهد بمانند که آنرا در موزیم ایالتس  
بدون امنیت نگذارند ((

با امانده \* مجدد برونز \* سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)  
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که  
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد \* (( آنچه را که ما  
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای  
آینده است ))

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را  
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود \*  
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر  
بشمار میروند \* نیز در این فروشگاه وجود دارد \*  
گاردنر میگوید که تا این اواخر آثار هندی و مناطقی

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه  
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در  
لندن \* که (۳۰۰) سال قدمت دارد \* استمداد  
جست \* شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند  
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت \*

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و  
همچنان برای ملکه \* شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز  
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر  
موجب شهرت جهانی آن گردیده است \*

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا  
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند ستارنگه داد و ستد  
دارد \* هرگاه بهترین را میخواستید \* همینجا است  
گزانبهاترین آثار در همینجا است \*

تلفورد شوت \* امرا داری فروشگاه اظهار  
داشت \* (این فروشگاه در سطح جهانی جالب  
ترین نوع خود است \*))

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -  
مجسمه های شرقی \* منسوجات \* نقره باب \* نقاشی -  
ها \* جنی باب \* مسکوکات \* کتب \* مدال و تعداد  
زیادی از ایشیا \* و احوایر برانگیزند و جالب آنگند \*  
است \* جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -  
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع  
ثروت درآمد شرکت را میسازد \* اجناس ترتیبی  
از قبیل عاج \* برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه  
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان  
میتوانست آنرا به شرکت و خویش در خاناد و انتقال  
دهد \*

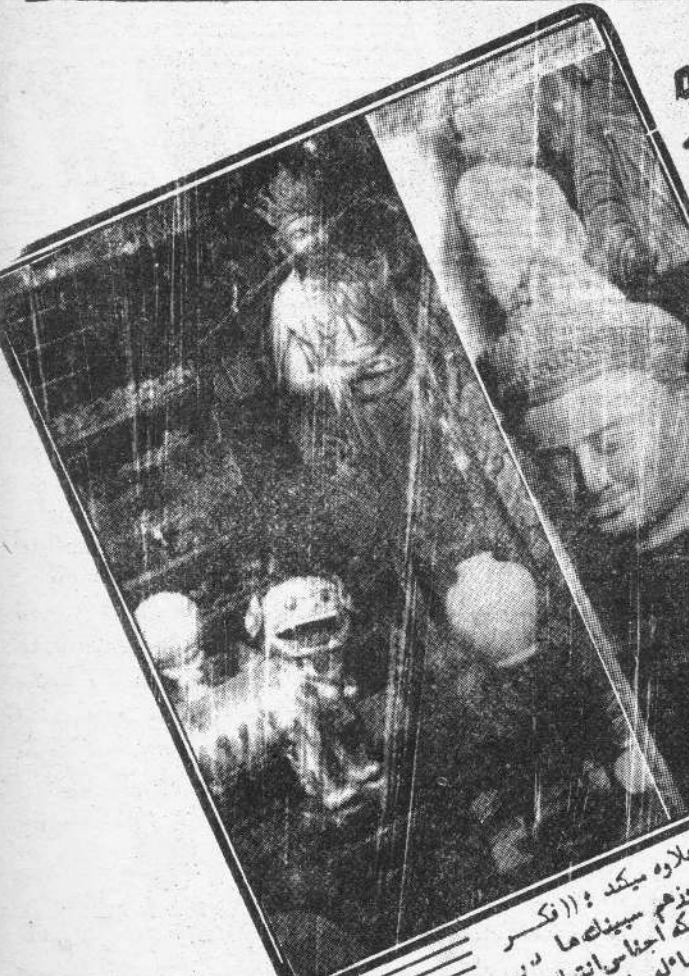
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰  
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -  
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه  
سکات میباشد \* در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آمد \*

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقمندان  
ماورای ابحار را بخود جلب نمود \* است \* یک امریکایی  
سخت علاقمند است تا در برابر دست آوری مجسمه  
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند \*  
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبزه

# مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

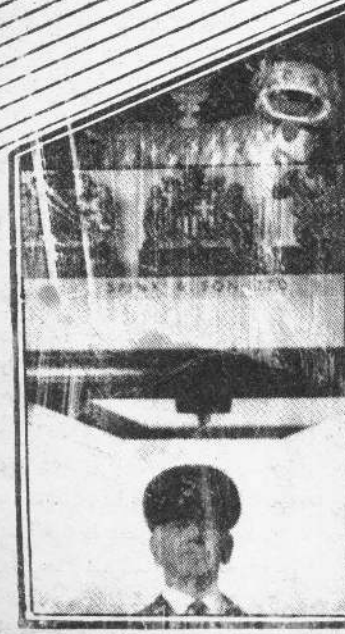
دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابسه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیزم دم یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ اطرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته، میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تازنی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و انزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



# زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازند وی میباید . شوهرش به جرعت  
اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است .  
نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و -  
لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته  
هایش نمیشود . به مشکل موفق میشم که قصه اش را از خود نریشم ،  
میگوید : (( ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا  
غم موه بفامن و فغان که چی دل کلانی دارم و دگه موه ملامت نکن و  
نگوین که مه به دل خودم زن هر جایی شدم و ... ))  
قبول میکم و او باز سان خود قصه میکنه و من با زبان خود می  
نویسم :

\*\*\*

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگه ه  
باشم وی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم  
عمر بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزند می  
در من پدید آورد ، فضای هرات زمین ( زادگاهم ) برایم تنگ شد  
بود - همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا ( گل بی بی )  
خطاب میکرد ، گلی که بر پرشند - گلیکه یارای ایستاده می در برابر  
نسم صبح نداشت - در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن -  
زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به  
فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن  
که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی از قاتل  
مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در -  
بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده  
پسر جوان آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه  
گماشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم  
شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشم - حالا دیگر برایم  
جزیاد های از مادر به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت ، او مرد  
و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای  
بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت - من  
طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم  
خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، -  
تازه د شناسمایشان نگاههای گمشدگان و نوازش میداد - من تا حال  
از سکوی بلندی دست و پا زانان برتاب شده بودم - هنوز به زمین  
بخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر  
از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم .  
آنشب در دست شیی بود که نکته های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام  
نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی  
دور از عفت رامیسم - آنشب نامزدی جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت  
کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی -  
هایش جز آزار چیزی دیگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده  
بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا  
گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر ( گل بی بی ) مادر  
نه - زن دوازده ساله بی بودم .  
و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگه از توهین و ظلم  
بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمر آنقدر خود رانانتهوان  
فزون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .  
فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی  
از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر  
دارم که راهروهای کارسرت کارت ، سه کابل را با گریه و فریاد به  
استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید  
تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .  
در حالیکه سخت میگیرم بیرونی با مهربانی دست به سرم کشیدو  
چنانیکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل  
ناراحتی ام را بر سید تنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم  
حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود  
دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییکه سرگردان  
یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده بی بود ، زیاد از این  
تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روز کند ؟ و من بدون  
هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بیروزن رادربین موهسای  
چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش  
شدم ، در خانه محقر بیروزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که  
از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این  
خانه محکم به پذیرایی وهم آشوش او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم  
بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این  
خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه  
نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : (( کالایته جمع کوکه توه به جایی  
میسوم )) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت  
سوار سرویس سفیری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به  
شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید  
اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .  
در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر  
دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم -  
انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . ( بخاطر آمدن بود که -  
زمانی پدرم مرفی را خریدم ، بود و از ویا آریزان تا خانه آورده بود و من  
فکر میکردم که با پاسغ قیمتش را خواهند دانست هرگز ) .  
من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت  
راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غشته  
به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا  
باید محکم به زنده گی شو و اینبار  
تقدیر مرا دوباره به کابل آورد -  
نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر  
خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی  
به کابل در خانه بی انتقال داد ،  
فکر میکردم شاید در اینجا تنها  
یک مانت داشته باشم ، اما -  
دریغ که اینبار هر شب ویا چند  
شب بعد مالکهای موتقی را  
باید پذیرایی میکردم -  
باعین این آدم نماها  
خود را برایشان سرویس  
کتم ، در دستهای  
قهار و وحشی شان  
بلوتم و دره دره -  
وجود ، را ، وجود  
کوچک را برایشان  
تعارف نماید  
صبح ها  
از کسالت  
شیله .  
بخواب

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر  
گذشت  
یک  
زنده گی  
بر باد رفته

# ازهریسی



## پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

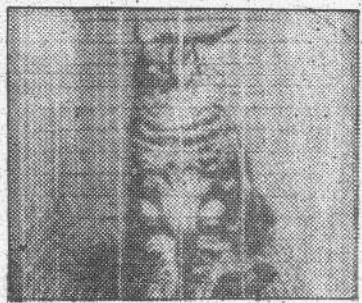
وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زاپسک خاک توده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمپس در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکترول، وسترمان درین شفاخانه پس از معاینه پسر بچه گسست دوانگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوند می زدند. این عملیات که دوانگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در بر گرفت، دکتر وسترمان یک ورید دست قارن را نیز باورید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس مصروف سیاستمداران از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.



## ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است

دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از جمله می کشد مگر می کنند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمی کند. آزمایش روی انسانها هم که با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

## پولیس دریایی سگرت کشان

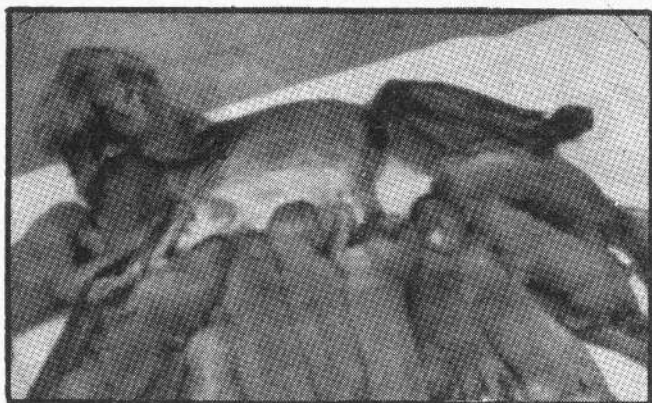
مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان می گشته شده اند که به مقررات را نادر دیده بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافتند از ۲۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، چرا خواهند دید. طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گریس موتوهای تیزلی میخی پس را ممنوع می کردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

## لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلکینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به چشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت ظاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید و آن کشور از دست دهد.

## بخطرات جلاوگیری از قمچین کاری پدرش را گشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند. مسوول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر خطرتنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمچین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد. قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنیآورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنیآورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیامیباشد که بحالست

خانه‌چی ها

تهیه کننده حسن نیر

## آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت. آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد. علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکاران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند. قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

# از هر کجا

## اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

### میگیرد



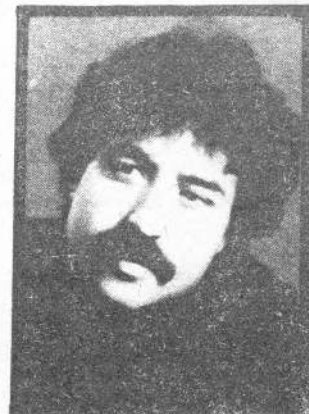
اکیهیتو امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد. انون بران ۲۵۰ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

## سه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند. تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سحر های علمی بهمنصور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه ماست که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

# از گپ های که ما خبر شدیم

## آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر و بساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینکجه اگر در مسابقه بره از من نبود بنجهد همراهم می خواهم، اگر با حتم می بردن، کسرت مسابقه حاضر شد سسر را بید بود.

معشر سب حاضر شد و گت منتظر معشر و احسان مسابقه نهدن من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از منی آید و من ندانستم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره بخبر من کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستاره علامه دارم یک مسابقه جالب دیدن سو راتناشا خواهیم کرد.

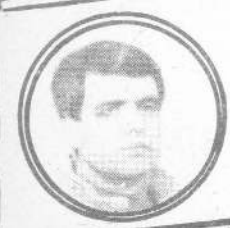
## صد قسم برای یک بوجی آرد

نور سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیا در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگت از برای خدا چرا تا حق نس میخوری، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسه بود آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتربیکه بوجی آرد بوجی آرد و در موترب ب هارا آرد همینجاتی خالص نمون، منتظرین، موتربیکه نس اما آن شخص نس و توان میخورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایس کردی، خلاصه به میانگیری یک حاجی موسفید ه آن شخص گتند تو حاجی سرتی دستت را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخوری که این بوجی از نس است! گت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره بوجی آرد و در موترب ب

انداخته سوپ کارت نور نس مردم از آن فرد بیکر رسید نس تراجه خدا راست میگت که این بوجی از نس است، گت: بیس در خودم فریب بد از گت نسو نس و او نس بوجی آرد خانه می برد نس خوردم که از ه این چسرا و تیکه خرد بونم در مسجد درس میخواندم شنیده بودم که برای نه ات دادن جان نس خوردن رواست و بوجی آرد آن نس را به دست انداخته سوپ منن خود رس.

# شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



## حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها: س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟ ج: ساریان به گفته شما کارمندان حی، شریان مغزی کفانده و یا تا س از سرف راست بدن فلج بوده در ایار شانس در ستر مریضی فرزند دارند محمد سرف از لیلان چغان بود فامیلی خیر خانه مینه: س: چرا بعضی از معتر مندان عتگام بسنگ در تلویزیون مسی لرزند؟ ج: آنان نمی لرزند، حتما سرف خود را نبینند.

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی دیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکجه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟ ج: میگردند، در جویبیکه آب رفته باز می رود!

س: چرا بعضی از معتر مندان موقع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟ ج: به خاطر اینکجه میخواهند جو سرف خود را نبینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده حتما به داکتر دندان مراجعه کنید. گلانی محسن روزنالمین: س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب سسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش دسغ شد؟ ج: این خود یک گپ از هزار گپ است! سیمین از مکروریان س: س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشت سوخته چرا؟ ج: کسی گفته بود، سیمیا بقیه در صفحه (۸۸)

جان ترانه علاوه ازینکجه هنرمند خوب آواز است پنج انگشتش شس چراغ است، علت سوختن درین است. فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان: س: خبر شدیم که حاجی کامران بازم صاحب فرزند شد مبارک است، میخوایم بد انیم چند بچه و چند دختر دارم و چند ساه عسند و آیا بازم می خواهد فرزند داشته باشد؟ ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)

## اسد بدیع از طبابت دست می کشد



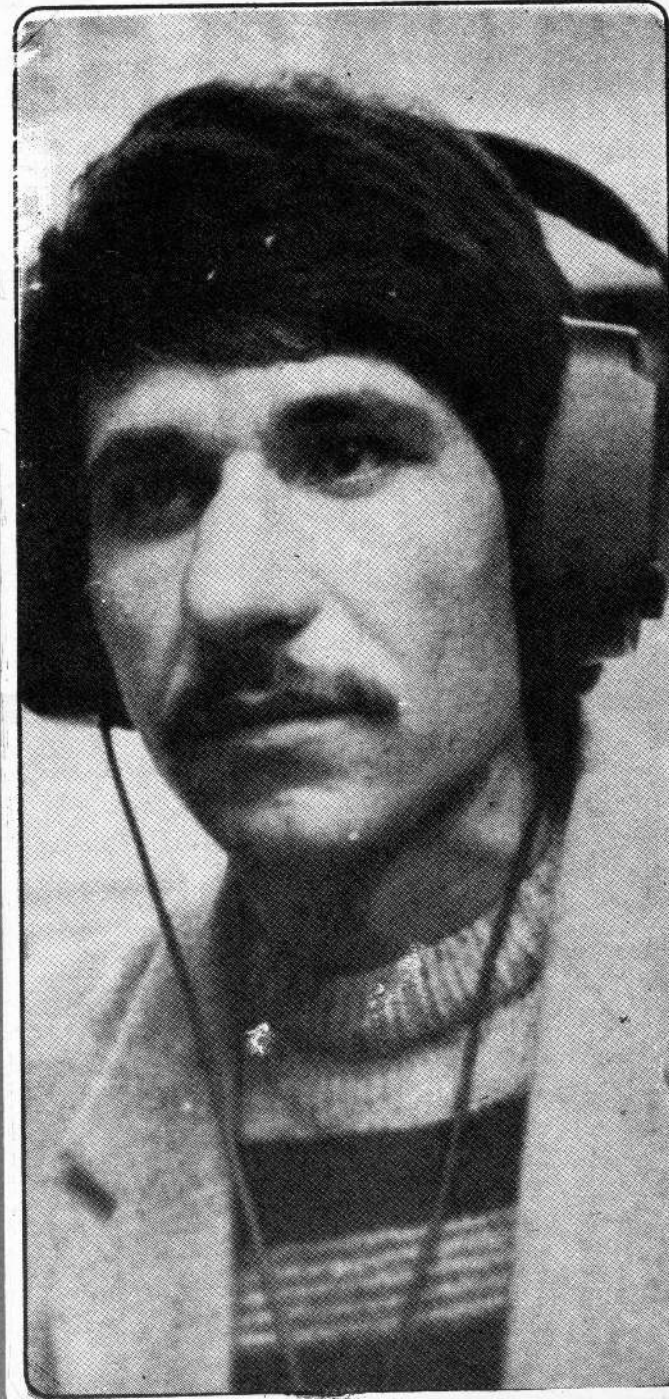
نور اسد از طبابت کناره گیری کند. وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گت بر اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیرم نمونده که سرفاس برود گتند نماید به نوع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری رایا استرات چندین تن از تجار ملی - این نماید و با نماید عم میوان اولیه سرف معتر منان را تهیه نماید باران ترانس روز هروز برساند و یا م کدام کسار نیس دیگری را نمایان نماید. از تعداد چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمسه موسعات شایعاتی را که در مورد او شنیده بودم برایش نهه کردم که بعد از شنیدن و تیین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها درع است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بدید و گت دست اختیار - اری و من برایش نهه ای کردم ازین فرار میگردند شخصی بود که فکر میکرد نامه گتند است، اورا دست تد اوی به اساینگاه می بردند و بکتور - ان مجرب روانی اورا تحت معاحه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، روزی گفتتورموش اورا نزد خود خواست و گت: بران رتو اگر نامه گتند نیستی، تویت سرف دستی یک مرد کاملاً عسار بی وضحتند از نناه طبابت، سو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوبی باشی و سه مردم خدمت نمایی. بازیس جمله حرفها مرید یاد رفت خاطر سخنان نهه تو را شنیدم در اخیر به وی گت: تشکر دارم صاحب من هم قسوس می کنم که من دیگر نامه گتند نیست اما خدا کند که مریدها برین گتند.



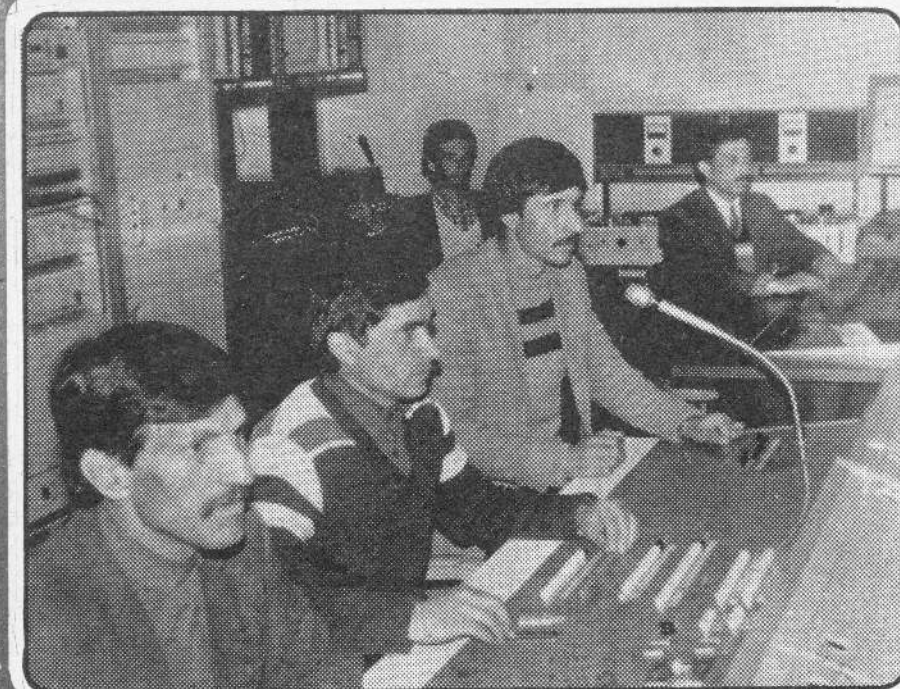
# مجله ناولوژی

مصاحبه از اسد بدیع



## سی از یک دهه

### گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی می نماید



که راه بروم مستعد در دین برنتو شده \* کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد \* از اصطلاحات هژ \* این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از آنرا هان فنی کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیف و اصطلاحی (شاید درست شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگزاران - غیر مسلکی، تدبیر شده است \* اما، کارمن و حتی کارگروه کمی از دایرکتوران تلونین، مبتنی است بر تجاری که حین کار و عمل بدست می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه \* اساس کارگردانی برنامه های تلونینی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که پارادیو تلونین همکاری دارید، کدام برنامه ها راتمه کرده اید (البته جدا از مجله \* تلونینی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رتبه ژورنالیست رادر سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلونین، در ایلام داشته های هم جان واپخته (روشن سازی هنری)، برنامه \* (مجله تلونینی) یگانه برنامه نفس کی وزنده \* هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رفاهان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلونینی) که خود، ادیب، نویسنده و شاعر است، نوشته ها و کارهای دهنق هنری - ادبی اش، صداق لبند صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشگی شما شود:

س - اما در رشته \* دایرکتوری تلونین بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل شخصی کرده اید؟

ج - کار در تلونین طریقت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکتور برنامه ها، از قبل تدبیر شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از ایلامی کتابها آموخته ام. اما در تلونین ما، همانطور که اشاره کردم، بسیاری از مواردی

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که با تهیه، نوشته و دایرکت برنامه \* مجله تلونینی پارادیو تلونین همکاری دارم کارمن در - تلونین، اساساً در دو جمعیت هژ، شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نویسنده کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلونینی، برنامه \* کتاب رانبرنام ((برگها)) اساس نهادم که نویسنده کی و کارگردانی اثرات تهیه مده داشته \* جدا از آن، دهها برنامه \* فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلونینی راتمه و - دایرکت نموده ام \* البته در حاشیه، از نوشته \* سناریوی فلم داستانی ((سهند)) تئاتر تلونینی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلونینی انقائی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتمه برنامه \* مجله تلونینی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه \* مجله تلونینی همانطور که اصول تهیه آن ایجاد میکند، بایست مشکل مهود \* آنک یونیت وسیع مشخص در تمام بخشهای فن و

هنری اما با در نظر داشت محدودیتهای فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه \* پرو دیوس، صرفاً \* مستر حکم فرمود ما من همکاری همراه است که لازم مبدان از سمت بدین جهت حاصل ما دقتاتش بسیار گزاف کم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه \* کلا بدوش من گذاشته شده علاوه بر نوشتن بخش های دربی و بنابر عدم موجودیت نویسنده \* پشتو در اداره \* ما نویسندگی بخشهای پشتووی برنامه رانیز به شکل ناگهانی انجام مدهم.

در گذشته نویسنده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسر، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستر سرپرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به نوشته های شخصی - سهک هژ تشراتی خود، تشراتی میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشراتی رهسپار است؟

ج - بنده \* تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بنده \* مجله

تان باشید، کدام بخشها را - بیشتر می پسنید؟

ج - برنامه \* مجله تلونینی یکی از برنامه های اختصاصی تلونین است که در سطح بلند هنری ادبی انتشار می یابد \* طبیعتاً این برنامه بنابه ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پر دازد، مطالب مجله \* تلونینی انکسوسه معرفی و شطاسی هنری خرم کلی و هم آن به مثابه یک نیاز حتی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای فواض و جواب قابل تامل آن، دست می یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارنشدنی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از مده تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع - ((پرویش هنری)) است آنگاه یک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آنگاه ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شمر

باید تا بلوی نقاشی از تیشه های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجینه میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلونین هست، چون مجله تلونینی در جایگاه یک برنامه \* اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا \* بنده های برنامه نیز در برگزیده تشریح کرده گویاز صرف بازدم مکتب الی بالانین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه - آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداخته های برنامه \* موا شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی و برای تلونین پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم دارم این ساله را با بنده های مهربان برنامه ام در همان بگذارم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتوا در سال بقیه در صفحه (۱۱۰)

# دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب  
 هرچه میجویی بجو  
 بیکران بحریت ، گزهر بیحساب  
 هرچه میجویی بجو  
 فارس گویی ، دري گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 لفظ شعرو دلبری گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 بهرین تنها زبان مادر است  
 همچو شیر مادر است  
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست  
 چونکه مهر مادر است  
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم  
 دوست میدارم و را  
 چون نوازشهای گرم مادرم  
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

# کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد  
 نه که خبر از بهار دارد  
 قمری به طلوع صبحگاه می  
 جشنی به چمن هزار دارد  
 چشمش ز شراب ناب امشب  
 پتگرکه چنان خمار دارد  
 مردم زنگاه آشنیش  
 گلگونه قبا ، نگار دارد  
 اندام ظریف و نقره فامش  
 بردل هو من شکار دارد  
 آید بیم ز راه شوخی  
 حیف است به غیر نظر دارد  
 صید کشته بود و بناز و رامش  
 خون شهدا ، وقار دارد

# مشوش

من مرغ اشم  
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم  
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی  
 من از سپیده های دروغین مشوشم  
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار  
 نشکست ولی غبار دارد  
 پژمان شده اسپیر زلفش  
 صد همچو منی بتار دارد

# بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی  
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی  
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید  
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی  
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه  
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی  
 درسی شوی دادی خیلی بنییرا گانی  
 نه چی زما دعاوی تالره بنییرا شوی  
 چی ترکی تلی ستا دادا گان  
 هغه لاری زما ستا تر منعه پیری شوی  
 دمانام له تیکی تیخ دهلال ووت  
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی  
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور بنستی  
 به هغو بلهارو لکی هد پیری شوی  
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی  
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی  
 بیا به و سپری رسی د سرو رید یو  
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار  
۶۷۲۲۲

# بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار  
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار  
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه  
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار  
 ببر کنسید و چمن جامه نگارین خوش  
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار  
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من  
 جد از وادی عشقم به جو بیار چکار  
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب  
 مرا به بیک فریبند و خمار چکار  
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو  
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار  
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند  
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار  
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین  
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار  
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد  
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

# مته، نته

گرتوبنداري دلم راحز تو ياري هست . نيست  
 ياغم را غير مهتر نمگساري هست . نيست  
 گر بگويم سينه از دست تو برخون نيست . هست  
 وريبرسي گر تو در خاطر نمباري هست . نيست  
 گر کسی گوید که درد نيا به دوش زنده کسی  
 سخت و سنگينتر زه جريار ياري هست . نيست  
 بيش تيرت گر بگوئی دیده برهم زد . نـزد  
 چشم مست را از اين دل به شگاري هست . نيست

## غزل

ماد خپل سرويش خکلی دي به دي کوخه کی  
 به مائل کانی وريدلی دي به دي کوخه کسی  
 به ما دمينی او وفا زيادنی ولسی کوي  
 تائل خندلی مائزلی دي به دي کوخه کی  
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده  
 داسی می دیر دیر خه کتلی دي بعدی کوخه کی  
 سترگی خمار شوندي مسکی انگلی ولونه ولسونه  
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دي به دي کوخه کی  
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وريزي  
 مائل د هجر زهر خنلی دي به دي کوخه کی  
 توتی توتی کچکول می مه زاري دژوند ملگرو  
 سائل د زره توتی شيند لسی دي به دي کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

## دخوانی گلونه

زباد مینی بنگلی بنگلی پسانسی  
 چی د سپرلی بنگلا پري بيه بنگاریده  
 به مومرینولپچو خوب ته بی سرنه تیتاوه  
 د بيشتی عظمت نينه بی  
 پرته خته کی وه  
 دغه غرور بی د بیه ی بیرونو  
 مات نه شوکر ای  
 کره صدقه بی له زلفانو  
 دخوانی گلونه  
 خودغه تورماران بی  
 کله د غار ی امیلونه نه شول  
 چایی د پانورژیدل  
 به شپه کی ونه لیدل  
 به جوانیبرگی مینی  
 د جاخماري نازینیی سترگی  
 باندی نمجنی نه شوي  
 خودخوانی گلونو  
 د جانازکوبینوته  
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

## پروانه ها

پروانه های پروانه ها  
 پروانه های خوشنما  
 پروازتان بس دلنشین  
 بر آسمان و بر زمین  
 کالای خوشترنگ شما  
 رقم شما، جنگ شما  
 روی گل و روی چمن  
 روی علف های دمن  
 مستانه بال و پرزید  
 بر روی من بر پرزید  
 گفتم بگیرم بالکت  
 آن بالک خال خالکت  
 از دست من گشتی رها  
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی  
کابل ۲۰ رهر ۱۳۶۲

## شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش  
 در شام تار طرز صدایش نخواند است  
 اما  
 زلفان تار دختر شب  
 روی ماه را  
 در چنبر طلسم سیاه کشید است  
 اری !  
 شاید که زنده کسی  
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

## برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو  
 آه ای خدای من!  
 چون شاخه های خشک درختان  
 در آستان درگه \* تو با کمال عجز  
 از فرط یک نیاز  
 سر بر کشیده از تو طلبکار حاجت است  
 دستم تعی مدار  
 آه ای خدای من!  
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست  
 و اینسان غمین مدار  
 هرگز رواندار خدایا که قلب من  
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است  
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه  
 هرگز رواندار خدایا که چشم من  
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه  
 مرضیه عدیل

## شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار  
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود  
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها  
 بوی تراب کلبه ای من می براكند  
 من، لوح خاطرم:  
 با قاف قامت تو،  
 دل انگیزی کنم  
 با یاد پادشاه تو،  
 شهبازی کنم  
 محسنتی "سوزن"

## لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی  
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی  
 میگی ی خود د ن هدا وریکی ناخسی  
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی  
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا  
 کلی کی نه شته دی بیوجه لیونی  
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی  
 کله کوی جاته سجده لیونی  
 زهیز به کوریه لبی بیلی وی لا  
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

السمعیل

## شبنم پاک سحر

واضح باز میانند  
 نشان شیخ اندامت  
 به دیوار دل پادم  
 که می آیی به سوری من  
 به دیت ابروی صفا  
 و یاد ستان البرزانی  
 خدایا، نه، چرا سر زان  
 که شیخ است این که میگرد  
 نه دستان سید مریم تو  
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم  
 مثال شبنم پاک سحر گاهم  
 در آغوش تراوشم  
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران  
 به رویت باز میگرد  
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

## بهار و بیا

یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 درختان تنگنومه بار  
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار  
 من با ادب بوسه بچشم زلف او  
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار  
 وانگه بجام چشم اوستای من بنبار  
 یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 (لومان) تویی خنار  
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



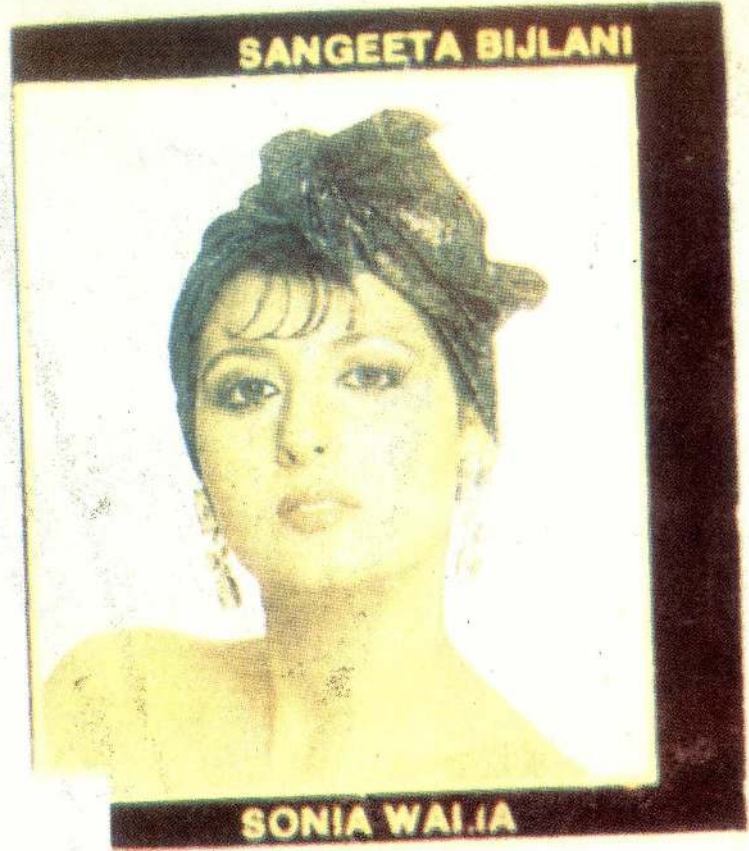
# سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سر به  
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد  
نمست • مزارع آسمان خراش از  
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتها  
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری  
نشاندهنده اوج ترقی تختک  
دین هیا آن مرحله تاریخ است •  
در آغاز چنین مزارع یک چیز  
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که  
آنها بنا نهاد ، نبود به آن افتخار میکرد  
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر  
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن  
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ  
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل  
اعمار چنین مزارع سر فلك كشيده  
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیوسته است حتی  
انسان امروزی از دیدن این هرم  
دست تحریر به دندان میبرد •  
انکشاف واقعی ساختمانهای  
بلند از زمان گوتمک آغاز میشود •  
دین زمان در تمام جهان کلیساها  
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود  
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز  
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •  
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس  
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به  
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم  
چنان باید از قصر گوتمک در شهر  
کولن آلمان یاد دهانی کرد که  
۵۷ متر ارتفاع دارد •  
بها دگاره های تاریخی همگون در  
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم  
نیز در پیروی ، ولی بجهان آمدن برج  
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های  
صوری با استفاده از تکنالژی جدید  
بستگی مستقیم دارد •  
اولین برج فولادی با ارتفاع  
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان  
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور  
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •  
این برج طی مغل مجالی بمناسبت  
تعیینگاه بین المللی در سال  
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و  
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •  
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس  
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان  
مادل های این برج گایی و اعمار  
شده است •  
بکار در برج ایفل مدت نهادی  
شکستنده شده ، بالآخره در سال  
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما  
خراش کولس بلدیگ ( CHURCH  
BUILDING ) که ۳۰۶  
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در  
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت  
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن  
های بلند منزل نیویارک گایی کرد •  
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ  
( EMPIRE STATE  
BUILDING ) این مقام را برای  
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان  
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •  
آنقدر زمان دیر می گذرد که  
ارتفاع فوق راسختمان دویج مرکز  
جهانی تجارتی ( WORLD TRADE  
CENTER ) که ۴۱۲ متر  
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع  
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند  
تهن ساختمان جهان که در شهر  
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی  
که در شیکاگو واقع است دارای  
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲  
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام  
SEGRS TOWER یاد میشود •  
در طولی ساختمانهای بلند  
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو  
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار  
شدند •  
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی  
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲  
متر داشت به دست آورد • این برج  
بقیه در صفحه ( ۷۴ )



SONIA WALIA



# از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



## حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بهری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تهن امیدوزمانی توام بادلهره جاس \* برای آنکه قهل ازاین فلم ، درنلم های ((تیر - شهرین)) و ((آگوشن)) نیز ظاهر شدولی شعری ازکار خود نگرفته بود \*

وقتی اورادر ((پانسیون)) که زنده گی میکنند

ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بهری مانگ)) برای - ثبوت اهلیت هنری من ، وجه تعیین کننده یسی داشت)) \*

ایمعدانک وقته کوتاه ، به دناله \* حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ویا این زمینه سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تهنقی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسو، روزی رابسه یاد ندارم که زنگ تلفون به صدا نیاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند و برایم تهیگ نکیند \*

عده بی راعیده براین است که ((راکش روشن))

کارگردان فلم ((خون بهری مانگ)) ازمن به شیوه \* نا- جایزی استفاده کرده وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابه انظارجلوه داده استولی اقتصاد من این است که اگر درکارحوض شنا، لباس شنا رابسه تن داشته ام که به مقتضای \* حنه \* فلم است این چه گناه کبیره است که ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا توجیح یک بهننده این است که درکارحوض شنا، دختری با لباس سوراها مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل- شنا، پوشیدن لباس شنا، امرکاملآ طبیعی هست ؟ اگر کارگردان مرادرکارحوض شنا، با لباس های

که ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاهر شده است و ارد هکرد بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جای بزرگی بود که برمن تحمیل میشد.

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک هنرمند به نام رسیده بی رامتعهد بودم \* نقش نندایت پراغواامض وایدامات بود ولی کارگردان ، مرایشوه \* کاررا آموخت و مرا خوب یاری رسانید \*

درنلم ((تیری شهرین)) نقش کوچک داشتم \* یک فلم هنری بود ودر تلویزیون هم به نمایش گذاشته شد \*

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاهر میشود \* درنلم های ((جهین داتا)) و ((مهاستگرام)) یا ((ادیمه پنجولی)) ودرنلم ((نمیری آدمی)) با ((متهن چکروتی)) درنلم ((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بهری)) همبازی میباشد \*

مناف براین ، یک عده از فلسازان جنوب هندوستان نیز رغایت او را برای بازی درنلم های جنوب حاصل کرده اند که وی صممانه و معده \* همکاری به آنها داده است \*

دراین باره اوصوف هایی دارد به این تحصیل : ((من عجله بی ندارم که درلن آن به اف-شهرت برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا \* ملوشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم ها هم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکه همبازی من

کست ، بسیاری اندیشم \* برایم بسیار بی تفاوت است که درنقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکه قهلا گتم درنلم ((تیری شهر - مین)) در برابر ((مارک نیبر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکبرخان)) ودرنلم ((مهادیو)) با ((وتودکنده)) حاضر به بازی شدم \*

من به دراست و جرات این موضوع را تایید میکنم که به هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگزرتکه تن نمایم \*

حاله که ((سونوالیا)) دروازه \* کاروبار مود را بسته ودرنمایش لباس ها- \* نمیگیرد ، خودش می-نهد : ((موقعیت کنونی حکم میکند که بعدازین ، سینما و هنرنمای مرکز تمام توجهاتم باشد و نهرا نقش راکه درنلم ((آگوشن)) ایذانموده بودم ریه معرفت قناعت بخش نبود و حاکم که فلسازان معروف به من چشم امید دوخته اند لازم است من هم تنس های فراوانی از خود نشان دهم)) \*

درخروج دنیای مود و فیشن ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه ترازم میدهد : ((اگر پیشنهادی در مورد نمایش لباس برایم برسد رذنی کم مشروط براینکه طبع ونحوه نمایش قابسل

# تاجهان سینما

## سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا  
حم نیک ولو که از احساس بولی قابل توجه میباشد))  
«سونووالیا» از آنانی که در عین اوج حرف های

نیایا می گویند، در یو خون داشته میگوید:  
(«نمی دانم چه آمده بی به عزت نامه و دیگران من  
اعتزاز می نمایند، تردید ندارم که در لسان انگلیسی  
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از آنانی که  
صحنه اردو دهند هم بهره و فایز کافی دارم، روی  
این اصل توافق نیکم به انتقاد آنانی که عقیده -  
ندارند، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی  
کم یاد میکنند بقاد آمیگ دارم.

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنبال  
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادعا درست  
نیست که میگویند مود را لباس هاتراندندری هنر  
ندارند))

(«سونووالیا» که از کار روزنامه نگاری حاصل  
قام ((دختر هند)) پیوسته به ترقیات قابل آمده  
میگوید: ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند  
به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی، تا آنکه  
سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این  
مورد حاصل کردم))

برای اینکه، درین فرصتیکه من راه خود را در  
سینما شخیر میکنم، آرزو ندارم در محدودده نقش های  
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او  
با ((وتودکنه)) بجز هامر سید، در حالیکه از این  
رزمه ها کاشته شده است و او به راحتی نفس تازه  
میگیرد، در این باره تصریحی دارد به این شرح:

((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -  
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم، چون ((وتودجی))  
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی  
یک سان داشتیم اینه خاطر اینکه با دیگر تازه کار  
بودم، به حیثیت هنرمند تجربه کار را سوخته،  
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میروانید  
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت  
حقانیت موضوع، دست به شایعه پراکنی زده سانه  
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند.

این ربه داد در حالیکه روی احساس ما، تأثیر  
ناگوار بی جا گذاشت، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال  
همکاری دوستانه بی شایعه خود خاتمه بدهیم.  
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس  
که با شایع بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله  
شکوهایی خازر الماده می خواهد))

سونو والیا میگوید: (من به خود باور دارم که در سال  
های آینده، به عنوان یک ستاره شناخته شده و  
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش  
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا  
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد  
بخوانم.

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه  
میتواند بول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر  
خدمتی را انجام داده نمیتواند. از اینروست که با هر  
نوع نقش دلچسپی ندارم و اگر چنین میگردم امروز  
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی  
نمی کردم))

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)







# برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...  
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن  
 بدان جرات میخواهد و ایشان  
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی  
 منحصر به ذکور نیست بکون طبق  
 حکم زمان ، اناث جامعه ما  
 میتواند در رشد و هشد این  
 بدیده والا از اهمیت با ارزشی  
 برخوردار باشند .  
 — اگر همانند همه ازنات که  
 به سلام این بیکره رجوع کردند  
 و بعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟  
 — شما میدانید که جامعه ما یک  
 جامعه عقب مانده و روزه انکشاف  
 است و از جانی بدیده سینمای  
 ما تا هنوز نتوانسته هويت ملی  
 خود را کسب نماید و استند عد مای  
 که بنا بر تخیلات واهی گرایانه و یا  
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و  
 ریا بای خود را از عرصه فعالیت  
 باز میدارند . ولی من بسد ان  
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود  
 و سوي سایه رفت ، سایه بیکره  
 سیرش به تاریکی و لغزندگی  
 می انجامد . چرا ، خرد مندانه  
 به سوي خورشید گام ، بگام پیش  
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه  
 پر فروش همگانی است ، سود

به جست  
 — خورشید جان عقیده شما در  
 رابطه به داشتن يك سینمای  
 خوب چیست ؟  
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود  
 باید برای یافتن سینمای خوب  
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ  
 ملیتها بود . در يك فلم نیز باید  
 اندیشه بران داشت —  
 محتوی از يك تفکر اصیل و فر —  
 هنگ جامعه گذران زندگی می  
 نمایم ، ما به داشته باشد .  
 — ستم شما در هتشدن سینمای  
 افغانی از چه قرار است ؟  
 — من بعنوان يك فرد درین عرصه  
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم  
 فقط تلاش ورزیده ام با انها بیست  
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری  
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت —  
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق  
 خجسته و احترام متقابل ستم خود  
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا  
 نمایم .  
 — میخواهم بدانم کار کرد هایتی  
 سینمای شما از کد ام فلم و  
 چگونه آغاز شد ؟  
 — من با پیشینه کار رادیو  
 ام با علاقه مند ی که در  
 بقیه در صفحه ( ۱۱ )

# خورشید



این بار در رابطه به ویژگی  
 های هنر و شناخت بهتر هنر —  
 مند ان سینمای افغانی ، با ی  
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی  
 که پیشینه کار کرد هایش از مواج  
 راد یو آغاز و در زمره نخستین  
 اکتریس های ( هنر پیشه گان ) تیاتر  
 سینما — تلویزیون باد رخشد  
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یویی  
 تیاتر ، سینمای و تلویزیونی موفق  
 از آزمون بد ر آمد و تلاش بیکره  
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین  
 چهره های سینمای افغانی در  
 سطح کشور شناخته شد .  
 نشینم .  
 این چهره پر در رخشد محترمه  
 خورشید است که دعوت ما را با  
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک  
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر  
 را به گفت و شنود این هنرمند  
 معطوف میداریم .  
 — میخواهم نخستین سوالها  
 چنین طرح کنم :  
 — از نظر شما موجود  
 دیست انات در بیکره  
 سینمای نو پیا خواسته  
 ما ، از چه اهمیتی  
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است  
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

# اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و تقریباً حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بسیار تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید می باشد. نهالیت تمام نکبات و پشه های مضر را از بین می برد. بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکومیز می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و رومی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته می شود و از آن استفاده می کنند.

## ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این سبزی مانند نشان می دهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰.۴) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال هایتها در این سبزی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد هایتها (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیک، کلسیم و آهن است.

## خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۰.۵ تا ۰.۶) فیصد متوال های القلی ساز و از این جهت از این جهت خاصیت معالجه و درمانی این سبزی را در کربد بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراک آور طبیعی بوده که در معده و جبهان ادراک را بهبود می بخشد.

## نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضا است. کسانی که به قضا مبتلا اند می توانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن استفاده کنند.

## اختلالات معده :

صاف بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

# باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

## سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت به هم می آید (۴) تا (۶) اونس آن تهیه می شود. از این بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صاف آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید و را خفلی زود بر طرف می کند.

## بیماری های رایج :

صاف بادرنگ همراه با صاف

هنگامیکه با خوردن مخلوط شود بوی شکستادن و جل ساختن سنگ در مجاری ادراک و تقویت اسید ادراک می باشد.

باید که با آب تازه و با درنگ به مقدار یک یا دو اونس هفت ساعت بعد از بوی خفلی خوب بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب می گردد. این صاف مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسهال بیماری کولرا مشتق گردیده، حفظ می کند.

## جوش ها و داده های روی صاف :

صاف بادرنگ در برطرف ساختن جوش ها و داده های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صاف های زودک و گاه را با صاف به صاف بادرنگ مخلوط کرده، اضافه کردن مقدار کم صاف، شکر در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ به طایفه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵ تا ۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از صاف آن با صاف تازه ماسک بادی با صاف دراز نکشد. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با صاف طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را می توان به صاف سبزیجات، حبوبات، صوف جات و صلا صاف کرد. معمولاً از بادرنگ به عنوان صلا صاف ترکیبی با زودک، لبلبو، بادجان روی، ملی، گاه و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شکر در صلا صاف آنرا خفلی لذیذ می سازد. صلا صاف آنرا صاف صاف کرده، همواره باید آنرا خام صاف کرد نه با ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



# پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲) رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی مایه خواهد کردید. به هر صفت تاردواند ن طایفه می باشد. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مایه نیست. من به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟ ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد می تواند محدود گسترده تر از سکی داشته باشد. من در صاف شکر و زعفران من صاف مردی که می آید، چه است کرد؟ ج - او صاف دیوانه خواهد شد خصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شکرها زنده بلع می کند. من شما در نگاه انسان خفلی معصوم و پاک جلوه می کند، آیا

# دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی نوبه می آید. ارد نوروز سندی و ایس داجی : خوانده بیاد بصری کس له وجه با گند لونی بوی را خفینه د بصری به و رخواش چنی نور تری در ته کیزی و نوریه خوانان هم به دغه و رخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توست را اخلی تا کلیومیله خایونوتسه یس اتیونه کوی بنی ولی او سلنگی وهی چی دنومر ولوبو اتسل ته د کلی سین ز پری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسیکسی حیوانی بیغلی خیلونامزاد شویو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوی)) د هزاره سیه کی برعمومی دود و نور سیکولی خانگی دودو ته هم ترسترگونی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایس جسی

د حیوان اتل) در آنگ به انتظار به تال کی کینی د هغه در آنگ لاریخاری اوبه گزار کراریسان زنگوی خوله بد هغه چی به تال کی چی خوب روی او همداسی وید به پاتی کیزی داهم اسطوره د ه چی د بصری طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی د - نوروز حیوان را می او تیزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو - د بصری د گلنود ناویغیزی ته خان رموی خونیغیزی بی بی خوارکی چی کله سترگی برانیزی گوری چی ددی له بی بروایی خنجه بی یارد نوریه نیزی و کسی لویدلی دی دغه حال نه نس زغملائی د لیونوتوب خیره پری را می او جان له تال خنجه اجوی که چیری به اوبوی لوید هغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا که چیری بی به وجه کی رلوید هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی د همدغی فولکلوریک کیسی برینستی هیله من یوچی سز کال به اوبوی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسوگالسی را پالی کری

# خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینش تمهیل داشتیم در سال ۳۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم را در پیش گرفتیم و با آشنا بی مترم انجنیر لطیف مترم عباس شیان، مترم نورالی شفق در فلم های چون : سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار و قول اس، کلام های استوار، فرجام صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشت و داشته های تلویزیونی ام میارند از : فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عموس، د لمره لور، شمع زن، د هک، من و شما، ماها و تیا تر تلویزیونی : غم مانی، زهره وید الله، امنا و زین، زمین، مرگ المازوف، آد هساء، عموس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

مند افزود : من از همکارانم صمیمانه توقع میبرم تا صرف نظر از بد در ایس ها و آوند بیخه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده، کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت ( سینما ) قدم نمایند. بخاطریکه می توان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بیابا - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقتی به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در آوند که زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید، به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعداد ها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.

# مرد ها را خواستند

40 مینرنا

## آیا فعالیت های فیزیکی مخصوصاً زندگی زنانه را اصل 40 مینرنا می کند؟

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی را بحث یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلم های سی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجش متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گسی اولین علامه حمل است . ولس کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

مینانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها گسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه استروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح استروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یاسبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارش ها حاکی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله کی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصیات زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله کی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

# نیمه آدم نیمه حیوان

## اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود، شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند، تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تبا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند - زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باواز طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد - بود و محکم به مرگ میشد از کوه به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در - پیدا این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سنگد و سزه اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تبا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از کلدانی های یونان باستان تصویر گردیده بابرند، آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد، زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تبا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون - جاداشت زن است با تنه از شیر، باقیافه زن و داریا -

لها و ابوالهول مصری بالندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر لب داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود - ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان برسد، های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعدا

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی - در روزه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمخوار حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن - استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نموده که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. - صد هاسال بعد در سوپتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تبا و بعد از او پی معمارا رسید تا که در آئینه خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

# ملک جهانی که بزرگ می‌شود

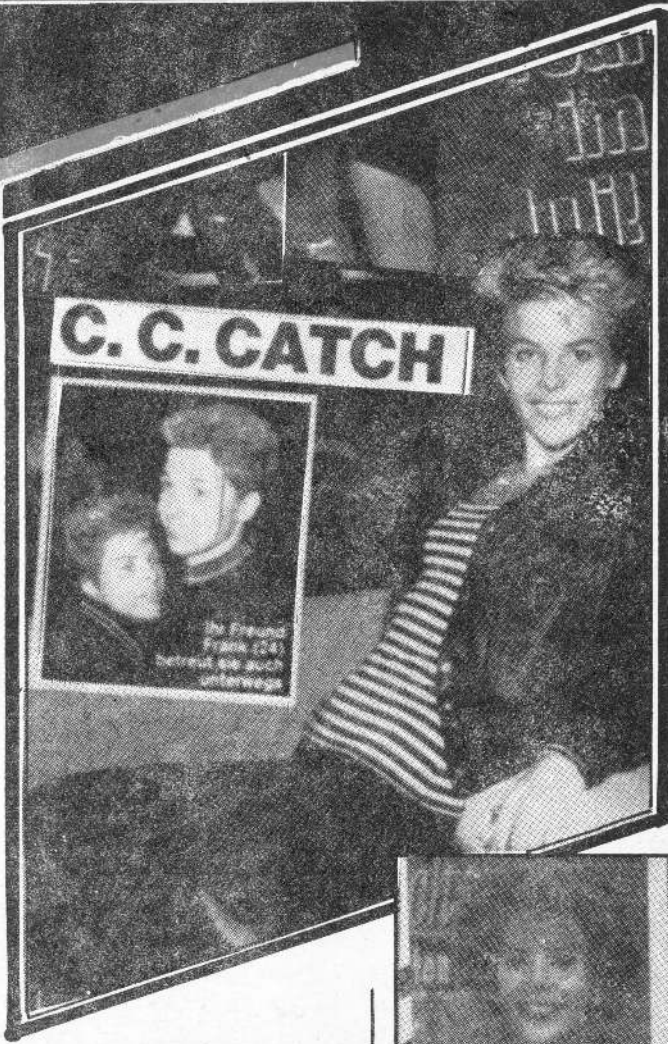
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»  
آهنگ تازه بی‌ازسری سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیترو بولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک مینماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه مینماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش میرسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت مینمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسران آلمان دیترو بولن تعجب نماید، تودرن تلا گنگ یکی از برود یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علنی آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می آورد ستایش و استقبال گستر بعضی می‌آید شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیترو بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می آید با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است (( در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور مینماید که تصور و بینش آن مشکل است ))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد، تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



مینمایم.

در یک شب مقبول بچیت هنرمند دیسکو تبارز می‌کنند، خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت دیسکو زدگن در تمام اروپا شهرت یافتند ریک نمایش تلو - یزیونی که دیسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه دیسکوی ای خود شهرت بسزایا کسب نمود، این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته فعاله در آلمان غرب زنده گسی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



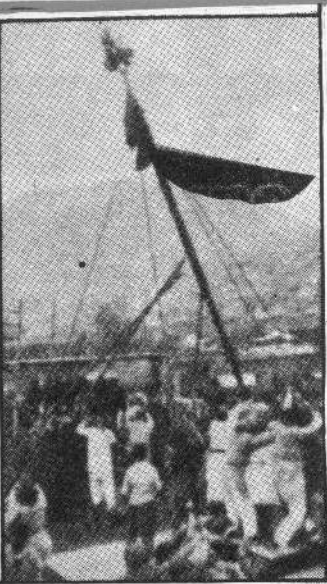
دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره میگیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنرا ره می سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی میگیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

# لرغونې نوروز او

# نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زموږ په ميواو کي نوموړي - د دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نما نخل کيزي او تراوسه لا - زموږ خلکونه دي هيرکري - له اولسي او اتلسي بيړي راپه - دي خوادغه د دودونه په لزاو پير تويرسره نما نخل کيزي - شمير - الدين ظريف صديقي په دي - باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - با برماغ، د سخ او دنيا لگير - د اينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خپل او پير برتم عمداسي ساتلس دي - په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر - بل مالان - خواجه سپاران - خواجه صفا - ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نما نخل کيزي - په مزار شريف کي د گل سرخ - ميله جي خلويينت ورخي روانه وي - په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي - جي په کابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي -

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملکري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند - هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا او په ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني وړ دي - په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او نکلکي کالي اتوندي تبيل وهي - زيارت - ياتي به (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه - با جاله - هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورغ هرکال دنيا لگيد کينه لسو دود پيل کړ او داي په گوته کړه - جي هرکال بايدغه ورغ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي - د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه - په ديار - لسه ورغ جي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل - نارينه زويه بهلواني کولي - ميلونه به يي وهل - زړه وينخوا ويندوسه خپل وخت به ندرنو هلنگر نوښه تود ولواود خورا او ښاک په برابرولوياندي تياروه - پخواني نجوني او پيغلي به په دغو ورځو کي به شيلو کي کزيدي - په شيلواو سمور کورونو کي به يي خوښي کولي او را توکيد ليوشيلو پاني او څانگي به يي دنیکمرغه ښک به نيټ غوټه کولي - له لگيد لو او بلو خوا وروڼو څخه به يي په خاښوازي نو اباد اگانو توپونه جون - کله به يي جي وايه سره غوټه کول ، د هغو غوټه به يي د خپلي مينی او پلاني وړ عنوان په نامه اېوله - د نوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به دي باندي باور و جي ټوک يي دغه دود نما نخل او نه يي ميروي - هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده ، اووه ټوله ميوه به لند يده ، داووه شين د سترخوان به وغوړ يده جي بيل به اووه سين باندي واوښت - پير سيره برهڼو به يي باکي او په هم راوړ يي او د کال د اوښتون په شپه کي به جي اوه وښور يدي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه - د نيو - روزه ورغ به د بزگر ميه هم جوړ يده دغه ورغ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړ ونده بولس - په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنس ورغ درلوده جي دروازه يي د - عامواو خاص ورځ پرانيستی وه - هوکي پرانستی وه ځکه جي تر شنه اسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنی صورت نيو - جي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه - د ميلي په خوښواو تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنی راهيت شواو هغه څه جي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه يي وغوړ ول - کوم شي جي مارغه راوړ يي و پوهانو ترخپل نئ لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړ يي - باچا حکم وکړ جي دغه دانس بايد سپين - پيري او يوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه د پارلس ورخي وروسته - هلته نيالگي را توکيد لي ووي -

ترکومه خايه جي زموږ د خلکو او زموږ د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زموږ په فرهنگ کي د باطلو وړ لرغونتيا لري - ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليز ول شوي او تر موږ پوري رارسيدلي - دي - د پخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسيد د کال وروستی چارشنبه به يي په برتم سره نما نخله - دغه چارشنبه د سوري چارشنبی په نامه سره ياد يده او په هغی کي به يي ميلي کولي - ځکه جي د اد پسرلي د - برتم په درشل کي دنوروز ميلو پيل و - په دغه ورغ به يي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي او گڼي يي جي - پښي - ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه ټکول به دغو ورځو کي به يي ماتول - د اله زمي او ارامی سره د خداي پاماني ښه وه - په اسطورو کي راغلي دي جي له سوري چارشنبی څخه د پارلس - ورخي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي - زرد شتيانود د دود يار - لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه - اووه دغو ورځو کي به د نوروز ميلي وي - له سوري چار - شنبی څخه وروسته به بيا د کال د

# شاید خنده گنبد

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت . . . . .  
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان  
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند ، دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی ، بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



## اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافلی میرزا شاکسار ، که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

\* در اثر زرد و خوردی که بیسن احمد خان و برادرش (فرید خان) در اطاق نشیمن ثامن صورت گرفت ، تمام نشیمن های اسحاق شکسته و قسمت اعظم فروش و ظرفی که موجود بود ، از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمامای تمام معاشش را که بعد از این ماه عرق ریزی به دست آورده بود ، مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستاد . خبر می افزاید که برادران زرد و خورد گینده ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاخره شانرا نمیدانند .

## از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :  
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تیسره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذتوف داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .  
 \* \* \*  
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ  
 - بغومایید ، تلویزیون است .  
 - او نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید .  
 - امر مقامات بود .  
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ ، که تازه در جوات - فجات (۲۲ کانم شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهایی ، البلی را ثبت نموده ، که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰  
 - بغومایید ، اداره ، نشرات تلویزیون است .  
 - نشرات تلویزیون است ؟  
 - بلی ، بغومایید .  
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .  
 - بلی درست است .  
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید یو کاست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم ، بو آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .  
 - ببخشید ، آخر آن فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما آن ندار . که آنرا ناسر کنیم .  
 خاموش با سر مامورت مستاخ نکن .  
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من ( . . . ) استم که امرو کم .  
 او ببخشید صاحب ، صاحب حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ببخشید ، صاحب .







## از خود شما

سوال  
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.  
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.  
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟  
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

\*\*\*

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.  
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی  
ژورنالیم ویان برویز از بعه بلخی

(( امتحان ))

يك سوداگر معروف در یاسی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفته - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور - خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار.  
خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نرفت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

(( در صنف ))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

## مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که خشمم مثل روزنامه است.  
- چگونه زیاد حرف میزند؟  
- نه هر روز به خانه ما می آید.

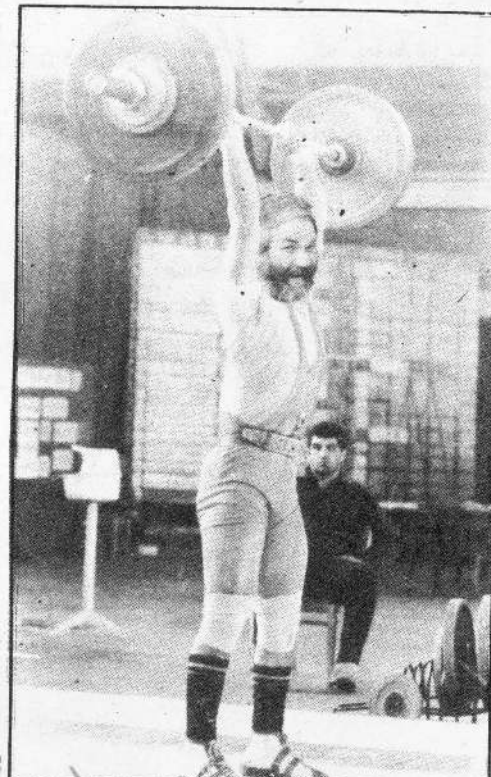
## راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:  
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانك موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟  
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

## اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل - صف منتظران نانوائی قرار گیرند.  
X لقب نهرمانی را به دست آرند.  
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.  
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.  
X عرمه گردد تا پاره‌های از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گن بنالند.  
X خاموش باش، معازره های کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



ملا صتم خوب است

همسایه بپ

د بیوزیک تن از دست پیر...  
است کمترین تم، به بد از آن که...  
ن انست در کاند از آن در یگر...  
تا رئیسند با بیب انست...  
همکاری نمایند خود را به خانه...  
رسانده، خود انست نمود.  
خبرس از این که خبریان...  
کاین از این خود کنی به جانیه...  
موقع تغییر، احب سوسوف...  
براز خوشی و قدر دانی نموده،...  
از روند انامه، این سلسله...  
در ریاست بدت ره می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم در شب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.  
ارسالی عطیه

# مینیاتوره‌های طلایی

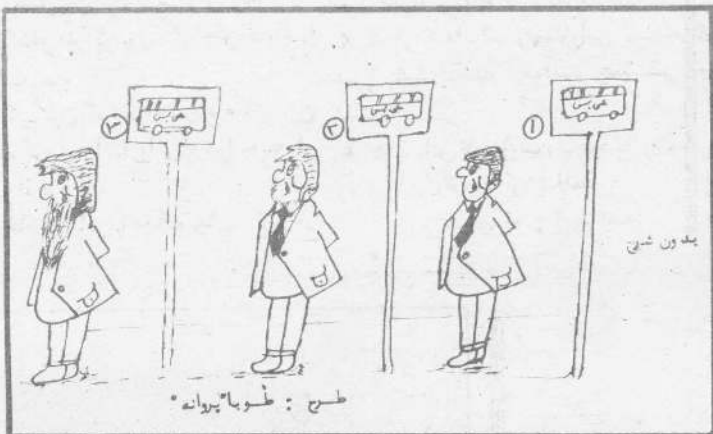
اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .  
 به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه مشکل زیامیباشد .  
 چیزیکه امروز حقیقت است فرد انشاید تخریب پیش نیابد .  
 اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .  
 بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .  
 تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .  
 به هر اندازه که بالای اندیشه خود گاریمتی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .  
 از تمدن گذشته و نواریهای آینده به وجود می آید .  
 زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد زیاد گفته شده .  
 از اندازه عملی شده .

مادرکلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .  
 خوشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :  
 بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : ( عقد ) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .  
 جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میداد .  
 دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنه اند فاکس

## کارتون



# طعم است



## نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمرد .  
 یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :  
 دوست عزیزم جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاد ستون .  
 مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .  
 امیل زولانزد ، اکثری رفت ،  
 دکتر پرسید : چه شکایت دارین ؟  
 خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .  
 دکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :  
 ای تابلیت ها برای اشتهای تان کف میکنند .  
 امیل زولانرش را با ناراضی شور داد و گفت :  
 دکتر صاحب این تابلیت ها برای من کف نمیتواند من اشتهایم را ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .  
 محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوی را مقبول شده بود به آشخرف گفت :  
 چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجایه اند ؟  
 معاون شعبه گلشن را ماف کرده گفت :  
 وله راسته بگویم ، من هم نیامم که مدیر صاحب کجایه ، مگم دیروز دراز آموا حبه حلیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .  
 محمد سرور که گوی خشکی

## بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فارجه ساختن طی مکتوب -  
 رسمی از خبرنگاران رادیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیفند .  
 روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فی و اما نه ساخته آنجا رفتند .  
 همین که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید :  
 ای پسر به شعبه خات آمد ؟  
 معاون جواب داد :  
 ایزه خوب میخام که تنی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقت که بر آمدن پسر بیایسن .  
 تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .  
 در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :  
 اویسه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کارز میکنم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکنم که روزیکنیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

### متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .  
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استناد بدی تان را تقویت کنید .  
متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .  
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتریلی بر موقت خوبی داشته باشید از همین رو با دیدن جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .  
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



# فالی که طنز نویس دیده است

### متولدین ماه حوزا :

ارزوا یینه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .  
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرقی استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند ببول صفای را در مواقع معین میبرد از بد بجز واسطه ها واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

### متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .  
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر خورد صمیمانه دارید خوبست به خا ر رفتن تان وقت ترا ز خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تا ترا جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمینی مسافرا تهیه کنید .  
برای سرفرازخان بکجید کارهای را که گفتیم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .  
معاور گفت: به چشم و حتما برشان هم .  
روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید نصیهم همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .  
همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت:  
معاور صاحب محترم ، از کجه تمیه صاحبیهت شما با اتمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بگهین ( ... ) لبتا یاد داشت کهن که مارونیک شنبه آینده ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلیس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جائز باشد ، بخشهایی مختلفه ...

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شس شماست .  
متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .  
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید ، کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متا شر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پتغادی شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .  
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال شان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند از لیل سعادت





## دوهامه پېژندنه

د راديو-مجلي پسرل  
پسې داستان

## سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړيد ي پرله پسې داستان په يوگرانو اوريد-ونکو لوستونکو سلام!  
تاسې په تيره گڼه کې ولو - ستل چې د بېتا تومپنولو دريا - ست ريس د مقاماتو د لزم د پيد - ياد ناغې ي له کبله برطرف شو.  
بي له دې چې بل ريس وټاکل شې او ياد رياست د کوم مرستيال د سرپرستي مکتوب راشې د ريل - ست د چوکي د نيولوبه خاطر د اداري اوښي مرستيال ترمنځ رقابت او کش وکښونځ ته راضي. په لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي پوري اداري مرستيال په چوکي پوري نښتې و. خو کله چې د پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته کيږي او د باندې وځي. نوښي مرستيال د رياست په چوکي پښه پاتې (۱۰) مخ ته



## نانوای

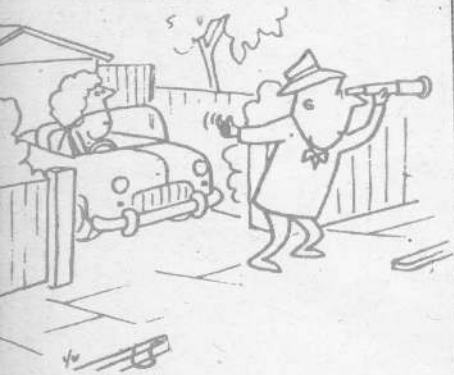
دغه مهم اوحياتي لغت په معاصرو قاموسونو کې د اډول تو - ضیح او تشریح شوي دي:  
(نان)) د ډوډي او - ((واي)) دواغ مانا لري.  
يانې کله چې څوک د پښار په نانوايانو کې په پنځو ډوډيو پيسې ((واغ)) چيښي ورهې او هغه هم په لاس ورته ورته شې.  
.....  
غور خوره - غوري وايه - خو په غور وڼه تيرونه ا



## علمي تخييلونه

هغه څوک چې دغه ليکه لولي غوروي د ښوونځي په دوران کې د ناپيژندنې دوران حالت د بېولوژي په کتاب کې ترسترگو شوي دي. خود لته د ناپيژندنې پر مخ کې ډيرې مهمې اوحياتې مادې د دوران په باب غږيزو. دغه مهمه اوحياتې ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ په زموږ ښاريان په دوران کې ډول دخولي اوښي له لاري سز او کولمونه ننه باسي. او د لري ترهښ روانه ده چې خود پښار په واټونو کې دخټو او ډوډو دغه حال وي.  
له دې څخه نښي سره دا څه به لاپراتواره په ثبوت رسېږي چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليږي او خپلې بقا ته دوام ورکوي.  
راځي چې په دې باب په خپله دغه دوران حالت ته ورننوښتو:

# نردی لیدونتی هیله او د سنځی وریوری



## دیوډاگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریوریا،  
مجلو او جریډ و محترم موسولینو!  
غوره وړخ وینواو او وړیو سیسه  
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو  
او حیواناتو له پاره ځانګړي څېړنوي  
څېړنوي او هم په مجلوماتو کس  
دغه ټول ګلښی ترسترګو کړی.  
خود یو ډاګانو څېړنه تراوسه نشه  
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه  
یی هم لوستلی ده. ایا یو ډاګان  
غوز ونه نه لري، زړه ونه نه لري،  
اوسترګی نه لري یی خوب یس  
د دې ټول څېړنوي نه څېړی.  
د ایه موسور او بریدلی وی چی:  
زاره به خواړه، مرګ یی د یی-  
سار، خواړه د امانانه لري چی  
سړی به مړه ګیډه لیتی یا اوکوره  
وڅوړی، بلکی روحی څوړونه چی  
د خولی په ځای د سترګو او غوزونو  
له لاری کولمونه ننوخی هم اړتیا  
ده. هیله کړی چی د دنیس  
اړتیا به پام کی نیولوسوه (د بو-  
ډاګانو نړی) ایه نوم څېړنه به  
څېړو څېړونوکی وړتیا ته کړی.  
ستاس اجزا توت غوز اوسترګی  
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد بوب اګانو ټولنی  
سرپرست

وکتل شو!

د بوب اګانو دغه غونښته به ځای  
ده اوله عمدی شیبی وروسته به  
د بدجاره هتی هتیاو د بوب اګانو  
د نړی په نیم یوه ټوکرې به هتس  
کی وړتیا ته کړی.

# ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه  
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه  
اوس بی مینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته  
به مفلس مین شرمیزی، ښکته ما ځنی اجداد ه  
د مهران مودی اوز د ی شوی، د وصال په طمعه طمعه  
زړه زما ورسس وړان د ی، د ایں غم بی پروانه  
زه د یواښتک به هیله، تیرم میاشتی ګندنه  
داله ځمکی نه عوانه، پورته شوی به هوا ده  
لاهم وړخ به وړخ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه  
د نړخونوبه سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده  
به مړه ګیډه، عینکله، ماونه خوړه به مینه  
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده  
که یی نړخ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه  
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی اشتهیا  
بخوانی مینی اوسنه شته، زړه د ی عیله یاری کړه  
اول نړخ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده  
غسی نه چی لیونی شی، به کونوبه بازارونو  
خه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ه  
نورنم افریاد ونه کړی، زړه کړه صبر ګندنه  
ای مفلس ګندنه خوړه، د ازما درته وینا ده



## میږز له میږسره خه څپیلوی لری؟

میږخوتول بیژنی چی د دفتر  
په کوچ کی به څلور ښو ارام  
ولار وی او په رمسی وخت کسی  
میږزایان ورباندی څپیل سرز دی  
اویده کیزی.  
راعی وګورچی میږزآخه ته  
وایس: میږزآله دوه برخو  
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی  
چی دوه لاسونه، دوه ښی،  
دوه سترګی او دوه غوزونه لری.  
اوس که (میر)، (میر) او  
(زا) د وار ه سره یوځای کړو  
نوبه یتو سترګو ویلای شو چی:  
میږزآهغه (میر) دی چی له  
(میر) خخه زیږیدلی دی.  
(څپرکی)



په لاسونو دانه با ښویدنه

بچه کلايت خه کارونه

## دیوډاگانو نړی

یوه ډاګانو څېړنوي به کوره ده  
پوړی ګلسی ته باعت وړ او  
پوړی یی څوړه  
دوی د وار وید خوله شخوند  
راهه اوس سترګو اوسکی ټولنی  
یوس چی دغی عجبی بیسی ته  
هت بی پاتی وکله بوب آخه و-  
پوستل  
- کاکا خانه (ولی زاری)  
- بچه بوښته نه کوه... نه پامه  
خوله کی غاښونه نه شته اوسه  
پوړی شخوند نه شم وهلاي.  
خودغه ځوان چی غاښونه لری  
ټوله پوړی یی راځنی رځوړه  
ځوان چی خوله یی له پوړی  
په ګه وه، به پک ستونی پسرې  
ا وډانګل.

د روغ وای وروزه! زه چی غا-  
ښونه لرم، نوبه پوړی شخوند  
وهم لږ دم یی، خودغه بوب آخه  
ښونه نه لری او پوړی ژوند یی  
ژوند یی تیروی.

یوشن میږزآله لار خو څپیل بوب ا  
پلارته لیک ورباندی ولیکی، میږز  
دغه وویل:  
میږزآ- ښه وروزه! پلارته دی په  
لیک کی خه ولیکم.  
سړی- سلام... ګرانه پلاره...  
میږزآ- ولی چیغی وهی؟  
سړی- ددی لپاره چی بوب ا-  
پلارم په غوزونو کړی دی او  
ورخبره نه اوری.



# علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

## مجموعه شعرهای علی مشتری

خواننده گان عزیزان در شماره های قبلی مجله ما گزارش سفر علی مشتری را دنبال نمودیم که در این شماره به عنوان یک بخش دیگر از این سفر را میخوانید.

تاریخ نگذشته، اکثر آنها فراموش گردیده اند. همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری فلسفی و ادبی بود، در وقت و زمان خود شهرت خوبی داشته، مباحثه و راپور تازی مفصل و نظریات خویش را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مد هیوالا در آن امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بودند. و هم چنین عکس هایی از من در مجله ننداره به چاپ رسیده.

و این است راپور تازه که در شماره دوم سال دوم مجله ننداره که مد برمسوول آن محترم شفیق رهگذر بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور خواننده گان گرامی سپارویم. زیلا، تقدیم میشود:

((یک راپور تازه دلچسپ خواندنی گفتگوی با علی مشتری))

((عشق))، امید ((و آرزو))، سه کلمه خوش آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهانه و بالاخره سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست زندگی بهتر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

شب فصل بهار و ماهتاب است  
نغم باغ رشك شك تاب است  
شگوفه دامن افشاند به گلشن  
زخون لاله شاخ گل خضاب است  
بدیده تان ((ماه در بسا لا))  
ز خجلت ماه تابان در حجاب است  
نغم آهسته تبرنگ رزگوش  
که ((منازجهان)) من بیخواب است  
درین فصل بهار ای گلشن نساز  
زه جرت مشتری اندر عذاب است  
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود  
بیوگرافی مد هیوالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی  
مشتری و مد هیوالا بدست نشر سیرده که چند  
صفحه از آن مجله مصروف و وزیر را گرفته است.  
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری را بشنا -  
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده  
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مد هیوالا تشریح  
یحات مفصل داده و هم چنین موضوع روز را اطلا  
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید  
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر  
سی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم  
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است گاهی در  
صحاری خشک و ریگ بیابان رگه با پای برهنه  
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند  
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی  
وشت پای او را گردی نصب نموده است.  
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش  
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت  
داده اند که اگر غلط نیست عجیب ضرور است  
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار  
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای او سر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بهوش نقرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری رادو - سال تمام از یارو دیار برید و جایی او را در محافل ادبی و هنری و محفل انیس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یاروغیت چها کشید، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگرد برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگرمی برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم. س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟ ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داریو بینایی یعقوب را یوسف کند س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر مندانه را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، ولی به این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفضل و هوش ریده بدیده باز ماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سعانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهو بالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم. س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تا چیزی درین نباشد مردم از آن چیزی هانی سازند، محبت و علاقه من به مدهو بالا یک - بقه چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و دیوانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهو بالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهو بالا و اطال الله خان بدراو بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهو بالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هاتی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهو بالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

# مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اطال الله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصر آن همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندانه میتوانستند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیریم.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهو بالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هندی بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

# لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت  
(اا) گرم  
هفته گذشته ماره سرگردان  
ساختن ، ما آمدیم شما نمودین ،  
و خالی دیدیم که چلو قصد خوده  
گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر  
صاحبه صرف ساختیم ، آخر  
هم دیروز نامدیم .  
سفر از خان که این حرف ها را  
شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی  
کرده گفت :  
بی غم باش لالا ، ما دیروز هم  
نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۲  
شورمن فلمدار که در من  
حال به حیت بدیر خیرنگاران -  
تلوهون ایفای وظیفه میکرد ، یک  
روز بعد گوش را برداشته سزای  
سفر از خان که همان روز در شب  
بود تلمین کرده گفت :

بقیه از صفحه (۷)

# مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به  
وایستگی مواد مخدر و روانیتوان به زور  
و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه  
تمام تسهیلات آرمایی موجود د  
باشد ، رضا و رغبت صاحب به  
تد اوی شرط اول تد اوی است .  
برای تد اوی معتادین باید برنامه  
های وسیع تبلیغاتی نیز در نظر  
گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه  
هایی تواند موثر باشد . برعکس  
فلم های تشویق کننده - یک  
جایا مواد مخدره از طریق تاجران  
مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید  
خانواده ها و استادان مکاتب  
و همروسه زیر نظر هم بگیرند  
یعنی منظور این است که اولاً  
برنامه و قیود داشته باشم  
نه معالجوی . بسیاری از صاحبین  
می توانند داخل بستر شوند  
اغلیا دیده شده که آنها از  
طریق همیره های سابقه به مواد  
مخدره کشانیده شده اند .  
ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی  
اجباری این انفراد مفید نیست  
و معلوم کردن معتادین هم چندان

# لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه (ا ا و د) نیست است  
و بعضی نمایشنامه های تلویزیون  
و رادیو نشانه های داشته ام  
- لیزاروی کونکه به آذربایجان  
نایل آمده اید و هنر پیشه سینما  
شده اید ، فلم جدیدتان کدام  
است ؟  
- فلم جدید ایکه من در آن  
نقش برارنده ام ، (سفر)  
نام دارد به کارگردانی سعید  
ورکزی وهم اولین بار است که  
رضایت کارگردان را جلب  
کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکردم نهایت خوب  
آمده بود و از سوزنی شرح و کسار  
دقیق کارگردان و اعضای هیئت  
فلمبرداری ماسپ شد که من  
بهرتر و خویتر در قالب کرکتر سیرده  
شده قرار گیرم .  
- قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز  
مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -  
پیشه مگی تان ادامه خواهید  
داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح  
داد :  
- از هنر ، هنر زنده مگی کردن  
و آموختن ، نه تنها به درس های  
میرم بلکه در منزل با مساجد  
نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات  
خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو  
دارم ، در آسمان سینمای افغانی  
ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش.  
- ما شما این بیروزی را قبلاً  
تیریک مگیو .

# به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست مگیوید من در حدود ۲ هزار پارچه  
موسیقی را دایرکت کرده ام .  
- وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟  
- شاید در حدود دوهصد پارچه بوده باشد .  
- پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته  
باشید میشود از تسهیلات ثان بیوس ؟  
- نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف  
تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک  
کورس ، ماهه را تمقیب کرده ام .  
- در بخش دایرکت بزین پیامد کدام یک مؤفق تر است ؟  
- به نظر من بزین مؤفق تر است .  
- چرا ؟  
- زیرا که بزین میتواند بخصوص در حومه رنگ لباس و آرایش  
دقیق تر باشد .  
- میخواستم بیوس دایرکت آهنگهای استاد هوشی بوسشو  
وسما ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده  
بافغانی که خواننده در آن قرار دارند هم آهنگی تلم دارند ؟  
- کار من است .  
- پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟  
- فعلاً در خانه .  
- چرا ؟  
- مشکلات دارم .  
- در نظراتی مؤفق تر استند و یا در دیکله اشعار ؟  
- فکر میکنم شعر را خویتر میخوانم .  
- گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟  
- بل در فرستنیوال و در گامه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر  
شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .  
- فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟  
- پروگرام زن و جامعه را .  
- و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش  
می بردید ؟  
- از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون  
بودم .

# آیات اقتصاد زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این  
حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات  
دفاعی در برابر آن اتخاذ مگیوید ؟  
یکی از شاگردان پروفیسور (پول)  
ساندریاف از وی چنین سوال  
کرد : چگونه میتوان زمین را از  
تصادم و آرهانهید در صورت تریکه  
هشت ماه به تاخیر وقوع این  
تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود  
راکت های دوگلوله ای را غرض  
انفجار ستاره به خاطر تغییر  
مجرای سیوس بکار برد ؟  
بعده ساندریاف اظهار داشت  
برخی از دانشمندان معتقدند که  
خطر تصادم زمین با یکی از ستاره  
های کاملاً حقیقی به شمار  
می آید .۰۰۰۰ لیکن میتوان آنرا کاملاً  
ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد  
(شویسکی) ستاره ای که فوت  
انفجار معادل هیرمز را دارا باشد  
امکان تصادمش در خلال صد هزار  
سال یکبار مت و راست . اما ستاره ایکه  
تبادل تو انفجارش فقط یک مگان  
باشد امکان دارد بعد از هر سی سال  
داخل یوس جوی زمین گردد .

این کواکب ستاره های پرواز کننده  
است ان برای حرکت کردن . برخی  
از دانشمندان که درباره رخداد  
های آینده معلومات دارند به  
این باور اند ستاره ایکه حجمش  
به یک میل میرسد حاوی قدر از ناند  
نکل و آهن است که میتواند ملیونها  
اشیا را به خود جلب کند .  
- برخی از ستاره هادر کسار  
اهن و نکل مقدار غنی طلا و پلاتین  
را نیز دارا میباشد و شمار اینگونه  
ستاره های نجومی نزدیک زمین  
واقع بوده که میتوان باقیتر نجومی  
با آن اتصال قائم کرد و اثر ایسه  
استش های فزایی مبدل ساخت .  
شعاری از پژوهشگران همین  
اکون در مراکز فزایی طرق تحصیل  
معادن ستاره ها را در فضا استنباط  
مینمایند . دهن جان پلان ارسال  
نرسناده ها را به این ستاره ها روی  
دست دارند .

انفجارات هولناک  
در سال ۱۹۰۸ بزفراز جنگلات  
دور دست سایهها جسم طمعی با  
طاقیت انفجار هایدروجی دو اوزده  
مگاتن عبور کرد این حادثه سبب  
تولید امواج زلزله در منطقه  
تاتکوسکا شوروی گردید ، اشجار -  
قطع و به سانه ، پنجاه میل دور  
انداخته شدند ، فهاروتند بساد  
ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت  
از همان وقت تا امروز از طلا در ساره  
سبب این انفجار و شش . ناسه  
تاتکوسکا سوال میشود آیا جسم  
مذکور رأس متلاش شده . مذ نس  
(یکی از سیاره ها) یا ستاره مخره  
ایست ؟ گوی از دانشمندان با  
این سوال مواجه اند ایاد ضرورت

ستاره های پرواز کننده :  
ما بیستم بعضی از زمین  
شیمان را که این کار را نهاد  
موجه از طرف نی دانند .

# ساختمان ها سریر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو  
امامشده . چنمین زلزله را از سر  
گذشتاند . در سال ۱۹۶۲ این  
بیکار به سکونت انتقال یافت . دهن  
شهر اتن تلوهون ایستانکون -  
بالارتفاع ۵۴۰۷  
متر امامشده . این اتن تلوهون  
جمعه ۵۵ هزارتن وزین دارد .  
در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن  
رستوائت واقع است که چن مخرجود  
این رستوائت منظره بسیار زیبایی  
به شهر مسکو نصیب مارجم -



گفته شد کاری ساده نیست - اداره ماصرف درحالاتی میتوانند آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد - س: آنانیکه بعد از تدای معتمادمی شوند آیا بازهم چانس صحت یابی رادارند ؟ ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند -

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد - س: معتمادین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟ ج : برابلم های ناشسی از معتمادین وسیع است - از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود - خطر سرطان نزد کسانی که عادت به دود کردن دارند - بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود - زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد - حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد - از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد - از نظر اقتصادی چنین انسداد کاری کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگ دستی می گردند آنها بیشتر اوقات خوشی را با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردند گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردند - تناسبات خانواده گی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنگل و جنجال ها بالاخره به طلاق و جدایی منجر می گردد - انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانها معتمد ازین ثروت کاسته می شود - رجای

زنده گی برای آنها محدود میگردد بهخفا بخاطر بدهی است گورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند - حتی تا سرحد قتل و زندی های بزرگ میهنس اینک برابلم ناشی از اعتیاد طیف وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست - چی ضم مادران و اطفال مسووم جوانان و سرانجام مصیبت یک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد -

# نقطه مرگ...

بقیه ازصفحه (۲۶) کورپس چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منجمی کیمیاوی در آن وجود ندارد - عبارتند از: عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور - عصاره شاع کرگدن - خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids لیمون چینی - خسته قیسی و شن بوته های که در کورپس نیز پیدا می شوند - واز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند - از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیا ممکن است که عسرا طولانی ساخت ؟ اینگونه پاسخ میدهند: بلی - با قویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است - زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد - طول عسرا میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد - بالای اشخاص بین سنین ۶۰-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود - تجاری انجام دادیم - رستورانت میشود -

با تکفالت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته بود توانستیم که آنها را با نرس تدای بحال نورمال برگردانیم - برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورسلان است قسمی که کورس از ۱۰ تا ۱ بار تطبیق میگردد و تطبیق پیچکاری - هاجند روز را در بر میگیرد در حله اول پیچکاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد - چیز هم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر جد نیقد پیدا می شود - در حالیکه درسوزن زن عسادی تقریبا ممکن نیست - داری تر- رقی شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود رابه نقطه مورد هدف میرساند - کورس اول تطبیق پیچکاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی معتد و بهتر خواهد شد سپس نظریه وضع چهار کورس تطبیق پیچکاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد - بعضی اشخاص در اولین تطبیق پیچکاری صحت یاب میگردد - تلاش طبیعی کورپا به تزریق دروا نقاط لان طول عمر محدود نموده در صد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند - داکتر هونگ بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد : در یک حیوان بزرگ بحری بنسبام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند - هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند - فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اسج و جگره ها می باشد - از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد - هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد - همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد - به نظر او این نقطه بالای خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سعه و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد - بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر که از قدیم ها تصدیق گردیده - موقعیت دارد معتدترین آنها نقطه چمانگ است - داکتر هونگ نقطه جدیدی راه کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ راه درین منطقه پیدا کند -

بقیه ازصفحه (۲۶) چو اند انسان را از نظر اشعه های ایونی حفظ کند - درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟ هیز سوات راتعا از ضلعین سوی حیوان صورتگرده - هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند - کی آن حیوانات و نباتات اثر گذاری نخواهد نمود - طوطال - سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاذ ۲۰ نمد حاصل - خزنی بعضی نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت - شد تشعشع مابرای بعضی امکان دارد نفاذ را بگونه مناطق صنعتی - آلود سازد - اگر این امر ممکن نیست پس از ۵۰ سال صورت گیرد و نام در صورتی تفاوت ماندن انسان در برابر آن - طبق معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر تشعشع اقدامات ضروری در نظر گرفته شده است - آیا بعضی حیوانات خوشبختانه مثل داکتری شیه نیست که از - بعضی مرض جدی او را پنهان نگهدارد ؟ - گنه های من نه تعالیانته های تجاری طی هبوط نام بلکه بر تلیج پژوههای جهانی آشوار است - تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگسانی مل متسد ( UNDP ) سازمان مترو لوی جهانی میانگرنان تطبیق است - از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف از وی پدیدار میگردد - طت چیست ؟ - در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد - با نام در زجه این فرضیه ها قائم گردید است : شکاف از وی شاید زا ده جهان کیمیاوی با حیوان دنیا کس با هر دو ی آن باشد که بالان توصیف صورت میگردد - بعضی هالین موضوع را با اهتزازات رقم حرارتی و همچنان با اعمال شدن خورشید پیوسته میدهند و هیچکس تا کنین به تشعشع مناسب آن توضیح نیاخته است -

بقیه ازصفحه (۲۶) پژوهشها و آزمایش های بیشتری در کار است - تحقیقات بشرک شیوی - آلان دموکراتیک - بلغاریا - منگولیا - کوبا - هند و ایالات متحده روسی است - در سال حاضر چه پیمانه مواد تشعشع کننده ازین درجهان تولید میگردد ؟ - تشعشع روسی سالانه در حدود یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات متحده - ۳۰ نمد آن در ایالات - ۱۰ نمد آن در جهان و شیوی ) - تولید میشود - فاکتورهای تشعشع در شیوی - ایالات متحده و بعضی کور های دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد - در کفرانس مونتهال چه مصامی اتخاذ گردید ؟ - مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۰ در هیات امم اتخاذ گردید - چنانچه طبق آن تحقیقات سرایی جهانی رودست گرفته شود - پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده تشعشع هر دندک تولید مواد تشعشع کننده ازین واقع نباید - تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد تشعشع قطع خواهد شد ؟ - در کفرانس مصم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی روسی ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود - آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری است نظر کاهش بیشتر اند ؟ - هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردیده و تولید مواد تشعشع کننده ازین افزایش نباید پیمانه تشعشع قدر این مایه نگاری نخواهد بود - با کور هلیک پروتکل مونتهال را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟ - نظریه موافقه مونتهال تکلیفی و وسیله تولید نوی روسی در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد - البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد -

برج واقع است و اطرافش را شش ساعه کرده انتقال داده میشود معلمان میتوانند از لفت به منظره نما که به شهرتورتها میشود لذت ببرند - شاید برایتان غیر قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده - این دو ساختمان - مرعج چارت انپایه های تلوهون بوده که یکی در راکوت شده الی در

ایالات متحده امیکالک ۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد - ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه انهن را گذاشته و وی منتظر بلید بود که از این حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد - به همین الان پیروز هادی نورگراست که در صورت اسطاران ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است -

ایالات متحده امیکالک ۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد - ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه انهن را گذاشته و وی منتظر بلید بود که از این حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد - به همین الان پیروز هادی نورگراست که در صورت اسطاران ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است -

ایالات متحده امیکالک ۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد - ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه انهن را گذاشته و وی منتظر بلید بود که از این حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد - به همین الان پیروز هادی نورگراست که در صورت اسطاران ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است -



# جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالخ

## اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منوسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعیب مینمایم به حیث آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگر گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده می کنم . راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میبالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد .

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم .

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میکوشم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مریه تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میکوشم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گیرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظریه علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

# مردها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)  
مقدار شرح بیمن  
۲۲ تا ۳۰ نیمی وجود  
شان در تغییر است.  
در آنهایی که به دوش  
عادت کرده اند، شحم  
بدن شان تا ۷۰ درصد  
پایین آمده میتواند،  
درین صورت از آنجا  
که مقدار استروژین کم  
است، بنا به درجه  
پایین تر شحم

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه  
قاعده کی را توضیح کند.  
چنانچه دم عبارت از این است  
بودن سطح هورمون LH  
(Luteinizing Hormone) است. این  
هورمون که از غده های مغز  
تراش میشود، سطح آن در زنانی  
که به ورزش دروس اشتغال دارند،  
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی  
این هورمون به خاطر خارج کردن  
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -  
قاعده کی ضروریست، خارج کردن  
تخمه از تخمدان به کوه عادت  
علت به وجود آمدن درسی از حجاب  
در محل تخمه خارج شده از تخم  
دان است که هورمون دیگری را به  
نام پروجسترون میازد. کوتاه  
اینکه مقدار کم هورمون LH  
معنی آن را میدهد که تخمه در-  
تخمدان به وجود نمی آید، بنا

در تخمدان پروجسترون وجود  
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی  
تعمیق می افتد.  
پروژسترون دالون در اینها  
وجود می آید که آیا به تعمیق  
افتیدن قاعده کی خطری دارد و  
یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده  
شده است که استروژین برای  
محافظة استخوانها در زنان  
ضروریست، پایین آمدن ها کاهش  
استروژین بعد از توقف قاعده کی  
به نرم شدن استخوانهای انجامد،  
مطالعه آنهایی که به دوش -  
اشتغال دارند، نشان میدهد که  
محتوات مغزالی ستون فقرات شان  
کتر از آنهایی است که به دوش  
اشتغال ندارند.  
مادر مورد خاصی قبل از صحت  
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر  
شدن تهنه اثبات رسیده است.  
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح  
کنند، در زمینه چندین نظریه  
وجود دارد، نخست اینکه یک  
زن که تحمل شدیدترین درد -  
یعنی درد هنگام ولادت، را -  
دارد، میتواند در اثنای  
تولید باین خود فشار را تحمل  
کند، زیرا با این خود اطمینان  
تحمل درد را دارد، دوم اینکه  
زنی در اثنای اجزای تخمین شاید  
کمتر خود را ناگهانه محکم  
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی  
نرسد، ولی بعد از مادر شدن  
میتواند سخت تر تربیت گردد، -  
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود  
را گذشتانده است، سوم اینکه،  
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی  
امکان دارد که اندازه حرکت  
پایه را در اثنای دوش تحقیر کند.  
بالاخره چنین مطرح گردیده که  
هورمون پرولاکتین که بعد از ولادت

تولید شیر مادر فعالیت میکند،  
تا تغییرات موثر روانی را با اثر تحمیل  
مقاومت دارد که تا اثر آن سد -  
نیادی دوام میکند.  
به اصطلاح نوروردن بیجا در  
زمان حامله کی خطرناک است،  
ولی در آنهایی که متواتر به دوش  
عادت دارند، تندرست اند و تکلیف  
هایی مانند فشار خون را ندارند،  
خطری به دنبال آن نیست، در  
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان  
تا روز ولادت به دوش ادامه  
میدهند.  
کدام تخمینها را باید از زنان  
انجام بدهند؟  
در پاسخ باید گفت که هر  
نوع تخمینهایی که خواسته باشند  
پیدا گردی، دوش، بوگاها  
ورزشهای دیگر، ولی مهم این  
است که از آن لذت ببرند و بهسر  
مقد شوند.

## جهان بعد از قاجار

بنیة ازمنه (۷)

ارکانهم خای زنده را از شمع ماورای بنفر مخلوط نگه دارد در آن  
پرتاب، توپخانه آتشین ناشی از انفجار تخریب خواهد شد.  
شمع ماورای بنفر که زمانی محور و انگیزه زندگی روز زمینی  
گردیده میتواند بهمان معنای موجهات نسبتی آنرا نیز فراهم کند، این  
شمع خیره کوبنده بی را خاصیت پروردگار را خواهد ساخت.  
چنانچه اکثر ارکانهم خای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در  
زنجیر غذایی موجودات بنفر، تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و  
بدین ترتیب زنده محتوای بودی سایر حلقه های زنجیر را صادر خواهد  
ساخت، نه تنها در این نباتات ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای  
بنفر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به انسانیت  
تخریب خواهند نمود، در قسمت سلولها تکمیل پوست پاپیله های شان  
در برابر شمع سیرگرد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -  
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت.  
میلیونها پرند گان و جانوران نابینا در چشمی آم و دانه سر  
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش  
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو پویاگز، دانشمند  
ژنتیک آکادمی علوم خلی استاد شوروی واقفیده، بر آنست که در چشم  
شرایطی معلقه نخواهد بود تکرر نشی بشری و از نگاه ژنتیک ها داده  
پروژه تکامل انتظار داشته باشیم، این پژوهش شمع مواد را میسوز  
اکتف تحولات زیادی را در تمام مالیکولارگانهم خای بازمانده، نباتات  
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، جراثیم کاملاً بی ضرر  
خسرات مرکبایی را متوجه انسانها خواهد ساخت.  
مازه بران، محکم تغییر بازمانده ژنوتیپ تکرر را به علت اینکه شمار  
آنها به سزای تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست  
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه  
جلوگیری از جنت گیری با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -  
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و با همیها فشار آرتی که بشر در  
طول دوره، تکامل خوشی بدوش کیده است عوامل جدیدی که یقیناً  
نیل بشری را به سوی نیستی خواهد کشاند، امانه خواهد شد.

## فردین موزیک

انواع مختلف کسهای  
موسیقی افغانی، هندی و غربی را  
به علاقمندان موسیقی پیشکش مینماید  
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

## مرستیال

خوله نه نه د مخه فنی مرستیال  
به جوکی کیده اولی وه اناری  
مرستیال جی نه جوکی بی د  
جان منلی حق باله به خیل  
بخوانی د نترکی بی دریاست  
بول صلاحیتونه به جان بسوری  
وتول له بیل خوا اداری او  
فنی مامورین هم له د وید و پرو  
تخه کم نه وو، حکه جی د یوتن  
به ریبر کید لو سره د تولو به  
جوکی او بستونکی تغییراته  
که حیرته فنی مرستیال ریبر  
شوی وای نو د فنی خانگی د -  
بخوجا کولانو د تیره کولو عمیسی  
مد برد فنی مرستیال جوکی او  
بست ترلاسه تابه او د هغه  
مرستیال ته به خبله د عمیسی  
مد بریت جوکی وریاتی وه، حی  
به دی پول ترورستی مامور  
جوکی نه نه حق خیل حقدارته  
رسیده.  
د عمیسی وخت و جی د لور مقال  
له خواد سر برست ریبر مکتوب  
د ارشیف مد بریت ته را رسیده.  
مکتوب مخکی له دی جی به خبله  
د ارشیف مد بریتی وگوری نه هغه  
مامور باکت حرسیری کی یه او د  
مکتوب متن بی لوستی و، کلمه

جی د ارشیف مد برکتوب بلوست  
له مکتوب سره یونای بی د خیلی  
امانه کاری بینهاد هم له میز  
خانی راه اخست ایه د اس حال  
کی جی در نهایت خندا بی به  
شونو و خبره وه، د اداری بر -  
ستیال د دتر به لور ورو خویله  
(لوستونکی دی د خوشی سو  
له باره یوست موزیک و فنی وی)  
نصاق: د رنولوستونکو (ناسی  
خه فکر کی جی به مکتوب کی به  
خه لیکی وی، د ارشیف مد بر  
دخه شی له باره د خلی امانه  
کاری بینهاد له مکتوب سره  
یونای اداری مرستیال ته یور.  
ایاد ارشیف مامورین له خیل  
مد بر خده مخکی بی مکتوب  
لوستلی و، فنی مرستیال به له  
موضوع خیر کی آوکه نه، او هم  
داجی دریاست جوکی نه نه  
به تعیب وی.  
دا هغه بویشی دی جی د  
برله بیس داستان به درسه  
اوروستی برخه کی جی به را -  
تولونکی کچه کی به خبره شی حل  
کند وینکی دی، او سر نو د خدای  
به امان، روغ او حوینحال  
اوسسی.



# موکیش

## از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلائی)) نام پر درخشش و استیلا کننده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راستنورد میگرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمیکرد و از جانب دیگر نمیخواست از زین مقام اصلی اش که سخت به آن علاقتش بود جدا شود. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب میکردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که همین یک رقص را با ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس نمیکردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمادولی حاصل دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهن و تواضع لب به سخن می‌گشاید ولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیور و تکبر فرود آمد و این نقش را بیدین پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد میکرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه میکند:

((نزد من، ((دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمیکردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار بگیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هام شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرفم استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن بازیگر اول من انتخاب میشود آنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در ۱۹۵۸ بد ر شد. باز یگر قلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلما آواز های طلعت و زینع را بسنگ میکشرد اصراوی و وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شوند. شنونده ها عه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش وارد کردند وی خم به ابرو نیاورد به موکیش هیس چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و هاش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در ۱۹۶۰ سرو در واقع وداع انک الودیا ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بودند که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تکنیکی در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانده که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای را با ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانده که آنها در آریبه بهترین فایشان قرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شوم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگه باغ اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی میگیرم تا قبل اعمیت است بخاطر بیایرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کپوزرها و با لقم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده های باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازی قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فلما میلودی ((راگ در یاری))، ((دل جلتاهی توجلی دی)) پیچید. عه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اچ شعمرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتماتیک داد. اکثر آهنگهای را که در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عقی گلوش اد\* میگرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازه های طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی ادای میگرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیورا جانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای ۱۹۴۸ - ۱۹۵۱ زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برقی آسبورد. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا ۱۹۵۸ وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خواننده های فلماهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در ۱۹۵۳ به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع - و طلعت سبقت جستند، در سه سال ۱۹۵۰ - ۱۹۵۴ رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خواندند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شکر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

# آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن  
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی  
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری  
که در ۱۷۰ کیلومتری داریسین  
موقعیت دارد کشف نمود.  
ارتفاع این ساختمان بزرگ  
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به  
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان  
آشیان عظیم دانشمندان این  
ساختمان‌ها را چنین مسمی  
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت  
زاد خود جاداده است. آنها  
شبهه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند  
حتی در مناطقی، شهرهای نیز  
از این ترمیت‌ها وجود دارند.  
دیوارهای ساختمان‌های بعضی  
از این انواع به حدی محکم ساخته  
شده که تخریب شان تنها بوسیله  
ابزار خیلی قوی میسر است و پس  
این حشرات همه چیز را می‌خورند  
و با این کار سالیانه ملیونها خساره  
وارد می‌نمایند.



# ازینجا و از آنجا

# بازی با تسترین

هر دو زمین شخس بازی با تسترین  
و انجام داده است. از تحقیقی  
که در شهر هامبورگ آلمان  
فدرال صورت گرفته، روشن  
میکرد که چرا تعداد کثیری از  
زنها در مغازه‌ها به دزدی می  
پردازند. «نورا» برهنه چیره‌گی  
یافت و هظر را در جیب پنهان  
کرد. «اقترا» ویژه و تهیه یک  
زنی است که در فروشگاه‌ها به  
دزدی می‌پردازد.  
برودن اجناس گسترش  
نیاید و طوریکه تازه ترین آمار  
نشان میدهد (۲۰۰۰۰۰) -  
مرتبه در سال، باشندگان  
آلمان فدرال دست به سرقت  
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این  
تعداد فقط انعامی را در برمی  
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.  
طوریکه تجارت‌برچسبون  
فروشی وانمود کرده، تعداد  
واقعی انعامه‌الی بیست برابر  
بیشتر از عدد فوق الذکر است.  
از برهنه‌ها گمانی که در  
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

دو زمین نفر معترف به سرقت  
چیز شده‌اند.  
رغبت بیشتر در دزدی -  
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم  
آرایشی، زیورات، ریکاردهای  
موسیقی، فرآورده‌های چرمی  
والبه سود ریز که بی‌بزه مسود  
یستند خان‌ها قرار دارند، دیده  
می‌شود.  
رواقعا خانها، با وجود  
اینکه در مقایسه با مرد ها کمتر  
مرکب جن می‌شوند، به اصطلاح  
در بالا رفتن دزدی مقام اول را  
احراز مینمایند.  
در اطری منتشره وزارت عدل  
ریاست نورد این وست فالن آلمان  
غرب چنین آمده است: (( در  
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان  
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده  
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))  
علت آن چیست؟  
روانگویی از دوسلدورف بنام  
داکتر هانس یواخیم شوین،  
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته  
و می‌نویسد: (( عقده و گرتنگی  
های روانی در رابطه علمی  
با اختلالات غده‌ای قرار دارد  
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -  
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

و یا سال‌های مینوز به ظهور  
می‌رسد.  
ولی همچنان انجماد زنده‌گی  
جنسی نیز اسباب دیده کلپ‌تومانی  
(عقده و گرتنگی روانی) را فراهم  
می‌آورد. ((  
منتها مرد هان نیز می‌توانند  
از نقطه نظر زندگی جنسی متجمد  
باشند، پس چرا آنها دست  
به سرقت نمی‌زنند؟  
روانشناس هامبورگی بنام  
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:  
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود  
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی  
در آن احساس می‌نمایند، در  
حالیکه مرد هانند تا عاقل‌امو -  
خته‌اند که چگونه عواطف خود  
غله حاصل نموده و مانع بروز  
ان گردند. مرد هان بیشتر بیماری  
های جنسی مبتلا می‌گردند. ((  
نباید از نتراند اخت‌که  
زیودن یعنی دزدی رعایت -  
خاطرمی بخشد. در جریان  
دزدی انرژی تشنج روانی از او  
شده کشیده‌گی و گرتنگی انباشته  
شده از میان برداشته می‌شود.  
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه  
که از ناگرایی ترس‌میان می‌آید  
با احساسات لذت‌آور جنسی  
می‌تواند ارتباط داشته باشد.



# از دنیای مود... بقیه از منحه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلسی که ((امتا بهر))  
فعلا روز آن کار می‌کند، دزدی از آنها، نام ((سنکیتا))  
خوانده نشود و بطلب قابل توجه است:  
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری  
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در وقت  
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان سازمان از آنها  
میشود.  
دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است  
که همبازی شدن او با ((امتا بهر)) هیچگونه  
ظرافت هنری را ایجاد نمی‌تواند.  
مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده فیلم  
انقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این  
مود می‌کشد:  
(( آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم  
برای خود کماش کم و بیش طرز تلقی که، می‌کنند  
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و  
خط بطلان یکم تا دیگر گشته شود که ((مودها))  
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند  
اگرچه در فیلم ((هتیار)) ظاهر شدم ولی فیلم  
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل  
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.  
داستان این فیلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست  
که از لحاظ اصطلاح سینمایی می‌توان آنرا آنگده از  
(سنس) خواند.))  
به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل  
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.  
او می‌کشد: (( بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک  
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول  
به معنی فیزی قرار می‌گیرد و در حالی که در سینما  
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت  
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه  
موضه میشود.  
اگرچه در فیلم‌های هندی و هم‌وزن نقش حساس  
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی  
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بایم.))  
((سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فیلم در اختیار  
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده  
است.  
اگرچه در این‌ها و آخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با  
(آلیسان) روی نماند ولی او موع را اینگونه  
جلوه میدهد:  
(( در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایی  
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد  
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که  
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه  
نایل آیم.))

# بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسکیت، یانگ بازان، وواترپولو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی یکرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

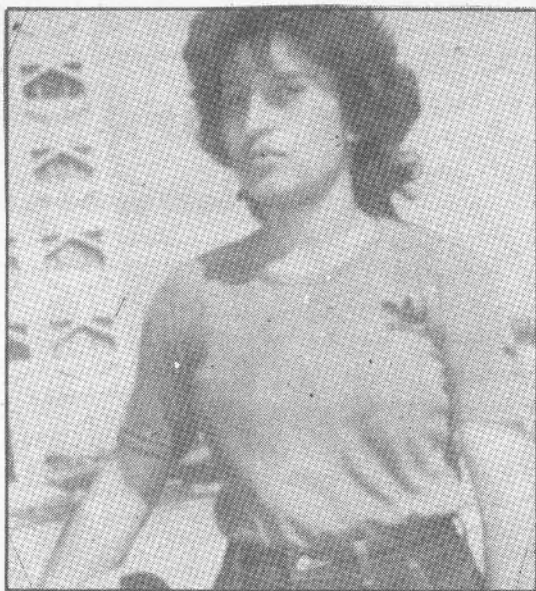
فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابداع انداختن مسابقات بسکتبال از زمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

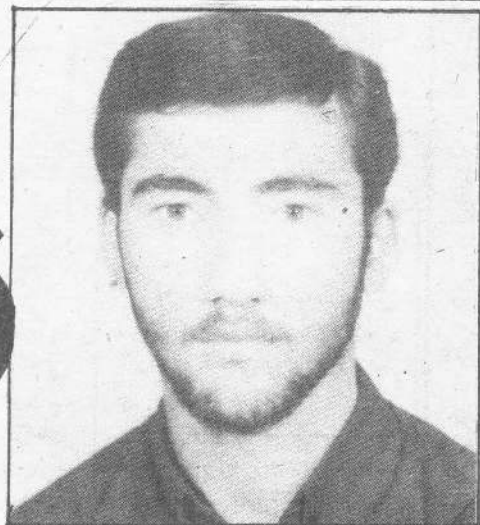
## زمینه والیبالر

\* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقبمانی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تنبل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسیدگی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران را کمک نمایند.



## ورزشی



# قوی ترین

مصاحبه از منیره

## ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تیم کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی پاها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

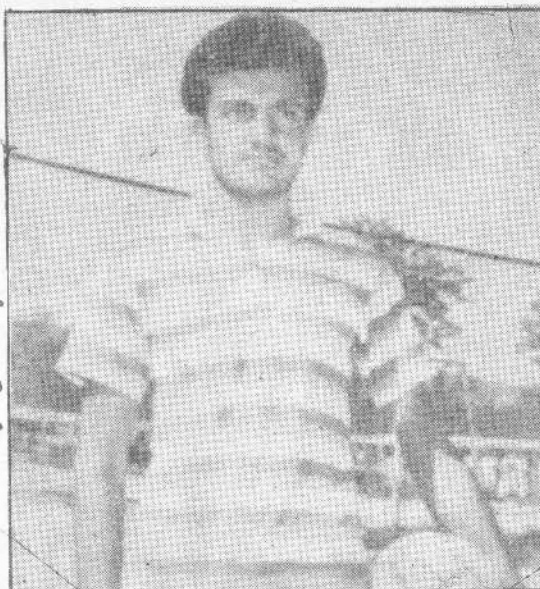
ورزش تیمی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شده است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگفوی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تیم کواندو از سه کلمه کوریا یعنی (تی) ضربه زدن و جهیدن (یا) (کوان) به معنی دفاع کردن (دو) (دو) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تیم کواندو و تیم هیانگ و تیم کواندو و تیم بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوازمی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باورمند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک پای خود را بلند می نماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

## همایونج باسکتبالر

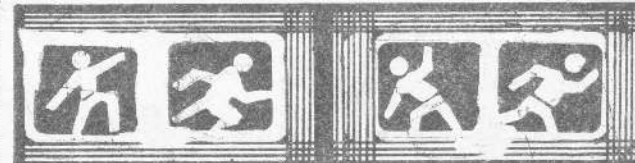
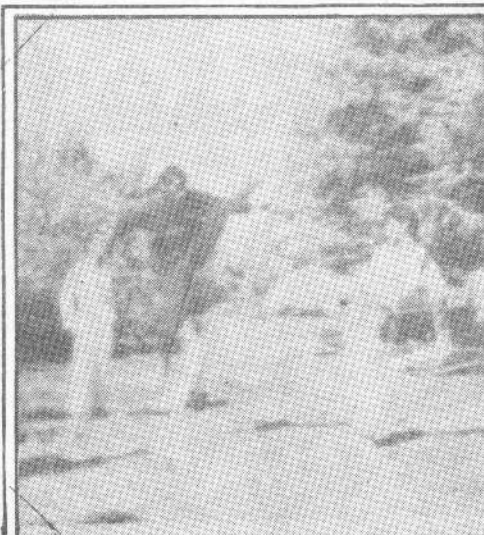
\* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :  
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



## درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویاپول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .  
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین در فوتبال ، دیگري انانید پلیناکیرت ، از کیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر هستند .  
 و اما در سابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهرینکاک بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند بزرگ از جمله چند پرند ، تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



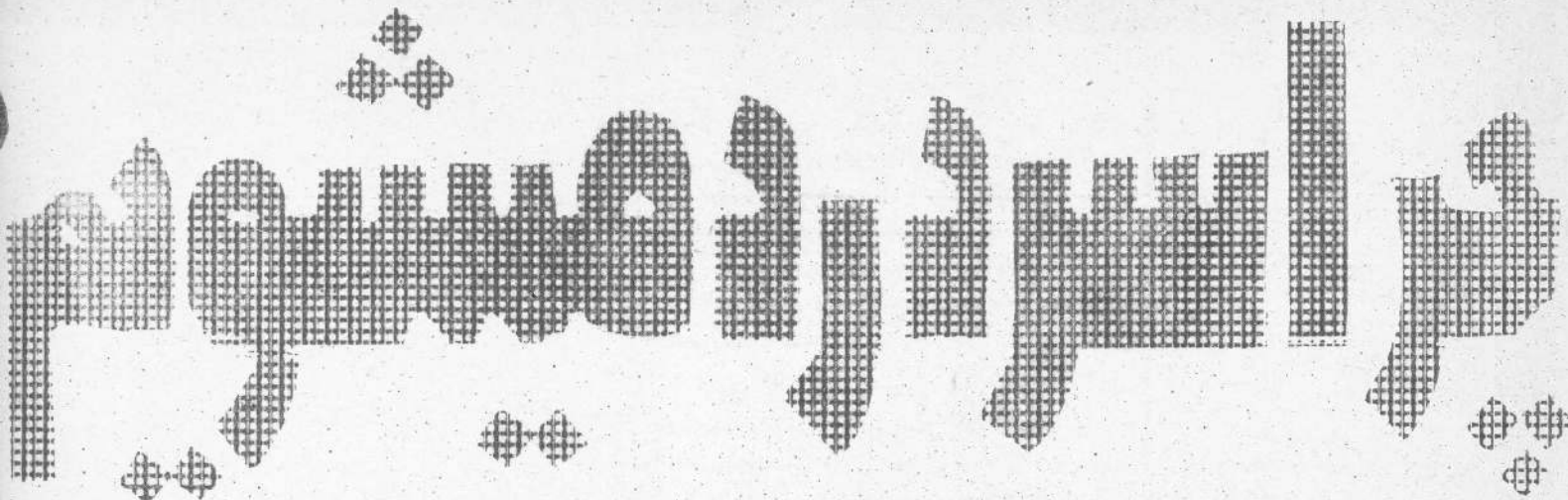
# سبک فاع

بازگشتم و کلب (( تی کواند و پوسه )) را ایجاد نمودم .  
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنکه را که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در آخر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :  
 (( برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کنسورایران رفتم و در آنجا تحت نظر (( قدراسیون ورزشی ایران )) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

## چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .  
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهوبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت هایش به من



# دیدن بعضی تصاویر، استفاده

## از عینک‌ها و کلاه‌ها

### بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شرب الکل غشای مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری نیز سوزناک و به داخل معده می‌ریزد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضو منتشر می‌شود.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را می‌گیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گه گه می‌شود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشتر از دست می‌دهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا می‌کنند.

هنگامی که الکل از مری به سمت ریه‌ها می‌رود و در ریه‌ها باقی می‌ماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی ریه‌های مغزی و همچنان بالای خود رانده می‌شود. در چنین یک حالتی چه چیزی را می‌توان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله می‌گردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی می‌گردد. می‌تواند بعد از ماندن زیاد در بستر اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی می‌کند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان‌های قوی سیات (شاهرگ‌ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر می‌رسد. حتی جریان ثابت خون در شاهرگ می‌تواند دفعاً از طریق سیستم شریان‌های داخلی و خارجی باز-توزیع شود. در مرحله نخست افزایش سیخ جریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می‌پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش‌های دیگر دماغ بهبود حاصل می‌کند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز تقویت می‌کند و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه مرتبه می‌سازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می‌شود. صورت بیمار به سرخی می‌گراید این نشانه یک حمله محسوب می‌گردد و در واقعیت امر نخستین مرحله می‌گردد. مرحله دوم بیماری باعث پائین توفیع سیخ دیگر جریان خون می‌گردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخته بنظر می‌رسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر می‌شود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردی می‌گردد. حادثه این تغییر در مجاری ریه‌ها می‌تواند به مشاهده می‌رسد و پائین گیرنده‌های دردها عمل می‌کند. سردی غیر قابل تحمل می‌گردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جسمه بی را بالا می‌برد. در نتیجه برای بیمار بعضی پدیده‌ها استوار است دست می‌دهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان می‌رسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می‌افتد و اسفندگی لسی تا حدودی در ریه‌های دماغی از بین می‌رود. اینست آنچه بدن بخونش کمک می‌کند ولی بدبختانه صرف وقتی این کمک می‌رسد که در تمام حمله رنج فزاینده را تحمل شده



در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را بر طرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهر شاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، (( از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟ )) بیمار میگردد ، (( از مدخل سیاسکیا )) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، (( از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووتسکیا داخل کپلین شوی )) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بورووتسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های مو بوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم هستن کالهای تنگن که حرکات گردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختن اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردن نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگن و کاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا بست نمایند ، با این کار فوراً احکام آرامش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لای - شریان های صدغی ( شقیقه ) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی لاش بهبود یافت و سردردی لاش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنهها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدیش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسزای خوردن چیزی نمکی تپید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدریجی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی میکرد ولی فوراً - توانایی لاش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدیش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه لاش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فتراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد .

ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنه فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرمورتنک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان موی قتی سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد ، بدین صورت باید یاداگر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جابرجنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کار - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگن روانی را که موجب ایجاد وقایع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون (( دلیل )) است بر طرف سازند .

# درسهای موسیقی برای همه

## در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبأون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند ما سر از این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعد به دیگری شاید در جایی به شناخت رانگ ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و بعد هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبأون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد امکان معلومات ارایه نمایم. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظرات پیشنهادی و سؤالات خویش

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راگها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشابد: سرود یکی برود و بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز.
- ۵- پنجاه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

مذهبی است قرار می یابد:

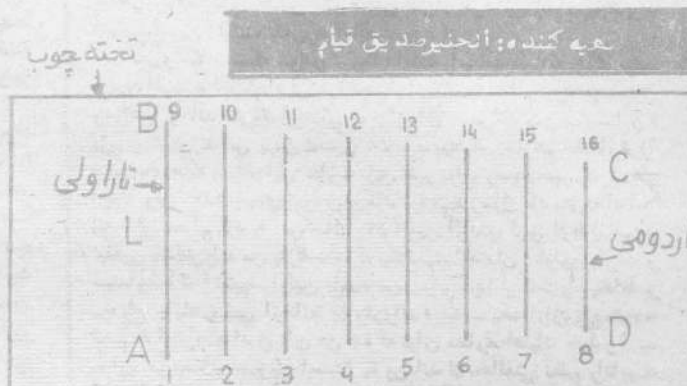
- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولین بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایه بیانیهای امروزی. ناگفته نماند که بیانیوت اله موسیقی تازه آراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئنسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دیل:

۱- تاریخچه ریاضی از یک جنس مشخص با یکدیگر باشد.

۲- در کتب زیاد قرار گرفته باشد تا میرد به برای اجرای عطیه خود نخته جوی و انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن گرفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و آنجا B های تاری را به دو میخ B بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه فوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد هارمونی های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فشار میدی و طرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با یکدیگر میشود که عین تیوری فوق است. حال طول تار سرهای دیگر بسیار مساوی پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود به لای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کون و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

نوت: در سیستم هندی برده ۸-۱۶ نامگذاری ندارد بدین ترتیب فاصله ا تا هفت را بنام سیتک یا هفتی یاد میکنند. چنانچه در سیستم غربی کلمه Octave یا هشتی دارد.

تازه ترین الفبای موسیقی در غرب در قرن ۱۷ در ایتالیا بوجود آمد قرار می یابد:

دو: ری می فا سول لا سی دو

و یاد اروپا مروج است به حروف انگلیسی مانند: C-D-E-F-G-A-B

بقیه صفحه (۸۸)

## سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را  
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم  
با همه آواز خوانانی که خواسته  
باشند من امتحان میدهم استند  
آواز خوانانی که صبح شوق آواز  
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار  
روی برده تلویزیون می برانند باور  
کنید از طرف فامیل ها و خویش تو  
شان باران یو تلفون می آید که  
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام  
کاروان خله با او صاحبی شود  
پس شما هر ساعت و هر لحظه  
در آتش حسادت سوخته آید  
بسته من نسبت به کسی حسادت  
ندارم ولی بر روی واقعیت نباید  
پرد کشید

با شاد رشته موسیقی تحصیل  
هم کرده آید  
بلی و دوسال در لیس موسیک  
در رشته موسیقی تحصیل کرد  
ما یک گروه هنری داریم  
بسیه کدام آلات موسیقی در ترم  
داریم

به ارکون اکوردیون کیسوی  
تبله جاز بند و دهل و هارمونی  
شما قبلاً به این مطلب اشاره  
نمودید که امتحان آواز خوانی  
دادید و موفق شدید یکی ها از شما  
امتحان گرفتند  
در امتحان ما استاد محترم  
استاد هاشم موسی قاسمی معلم  
نیس خلاصه که ۴-۵ تن از استادان  
وزیر و حضور داشتند

جرا همین استادان وزیر  
نعلاد رازیبی آهنگها سبب  
میگیرند  
حالا این همه سهولیت به  
دوش استادان جوان گذاشته  
شده است  
بالاخره با آنچه که گفتید وضع  
موسیقی کشور ما چگونه است  
وضع موسیقی ما خیلی خراب  
است ما چارنج نفر نوازنده  
خوب داریم و بی ولی موسیقی ما  
اصلاً موسیقی نیست در موسیقی  
غریب باید زست های هنری وجود  
داشته باشد که ندارد صرف  
موسیقی شرقی و فلک لوریا موقا است  
گاهی آواز خوانان ما از طریق  
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای  
هنری هم میخوانند نظر تان چیست  
در جواب شما به غیر از آنکه بخند  
دیگر چه میتوانم  
بالاخره تصمیم آخری تان چیست  
بالاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در  
راد یو تلویزیون برام داده نشود  
هنرم را کنار میگذارم ریک بیشه  
دیگر اختیار میکنم  
کدام بیشه  
آیا بیشه کرامت مانند همد  
صاحب خورا که فروش بازمیکم  
آنقدر سرمایه دارید  
قرض میکنم  
نظر تان است دعا میکنم موفق  
شوید یا در این یاد ران

**عکاسی جهان نما**

عکاسی عکاسی جهان نما  
رنگه و سبب و سفید می بدید  
در شهر مزار شریف منتمس  
شفاخانه ملکی شام روزه تبریک  
تلفون ۰۲۲۱۴

عکاسی عکاسی جهان نما  
رنگه و سبب و سفید می بدید  
در شهر مزار شریف منتمس  
شفاخانه ملکی شام روزه تبریک  
تلفون ۰۲۲۱۴

# زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منجوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سرکشم - قیلا - میدیدم که شیشه ها از فرا ب - به خلقم رفته - این معامله گران انسان رهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی توانست مراد را کند ؟ دست و پا - زان و میخورد خندیدند و گریستم - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا - میتوانست گشودند - ام ربه من بازدهد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین - رود و شده بود ، باز دهد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادر - عفت و اتم را بازرسند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن - بولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک - روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی - که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میانش باشد ، و خیاط دانست که - من کی باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزند با مالک معامله خریدن را - سربراه کردن مرا به خانه اش کشاند ، خانه میکه دست کسی از خانه - قبل از آنکه است و علاوه برین عده ، دیگری ، زنان روسی و بی خانسه - نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان ( مشتری ) در این - مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمناک و سوره جمعی بود ، همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شرنگ شرنگ زنگ یا هام در سالون ها - اتفاقا - و خونی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت - که هزار بار رقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم وسیله ایمن - حرارت را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که بکروز - از این روزهای منجم همه با همراه با ( خانه والای ) مانعم به نجایم - و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشدیدم - شاید - با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک - زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : ( سرماره از پشت خار ) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه - داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها - محکوم به حبس شده بود مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت - بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر حتی - از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوسین ( با یواز ) - هاد اشتند و اما من جزو هر لحظه سرگردن دوساره ( با یواز ) - نداشتم ، زنیکه از اقمیت زنده می ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد - ولی همواره خبر را میگرفت و بعد از یکماه منم بکروز مقامات زندان -

برایم اطلاع دادند ( توصیف راستی و مطابق قانون ) نباید توقیف - بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و ششما - ربا ( کبیرها ) سپری کرده بودم ، خبر آزادی ام ربه همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس - منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به - مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمناک بود ، دریافت که تقدیر چنین - بوده که من نباید در واز نجای باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا - میتوانست بنا نهادم ؟ کی میتوانست مرا به خانه اش فریاد چنین - اشخاص معامله گر حاد هذ ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله - گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی - میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه - با ( همان زن ) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا - به عقد نکاح برسر من مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح ، من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی - این خانه ششم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسی - خاطر عرضم حسم جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت بولی - شیبی وساعتی را کنار سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت - آنها را طوری بگم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن - مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم - به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه - و مشتریان وحشی با آن سروگردا داشتند ، شوهر که اصلا در اندراب - زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند ، مرابانجا - انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر سر می

بدش جنسی دانگیم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهاییکه باید - در آنجا انجام میدادم ، بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج - بی کسی - در میان ناگهان دون صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز - سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم ، ناگزیرم بیکار بودم ست به دروغ - میزدم ، یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوی و بی عشق راه کابنیل - را میخیزم ، بد رکاب هر شیب را باید نزد معاند از روی گاه در فضلی - گاه در سرای - و گاه در دکانی سر میبراند ، بر بیضی ام شدت پیدا - میکند من مرده بودم ، از روی بد فون شدنم رانینا همه احساس - رسیده میباشتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشم را میبش - میگیرم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و - مرضی ام را دلیل من آورم از توجه مهربانی های میزین بی بهره - می شوم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجناسیکه تنها از - کتافتهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد ، - هر کسی به دست نظیر سلام دانگیم بخاطر فروش جانم و بد بگری - خاطر برد اختعای جنسی اش ، و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزگترین اشتهاء ناگزیر به اطاعت بوده ام

بدی نگذشت که شوهر دوباره از اندر آمد ، همراه چنگ بود - لیبی دادند به اتهام اصلی ام ( فحشا ) بلکه به اتهام سزقت پول - و جواهرها زخانه اش و لیبیا را محکوم به چار سال حبس کرد بدم و دوساره - زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را - دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهر - امرو و من بعد از سروری نمودن میخانه توقیف ، در منزل مادرش به امانه - زنده می میکنم ، هرگز بدم و یکسال بعد از این آزادی کسی از طریق - تلفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش ، اولین بار در - سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر - از دو واچ بایک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از از دو واچ متوجه - شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاد خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون آنکه مخالفتی نظرم را تایید - کرد که برقصم پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه - داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت - دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی - خود چرخ میخورم - پول میگیرم و بر این ظلم را که هنوز کرد که یکساله - است بنام میدهم و به تکه های میچم ، چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر - معتادم را مرفوع میسازم

من حالا ( کل بی بی ) نیستم - او در دوازده سالی مرد من - ( سهیلا ) شده ام ، ( سهیلا ) بیکه شرم سرخروی ( سهیلا ) - هاست سهیلا بیکه شرم هرد ختورین است

شبهات برقص روزها میخوام - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و - عسکری در خانه رامین رانگاه میکرد تا بندی شد ، او میخود تر از من است - من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتیاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش - را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده - من در پیشروی بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ - چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل - و معامله گرش بر من ظلم کرده ، نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بدم زنده - باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، کاش چنین بافروزمی بود - مردانیکه در دستم خوابیده اند ، از قصه ام ، سوخی خواهران نوبالغ - همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شدند ( معامله گران از قصه ام - دست به کیسه هاییشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنها برکنند کاش - چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیوم ود دوباره زنده شوم - و تقدیر بوم یا که اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندانم اما زبان سواد زنده می ام است - زنده می این - بزگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من - در دهانم پادستد دیگری در زنگهای گافد ترسم میشود

من نه گم نه اسلام - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت - که میاست بد من است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من - کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و ( خوشبختی و شرافت ) - ربه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زینوجها و آشوب - بی عشق راند از بند و بازوایی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت - این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران - ناپدید شوم ، زنده می طومار آغاز شدن است و برگ طومار زنده می و من - آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش ( زنده می اش ) را - گرفته اند و اینش را بی شوجد مپا فریاد و گور خود را میقتدر حرم میکند



# آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه  
ازمایش ساعت تیری  
ده، مگره بحان بوری  
بی هم بایسد و تری  
حتما تاسی ته خیل  
د کجکاوی حسن اجازه نه  
درکوی، ترخو موخیل بحان  
نه و نی ازمایش کرمی چی  
ترکوم اندازی بسوری د  
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه  
شمیرل کیزی

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی  
خو ضروری شیان نه لری، او د  
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا  
شی، کم یوشی به تاسی اول-  
واخلی .

الف - یخچال ۳۰ نمری  
ب - تلویزیون ۵ ۵۰ ۵۰  
ت - د کالیود مینه معلوما شین  
۲۰ نمری .

ث - بالابوش ۱۰ نمری  
۲- آیاتاسی همیشه خیلد کالیو  
الماری تنظیموی .

هو  
نه ۲۰ نمری  
۱۰ ۵۰ ۵۰  
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه  
به هغه معینه ورخ جاروکوی .  
هو ۲۰ نمری  
۵ ۵۰ ۵۰  
نه  
۴- آیا مڅکی له د ی چی میلانه  
موکورته راشی، کولای شی تمول  
خوراکی مواد به اشترخان کس  
تیار کړي .

هو ۸ نمری  
نه ۲۰ ۵۰  
۵- آیا کم وخت داسی تصادف  
واقع کیزی چی خیلو میلنو ته  
سوی بوپوی، مڅ ته کیزی د ی .  
هو ۱۰ نمری  
نه ۱۵ ۵۰  
باتو به ۹۳ ۵۰

## کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته ویرایم امکان داده اند که  
مناسبات گسترده با رادیوهای -  
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم  
داشته باشم .

زمری علاوه بر کلیسیون پسته ،  
دو صد و بیست نوع سکه های تازه  
از افاضه از سی کشور جهانرا که متجاوز  
از چهارصد سکه میشود تهیه دست  
آورده ، د سکه های این کلیسیون  
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو  
طل درازنه ، تانخ چه درسیکه  
خط وجود داشته وچه قبل از آن  
برجسته است .

زمری سهار از این سکه ها  
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست  
نوع بانک نوت را تهیه کرد البومها تکمیل  
میکند .

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان کور  
تماس ، تبادل و تعمیم تجارت  
داشته باشد چه تازه از دو سال به  
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار  
زاد بخش کلیسیونسازی ادامه  
داده و بارهنگامی و شوق مستقیمش  
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست  
یازنده .

کلیسیونر مابین سال آموزش را -  
پهوسه اول نمره ، موموی وصفی بوده  
از ذوق و سلیقه ، عالی برخوردار  
است .

کلیسیونهایم هر کدام تصویر  
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی  
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

منعنه ، کلیسیون سازی  
در کورما پدیده بیست نو معدود  
از کلیسیونان کست، گوگرد ، عطریات  
شبیخ ، سگرت ، پسته ، سکه و  
بانک نوت و ۰۰۰ را سوانغ دارم .

زمری سهار نوجوانی که متعلم  
صدف پنج لسه ، انقلاب است یکی  
از این کلیسیونر ها میباشد ، وی پسر -  
پست هوشمند و دقیق ، او اکنون با -  
کمال علاقه مندی سه هزار پسته  
مهر خورده ، اضافه از ۴۰ کور -  
جهان را با سلیقه ، لازم حفظ مینماید  
بسته عابری که با نظم خاص در البوم  
ها تنظیم شده اند ، سببهای -  
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی  
جوامع مختلف بشری .

زمری سهار که از شوق و  
حمایه ، فامیل ، بخصوص برادرش -  
ابراهیم سهار برخوردار است ، در  
حفظ و نگهداشت کلیسیونهایش  
سخت دقت دارد و میگوید :  
( کلیسیونهایم را مانند کتابهای  
درسی ام دوست دارم ، این پسته  
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

سه هزار  
تکت پستی  
در یک  
کلیسیون

# اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را پاشا ر بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د میکردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال میکنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته بازم خطرناک است (میکانیزم سنتیز اسید نوکلئیک) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدید در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

## تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سنه ۱:

س: گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قساره ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نطق شم چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب من نوازم؟

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - نمتت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنسی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس اقای ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که ستندرد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

## مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تکه باب -

قو طاسیه فروشی

علی گلرین

متصل کلینیک مرکز

# ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است  
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.  
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.  
 ۳- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.  
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:  
 ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.  
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.  
 اصول عمده بودیسم عبارتند:  
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

## درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکعب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.  
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

## قطاسیه فروشی ارزان

# دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.  
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.  
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.  
 واقعا که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهمارخوب بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.  
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکوا - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.  
 دیدن کرملین توجه جمعیت گهیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکوا دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

# سایر درد چیرا میسویب

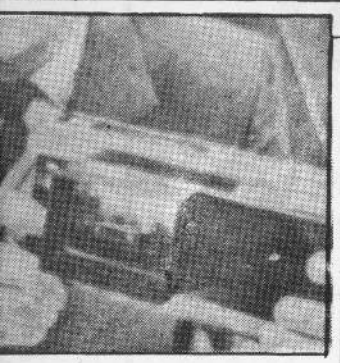
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، انبه های سکن که پالان میراها شویر خدمت داشته و احساس درد را تخفیف میدهد ولی طبیعت انسانی آنطوری که هست باقی میماند و یعنی نمیتوانیم کز کثر و احساسات خود را تقصیر دهیم. وضعی که موجب بیماری میگردد در بعضی استخوان مواردی که چگونه در شرایط خاصی با آن برخورد صورت میگیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند برخی اشخاص حتی بسیار خلیبها - چیز را هم میمانند و اینرا خیلی جدی تلقی میکنند. بعد از گذشت لفظه ای این بیماری خواهد گفت: (بساله را - کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چیزی

احساسات را بگیرد) ولی در واقعیت امر چنین کاری را نمیتوانستیم - ساختار خوش وضعی زوسی اوچین است. سردردی ها بسیار بی معاری ها از قبیل بیماری های معده، جگر، کلیه ها و غیره همراه است. - اغلباً سردردی ها سستی در تریلیج - ناراحتی های متین قنرات بخصوص قنرات ناحیه رقیق، رما تیزم - بیماری های کولیک تلیس نیز میزند میکند. در واقعیت امر، تمام - معاری ها سردردی را با خود دارند و از همین جهت است که دانستن اصل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد و نه با درد کت آن راه درست تدابیر را دردی میبیم. در اغلب حالات، ظهور سردردی برای بیمار آشناست. - بعضی معاریها قاعده، بیمار رژی - های خیلی خوش را برای مبارزه با سردردی دارد. این روش های تدابیر صرف شکل طبعی نداشتند بلکه اشکال خوب فلکوری، همساز وجود دارد. بیمار شکست برای لخته کتاه قسمت خارجه، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی محکم بگیرد (برای یک دقیقه در فضای آزاد) بیمار با این کار احساس بهبودی خواهد کرد. این عمل را میتوان تکرار کرد. یا اینکه سر را می توان بایک تکه نازک مسکیم بست. این تکه را تا ابرویان و - کوشاگن گنید و پوست پیشانی - لث بشاید. این کار با بسیاری معاریها که سردردی های ناشی از اینهمه آمدن فشارخون دارند کمک نهاد میکند. در سردردیها میتوان با فشار دادن در آب گرم بپوش کرد. هر چند از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد. در صورت آن تهیه مسکیم آنچه که مطلوب است بدست خواهد آمد. از پلاسترهای خردل میتوان در پشت گردن و بین تخته های شانه یا روی قفساق ها استفاده کرد ولی این پلاسترها را نباید یکباره روی تمام این قسمت ها گذاشت. ساز خودی قسمت های - مختلف سردردیها میتواند مفید ثابت

شود، چین فشار متوسط بر روی نقاط دردناک سر می تواند بوده است استفاده از مرهم ها مانند مرهم پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه ها میتواند خیلی مؤثر باشد. گاه گاهی با بپر کردن بعضی عطرها و مطول ها یا بخار امواتها نیز سردردی بر طرف میشود. هرگاه در حالیکه روی جاده راه میرید چه سردردی دچار شوید که شکست ناشی از تنش باد روی پیشانی باشد. شال یا کلاه تا نرا تا ابرویان تا پایین بپوشید. گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد شد ولی خیلی بهتر از آنست که به سردردی ناشی از تشنگی خوده کی مبتلا شوید که میتواند شکست دوامداری را برای تان بیاورد. باد چارشدن به سردردی ها معمولاً میدانم که چگونه با آن برخورد کنیم. ولی اگر سردردی برای بار نخست باشد باد را باید آنگه وضع بدتر شود پس در آن صورت باید فوراً با دکتر مشورت کرد.



## پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و تلویزیونی کوچک را با پرده - تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

## مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم هم هر چند که طبع های در زنده بهبود آن همین اکنون هم در سردارم. - ایها صمیمی تراد اید که مجله تلویزیونی به یک مجله تفریحی و خانوادگی بدل شود تا همه مجله هوشمندتر؟ ج - هرگز! نهراتلویزیون برنامه های فراوانی برای خانواده ها دارد: برنامه زن و جامعه کودکان و اطفال، جوانان نمایش های تلویزیونی، برنامه های تفریحی و تفریحی، فیلم، سیاه و ... ج - چه بچهاش اولشکالی در راه ساخت برنامه تان وجود دارد و آیا طرح و تهیه برنامه قدر به اراخ روان و آرامش زندگی تان صدمه میزند. ج - تهیه برنامه بی چنین مجله تلویزیونی هر چند که درگام نخست سهل و ساده به نظر میرسد، اما حقیقت این است که دشواری های فراوانی دارد. این دشواری ها اگر از یک رهگذر امور تهیه برنامه را در بر میگرداند، تهیه مجله به تهیه کنندگان برنامه میشود، از سوی هم، محدودیت ها و امکانات اندکی هست که روال بهبود برنامه را صدمه میزند از کم بودن وقت محدودیتها که بودن امکانات و عدم منابع، گاهی تصویر ضربه که بگذرد، گاهی زنجیر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها سیاسی، اقتصاد و کار را برای ما محدود میسازد که بهتر است از

## سدری

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم سدری (۳۱) کارشناس است. این فیلم درهلوی سناریو نویسی برای هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور لکچر های نیز تهیه می نمود. مرحوم سدری قبل از مرگ اش شش سناریو آماده کرده که دو سناریوی آن را عباس (شبان) کارگردان ورزیده سینمای ما تکمیل و بنام های (ستاره گان نمایی میزند) و (بهرت) فلمی تحت ساختار است و یک سناریوی دیگر ان تحت نام (تلان) بوسیله موسسه هنری قیس فلم در جریان فلمبرداری قرار دارد. دکتر غلام محمد سدری در شام سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷۲ ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دوساعت بعدی ان ماشا همد نشانای صحبت و بی پیرامون صدمین سالروز تولد ناخفته سینما - چارلی چاپلین از واری نشرات تلویزیون جمع شوری افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی وفات یافت. آخرین کارهای او به سان اشکهای که در رخساره شمار می بندد و خشک ویه گونه لبخندی ناتمام به تمام شدن زندگی او ناتمام ماند. ترجمه نسما پشتهای تیاژنی او بنام (بدن شکست را خورد کنند) برنده جایزه اتحادیه هنرمندان گردید، این آخرین یاد اش بود که هنر برای او اهدا کرد. وحی غم انگیز است این برای کسیکه با هنر زیست و در راه هنر و جلاش آن تلاش ورزیده و سر انجام حباب اکسا بر میترسد

حسرتی از نفس انتاد اعظم جور هنرمند شناخته شده را که تلویزیون و سینمای ما در رابطه به شخصیت فرهنگی مرحوم سدری گفت: (مرحوم دکتر غلام محمد سدری که شش سالگی خواهر زاده من بود دوست بسیار صمیمی من نیز بود. مرگ ناخفنگ او برای من نیز سخت رنج آورده شد. دکتر سدری انسان خوش برخورد، خوش قلب، متمدن، با دانش متواضع و صمیمی بود صحبت ها و معلومات های علمی وی در سخن های مختلف برای علاقمندان هنر و فرهنگ ناب است. استفاده بود - من شخصاً در سخن سناریو نویسی از مشوره های سودمند وی بهره میگیرم، مرحومی دارای دو فرزند، یک دختر و یک پسر بود دلپسنگی

## نظم معده

بقیه در صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتوپیسی شده و بعداً در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در انسان معده مرض گسترگستکومی شده، دریافت نمود. در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren در شفاخانها Rogalpearl این میکروب را در شیعی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره تدقیق بیشتریک ترکیب Blomulk + Cimil + line Tinidazole + Amoxikillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند. بارزک این واقعیت دیگر تدابیر گستریت معده و زخم معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده که ممکن در اکثرها "مریضان قیلا" کم باشد، میشود بلکه با محور و نابودی عاجز این ارگانیسم از معده و تعقیب مریضان، تدابیر گردند و ناگاهت نمائند

# تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به پلمب صورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینده‌ها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا، نیویارک سفرهای داشته از هر یک کدام را برایتان تنظیم و آماده کرده ام.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست:

- از مینود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمربند تلویزیون و هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده افطسی بعمل آورده ام.
- با امکانات محدود کسره تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در نمودار دارم و توضیح امروسی و مینود محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - سترنگ اشتراک و سبیل و جبهه سوز تکنیکی برای کاربرد نمودار و سبیل و توجیه برای بلم ها و خانه بد و سبیل فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر شود از من.

که نوشته ام در پند ح زبانی ، هنر آکت و تمثيل بود - بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعت تان را حاصل نموده باشم - برای من جالب من میباشد افراد رکنی سوز تا و در زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویان که همه اشعار تاثیر در وصف شخصیت های هوای سوزده اید

«اولاً» اینکه عشق به اشعار خودیادم نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدیم تا حالا مغز انسان خارج است چنانچه حرکات مغز و تلوویزیون و دوربین خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و تکیه سلطان عشق سبزمین دل و جسم و سره منطبق و اشتغال کنی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران سبلی العینان تلوویزیون و روح انسان میگرداند و ما تندی خورشید در فشان همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تفریح کینه و دلاوری و تفریح و سفر تا به آرزوی قلب تخیله میکند.

«ثانیاً» اینکه بزای تصویرن اشعار خود بیک منبع العلام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد شده در حالت قبیل از لحظه انفجار خود را احسان میکردم و این منبع العلام باید حتماً زنده باشد و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع العلام بر خود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به منبر لاله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هنری و ادبی را راهی دیدیم که در تزیین معروضه بالا براد زلم محل دیدیم منبع العلام خود را پیدا کردیم و بعد استان را بخودشان میدادند.

نماینده دین شعر در دلیریایی دل خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدیم که از آن چشم کسوست این شهر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

# مچون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد بازنگرند خود در موجود است و یاد رکاب به خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانند

یک عمر میتوان سخن از زلفا یار گفت در زیند آن میاغر که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میابون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سبازون و خوانندگان گرامی اینست:

س: سخن علمی مشتري آیا برسیده می توانم که شما برای بدد از هنری تان اشعاری سوزده اید یا خیر، انشا الله خو خفه نس شوید ؟

ج: بلی صاحبه اصطلاح شطرنجی که لدار هنری ام شعر سوزده ام یک و دی صد و دوه صدی بلکه هزارها یعنی ده هزار شعر سوزده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریونس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمت تان تقدیم است در سبوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقیه اشعار نشر نخواهد کرد بزود رصاحه گذشته صورت شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، ما سبازیه اشعار کرده ایم که دلیل آنرا نمیدانم شاید بسته تورم و تراکم مضمون و شعر در چار میباشند البته تمام اشعاری که در سبازون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و نایمیز و اولان ندانستید که در جمله وین تان نشر شود و اکنون که از من سؤال کرده بد در چه مورد شعر سوزده اید و لازم بود یک نمونه آنرا برای تان عرض نمایم اما بدلیل غرق از اظهار آن صرف نظر نویسم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سوزده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سوزده کسین استوار است باشد که سبازیه رنگه است - منتها درین جانر عوض سوزده مواد عکاسی رنگه سبز - آبی (سوزده) که انعام در ترکیب شعری چهره رنگ را میسازند (سه قطر کسین مثل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند) نگار برده اند

بوده جدید تلویزیونی درین امر پایه های معمولی تلویزیونی متعابرت میگردانده بوده جدید سبازیه فوق العاده که برق کار کرده و همچنین تلویزیون سوزده را که در مقابل رویشی میتوان مشاهده نکرد - در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتقاد شده می تواند - اینچنین اخذ های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود

ولانندی زیاد از حد میباشند بد اینست ولی سخن در نشست میباشیم با دو دانشمندی که چیز را در میان کشیم که همیشه در زمان طولانی در تلام بود و این هموار میگردانند تا بر سطح سبازیا خاص سازد البته چه رنگی و چه در زنده داشتند از هرگز به کسی نگفتند در دست زدن آنرا با همی سبلی و احسن نظری کار کردن روزی و سبلیا شلم کرده بود خوشحال به نظیر میروند ولی با تاتیکه میسر که به سبازیا اند در اثر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در سبک خود نشانده بجای دیگر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار روحش شادان بیاید نویسی را در پیش

# تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

بیشتر و در نتیجه چسبگی بیشتر به چسبند با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از چهره های بود رخش سبلی هند و یکی از یاد فرهنگ ترین مردم ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نمایان امرورزی او به همان بیمانه می که در روی برد سینما (اید) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافات کاری های رسوایی بخش خرفی زده نشده است فلمازان حرارت آنرا ندانند که با این ایدان و بیسالیسی یکشنده مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن اراست

# تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

بخته تر و بهتر جلوه گری میشود این امر گواه بزرگ یک هنر پیشه سترگ تمام آشته شده متواتر در جهان سینما هنر پیشه مرد یازن جوی دارد که برای آریه د بالورک ها نشیوه بخصومی را در خود برورس میدهد (یکشنبه ورمستا) حرکت همین دانشمندی باشد که درین زمینه بریم چو سوز از موسیقی چشکیر برخوردار است بدانی که در فلم ها ادانی د بالورک عالی اید وجود عادی بودن از - فصاحت و بلاغت ادبی مردمان - عادی را کاملاً جان و میکند مثلاً که میگوید (( به معنای یاشم که سنگه با نشیوه سنگانه)) لحن صد او نشیوه ادانی د بالورک های ای یگونی است که شنوندگان و تماشاگران را ایداند که آنهارا دانمی بچند اید و با او وقت میگوید (( نام ما بریم چو سوز اید)) گویا میخواهد کاری را که کتر املاسی فلم در نمایه حیثیت و نفوس شخص خود حبه را دعیت گرایسی

# تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

بیراهون فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم چو سوز را چنین سوزده (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم چو سوز در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشه، خیرت برانگیز است زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکتور دیگر ترا و اید آنرا تا سوزیه غیر نمایی در رجعا اجرای نقش خود را با اید (مرد خوش کار بریم چو سوز در آنست که نمیخواهد عقربن تقلیدی ویک نواخت جلوه کند او در هر فلمی چیز سوزده دیگری اصنامی در قالب کتر سوزده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و تماشاگرا و اید اید که آن صحنه را آمیزه می اید و اید آنرا در این موضوع حیثیت دارد - اگر برود سوزو حقیقت ستاره (عتر پیشگان) تازه استخرا می کند خود را -

# مرد خشن...

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژدند و (۱۰) نواحه میباشد و در سن (۵۰) سالگی به موزن سرطان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی از اید ستند ادولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لا انجلس ایمنه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست



# سازمانت کودکان

# چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود  
فرخنده نام ، فرخنده خروسی  
داشت و خروسی هر صبح زود از  
خواب بیدار شد و دیدگون  
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !  
پس از آن سویی فرخنده دیده ،  
از کف دستش هاله مارا با منقار  
خوشی چید و آرام بروی دراز  
چوکی که جلو خانه شان قرار  
داشت ، کارش می نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت  
و طوری جلایش میکرد که گویا همه  
بارون جرب شده باشند ، روزی  
از روزها فرخنده نزد زن همسایه  
ماکیانی را دید و از ماکیان و  
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه  
گفت :

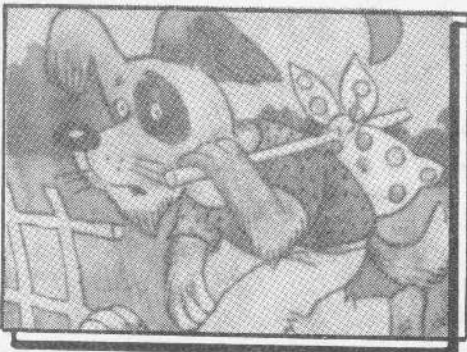
ماکیان را به من بده و من  
در بدل خروس را بشما میدهم ؟  
باشنید این حرفها خروس  
تاجش را به پایین او بختنه  
و سرش را به زیر انگشده چه  
این خود مالکش بود که میخواست  
ویرا به کس دیگری بدهد ، زن  
همسایه با فرخنده این تعویض  
را قبول و ماکیان را در بدل خروس  
به فرخنده داد ، فرخنده  
به زودی با ماکیان دوست شد ،  
ماکیان با پرهای سپید خود  
احساس گریس و آرامش می نمود ،  
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت  
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم  
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف  
کنید .

فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،  
همواره ماکیان را در آغوش گرفته  
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی  
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه  
رو بروی شان همراه پایک مرغابی  
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده  
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از  
مرغابی خوشش آمد و از زن -  
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید  
و من در بدل ماکیان خود را به  
شما خواهم داد !  
ماکیان از شنیدن این حرفها  
نمکین شده و از تاه ترشد پند  
بالعایش جانب زمین او بختنه  
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -  
شت ، چه این مالکش بود که  
من خواست وی را به کس دیگری  
بدهد .

د بیری نگذشته بود که فرخنده  
با مرغابی دوست همیشی شد ،  
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -  
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا  
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم  
آنقدر رها دور شما منکم ، زیاد را  
در آنجا زرف است ( با این صدا  
د دخترک دوباره به ساحل دریا  
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد  
یکی از روزها همسایه بی باسگ  
کوچک و دوست داشتنی خود به  
خانه فرخنده ، شان به معناسی  
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به  
قد رکافی از چشم نگذشتند ، بود  
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در  
بدل من مرغابی خود را به شما  
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -  
شنید ، بالعای خود را از زوی قهر  
به هم زده و از منقارش آواز -  
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند  
می کشد ، همه بی فایده بود و  
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر  
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست  
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش  
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن  
را در مقابل مرغابی به کس دادم  
و حالا مرغابی را داده و سگ  
قشنگی بدست آوردم ، همینکه  
این سخنها به گوش سگ رسید ،  
دم خود را جمع نموده و به زیر  
در از چوکی خانه فرخنده خود را  
پنهان کرد ، در تاریکی شب  
هنگامی که فرخنده در خواب  
شیرین بود ، دروازه را آهسته  
باز نمود ، و پایک خیز به بیرون  
خانه جست و پابه فرار نهاد ، در  
راه این سگ دوست داشتنی  
زیر زیان زومنه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم  
یک جا زنده گنم ، وقتی  
دخترک بیدار شد خود را تک و  
تنها یافت .

# آیاتناسی د . . .

- ۶- آیامیلانه دې خوښيزي هو ۱۵ نمرې نه ۶ د
- ۷- آیامخکي لدې چی د کور څخه د خوراکي موادو د رانیولو په غرضوړي د نوموړو موادو - لست نیسی هو ۲۰ نمرې نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنی ته وړي په ټاکلی وخت بخوي هو ۱۵ نمرې نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي د ستورونه استعمالوي هو ۱۲ نمرې نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسی د آشیخانو سامان آلات منظم په الماری کس کیزدي هو ۲۵ نمرې نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونوکي ستاد گوزوند ملگري کمک کوي هو ۱۲ نمرې نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د ضروري شیانوڅخه شمیري هو ۴ نمرې نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جمع کسري د آزمایش نتیجه تر ۱۵۰ نمرې پوري که غواړي چی د کورنی د خیرکو د میرمنوله جملی څخه وشمیرل شی باید پخپلو کارونو کی نورهم دیر تجدید نظرکوي تر ټولو د مخا باید د دې چی د وخت په موند اقتصادي واوسی او په ښه صورت سرخیل کارته سازمان ورکوي د ۱۵۶-۱۹۰ نمرې پوري تاسی کارکه یاستی هرنی ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعای لري که چیري تاسی کوم وخت څه شی باید ولتوي د لدې کیله چی تاسی تراوسه پوري د کورنوزورور یات په ښه توگه ندی زد کوي د ۱۹۰ نمروڅخه پورته ستاسوپه کورکی د استقیما خیالی دی همیشه یوڅه شی مینعی یا کوي او یا جاروکوي اما اعتبارولري چی د آکارونه لانوره هم په لاند قدرت او په کم وخت کی تراوسه تر سره کولای شی لدې کیله لیا نورسوي ترخوچه وخت لري اما باید هیزه کوي چه بدون د کورنی مشکلاتو څخه نور مصرو فیتونه لکه تیاتر سینما کتابونه اولمگري هم شته دي



خانواده سوگواراست

## فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۰ بعد از نسخ نامردی همیشه فامیل ما از طرف اعدا تعهدید میشد و دوسین که صاحب منصب اند همیشه آنها در وظیفه میبودند فامیل ما مورد تعهدید قرار میگرفت هولی من هرگز به سرانم چیزی نمیگفتم موضع را بنهان میکردم تا مباد امنین آنها بر خورد صورت گیرد بالاخره بتاریخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حادثه المناک رخ داد آتش جاوید بسر بخانه آمده بود صبح چندین بار صدایش کردم گفتم مگر رگد از خوابم نمیدانم چرا خوابم بوره میشود وقتی در زده شد ما رینا د ختم رفت تا ببینند کیست همراه با باز شدن دروازه صدای دو غیر مری و فریاد د ختم شنیده شد و جاوید وارخطا از خواب برخاست بطرف بیرون دوید د ختم انیتاکه بیشتر از برادر خود شی ربه قاتل رسانیده بود مور د اصابت مری قرار گرفت و لسی برادر خونش را سپر خواهر ساخت که یک مری درجان خواهر ۸ مری درجان برادر جای گرفت وقتی من به نزدیکی سپر رسیدم خواهر و برادر هر دو د رگوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود میگوئید خواهر را از افتادن مانع شده ولی بعد هر دو بزین

افتادند من بای لی و سولج عقب قاتل میدویدم او بطرف سرک میدوید وقتی به سرک عمومی رسیدیم زیر سینه اقبال همراه یانه و شارسدوی او را احاطه کردیم چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نمیکرد نزدیکش شوده گفتم او را بگیرید تفنگچه مریسی ندارد و بایند شده در غیران من تا اینجا زنده نمرسیدم درین اثنا دو مظنین حوزو رسیدند او را گرفتند او را دوباره به محل حادثه آوردند به جن خود اقرار کرد همه جاها را نشان داد گفت بازم می آیم همه را میکشیم و دختر را میبرم همه را به شفاخانه بردیم ولی او مرده بود طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت یاد کردم او که پس را ظالمانه کشت من او را توسط قانون میکشم دو د ختم زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن درین یکسال چقدر دویدم روزها بالب و دهن خشک بایین ویلا تا دویدم یکسال مدت کسی نیست در طول این مدت بارها از طرف فامیل نعمت الله هغه ما تعهدید هدم بارها گفتند شما که خون ربا خون می شویید ماهمه تا ترا نابود میکنم ولی هرگز از تعهدید آنها نترسیده ام زیرا در صورتی که نعمت الله اهدام شود چانس سپم خود را برای نابودی فامیل من از دست میدهد اینک نمر مکتوب را بدست د ان که نعمت الله د ولد نورلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اهدام محکم شد با اهدام او دم اندکی آرام خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ سوراخ شده جاوید که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد

# نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱ من در فلم سفر نقش مصطفی را بازی میکنم که با گروپ از جوانان که برای سواد آموزی به قریه دور افتاده میروند فلم نیز از همین جا آغاز مییابد و حوادث فلم یکی بی دیگری اتفاق میافتد و گروپ از جوانان به شمول مصطفی با این حوادث درگیر میشوند و قهرمان متن باد یگر جوانان با شجاعت و پای مردی با ان دست و پنجه نرم میکند و در مجموع فلم نمایانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو میتواند به هدف دلخواه خود برسد من از نقش راضی میباشم زیرا اولین بار است که نقش یک جوان تحصیل کرده و روشنفکر را بازی میکنم و نقش های من عمدتاً با نقش توری در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد در این فلم با من سعید اورکزی واسع صدی اسد الله آرام خورشید فریده همرا انجانا شمسی موسی رادمنش فتح الله بزند شاه محمود شارق زلمسی عبادی همبازی میباشند فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری بوده و اهنگ از محترم شاد کام میباشند

# چاپخانه

بنیه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود  
 با ان هر چه نیکه ماندنید اگر -  
 خنده دار بود از ان دل می -  
 خندید، سهم نگاه میکرد و می  
 میخندید و انهم خنده بخود  
 میزدند. این کاری مراجعات داده  
 به تویح تمیم پرداختم.  
 سنت بی مقدمه خطاب به  
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر  
 کاره است، ولگرد، آقا، شامه،  
 ایدمه وار، تنها چاشق پیشه و -  
 ماجراجو، او میتواند شما را مقاصد  
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی  
 و بانگر پولواست و در زمین حال از  
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -  
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.  
 - خوب من او ریسه خود را  
 به پایان میرسانم میدانم که وقت  
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.  
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.  
 هم دوستم داشتند و هم از من  
 نفرت میکردند.  
 بلی زنده گی ازودیمه هایش  
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از تاملات راهم  
 تلاشچان چارلی بیشتر چه  
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور  
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -  
 هنوز مورد علقه امان و اشراف  
 ترانگرفته بود، زیرا آنها هنوز  
 خام و عوام پسند بودند. شاید -  
 تقاضای زمان بود که آنها را رنگ -  
 ماهانه داشته باشد. طبقه با  
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه  
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین  
 نتوانستند او را منحرف سازند. از  
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه  
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش نگ ۱۱۸ -  
 و ((پسرن)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳  
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -  
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر  
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد  
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -  
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی  
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر  
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی  
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -  
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس  
 از نظر فقرا، نقش مبرد  
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که  
 باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقر و تهی -

دستی خود را نادیده میگرفت. چارلی  
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.  
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از  
 حیلله های بصری و تبدیل ناگهانی  
 اشیا که در قلمهای نخستین به  
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در  
 ((پسرن)) وقتی چارلی دستکش بی  
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -  
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن  
 است) بیرون آورد این حرکت عادی  
 را ظهیر انجام مدهد که مانند  
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به  
 نرس میرسد. در ((روشنایی شهر))  
 چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را  
 بی بلعد و از درون شگش صدای  
 وصل شنیده میشود و نیز در کاره  
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی  
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر  
 يك عموماً برای آنکه به جای خود بسیار  
 خنده دار است در ضمن تعایشگر  
 است که چگونه چارلی از در و جان  
 میکشید تا هرگز جماعت نشود. تا  
 میایستد و دختران، بانوان خوبی  
 لباس او را در جمع خود میپذیرند و بی  
 چارلی بخیلی میدانست که کوچک  
 مردی هرگز نمیتواند هم رنگ این -  
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است  
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسرزد و همیشه با همی دوری نسا -  
 امید را از خود دور براند.  
 شاید در اینکه چارلی دور -  
 گارانی که مردم به سن و رسوم  
 جامعه گردن نهاده بودند -  
 شخصیت ولگرد خود را جل دهد  
 معنای خاص نرفته باشد. شاید  
 چارلی دیگر (صردک کوچک) به  
 نهر و ایستادگی ان در برابر اجتماع  
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد  
 که رسانیدن پهاش به جهانسان  
 بیان صبح تر و مستقیم تر را ایجاب  
 میکند. وان اتکا به نفس و ملامت  
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -  
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال  
 ۱۹۴۰ به بعد با فم ((دیکتاتور  
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار  
 گذاشت، تا ازته دل پهاش امید -  
 واری دهد و دلگرم کننده ان به  
 کوشهای مردمان خود شوند. در  
 نیرسا و نظم و استبداد برسانند -  
 در فم بعدیش ((سپوورد)) -  
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید  
 شد. در این فم، که شاید -  
 همان امیز تهن فم باشد، قاطعی  
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او  
 انلا نگاه نیست بلکه قیاسه  
 آن وحشتناک است. ((قتل پیک  
 تن انسان را چینی تارک همارد و لی  
 قتل چندین مملون تن باعث افتخار  
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی  
 اداری مرستیال ددنی نیسی  
 وری صلاحیت به زور. تولسو  
 د فترتونه دخیل خان دسر -  
 پرست والی رسمی اطلاع بر سوله  
 اود همانی وری له فریب روسته  
 چی فنی مرستیال ترجمی خان  
 ورساوه. نوتولود فترتونه بی د  
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه  
 ولزیر. به دوهمه ریخ سعار  
 اداری مرستیال بنجه جسی  
 موسی ته رانی. حال داجسی  
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره  
 به اووه جسی تمکی موثر کی له  
 نوروما مورینود مخه خان موسی  
 ته راروسی. خوگله چی خوکیدار  
 ورته وای چی اداری مرستیال  
 ترده دمخه راغلی دی. نونسی  
 مرستیال د موسی به عومنی  
 دروازه کی لکه ریخ لری به خای  
 ریخ کلک باتی کیزی. اوسر به  
 وگورچی دغه لویه دجابه کتبه  
 رانخرسی.  
 (یونیم اواملا موزیک دی به  
 خبله لوستونکی و غمز وی)  
 راوی: که فنی مرستیال  
 موسی دروازه به خوله کسی -  
 لری غرنی ته تکیه نه وای کری.  
 نویی له شکه به به خمکه راغور -  
 خرید لی وای. دومره ورسره  
 بخت یاری وگره چی داماموینو  
 موزیکه ویرا رسید لی. که نویسه  
 دغسی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه ریخ خبره نه وهغه  
 داداری مرستیال به دغه موقتی  
 بر لاسی نا امید نه شو. او نیخ  
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال  
 ددی له باره چی اداری مرستیال  
 بی به راتلو بوه نه شی. خیل  
 بو تونه بی دد هلیزه دروازه کی  
 وایستل اولکه دچرگانو دغله  
 غوندی دگوتوبه خوگوخیل دفتر  
 ته لار.  
 (د فنی مرستیال د ورو ورو -  
 قد مونوبه مگرونوکی دی محترم  
 لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره  
 چی: ((و رو و رو کیده قد مونسه  
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)  
 به دغه ریخ اداری مرستیال  
 دومره دروند دریاست به جوکی  
 باندي ناست و چی به ار مونو  
 به هم جانته وای و زخنی ار ولی.  
 دغرمی پوهی بی هم دخیل گارد  
 میزله پاسه و خور. او به دا لویه  
 ریخ کی بی ترمازد یگره پوری به  
 جای روزه هم ماته نه کری.  
 د فنی مرستیال خانه سامان  
 حضرت میر چی یورخ دمخه بی  
 دکیم غرووی کارله باره له فنی  
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.  
 به دغه ریخ کار ته نه و راغلی.  
 کله چی اداری مرستیال له دی  
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -  
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه  
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) نمیر -  
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

ریخ دجوکی به نه نیولود و سره  
 خپه نه و لکه دخیل خانه سامان  
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.  
 دوه د ری خله بی تیلون ته  
 لاس ورتیر کری. خود تیلون له  
 لاری اداری مرستیال به بی ابه  
 کری. خوهرخل به بی یسه  
 شیطان لعنت کی او دغه کلمات  
 بی بل وخت ته برینبود. هغه  
 پوهیده چی اداری مرستیال د  
 ریاست به جوکی پوری مییخ  
 شوئی نه دی. او غرو به یووخ  
 چی فنی پورته شی. هغه وخت  
 بی فنی مرستیال بی فال به  
 زه کی نیولی ز درسی وخت  
 پای ته رسیدل وو. کله جسی  
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو  
 فنی مرستیال داداری مرستیال  
 د غالفکیر کولو له باره د نورومامو -  
 ریخ به خیر له دفتر ته راویت او  
 به لوی لاس دریاست د دفتر  
 دکری تر خت تیر شو او هداسی  
 حال کی چی اداری مرستیال  
 دریاست د جوکی له سرنه ورته  
 دستر کولاندی کتل له موسی  
 ووت.  
 اداری مرستیال درسی وخت له  
 پای ته رسید و روسته پوره یسو  
 ساعت لا هماغسی تینک به جوکی  
 پوری نبستی و. کله چی دخیل  
 رقیب به تللو پاه شو. نو  
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ  
 کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره واجوله. خو خیرنه و  
 چی فنی مرستیال به کونجی  
 لا بیون تر لاسه کری وه او هم بی  
 دیوال له لاری موسی ته د -  
 بیرته رانوتلونیت کری و.  
 (دلته دی یوازی دریا پوه  
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -  
 و فرول شی).  
 فنی مرستیال د ما بنام پوهی  
 به کورکی و خور. اود سهار له  
 باره بی پوه وجه پوهی او خبو  
 ایشیدلی هکی له خانه سره  
 به بکری و اجولی. د ما بنام  
 به خره کی د موسی به دیوال  
 وروایت او به بیخه زه بی د  
 ریاست دروازه و خلاصه کری. ایه  
 خرخی جوکی شیز اووه خرخه  
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره  
 هم دشبی د خوب او بلاستی  
 له باره به دفتر کی یوغت او -  
 مناسب کوچ هم بوته و. خوله  
 دی ویری چی سهار دی ویده  
 و او جوکی بی اداری مرستیال  
 ونه نیسی. نویسه بی به هماغه  
 جوکی سبارک. (دلته دی لوستو -  
 نیکی داس فکروکی چی گوندی  
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو  
 بانگونوسره ییخای دی د صحنی  
 بیلولو یوموزیک هم ورسره یوزوی  
 سهار اداری مرستیال بیلا  
 دخیل رقیب له ویری به هماغه  
 پورنی وخت موسی ته راغلی.  
 باتی به (۷۷) مخ

# چاپخانه



# مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی  
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی  
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت  
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست  
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت  
منابع - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا در -  
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله  
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز  
نوروزان بلراج سها نی و چند نفر دیگر از هنرمندان  
معروف و علاقه مندان مد هویلا التشریف داشتند  
راستی در نظر د خرافاتمان که دو خواهر بود رسید  
و حدیث در رحمان فنی شروع بکار نموده بودند  
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که  
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -  
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو  
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان  
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور بهم  
رسانیده بودند - دعوت ساعت چار عصر شروع شد  
همگی حاضر شدند - دو هم شیریه مد هویلا، کیتیز  
و چندل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -  
موجهر شوهر همشیره مد هویلا هم تشریف داشت  
که او هم یک هنرمند جهان شناخته شده فلم بود  
عکاس موزیک گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا  
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصر  
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد  
از کابل و هوای آن و سوره جات تازه و خوشک  
افغانستان که مخصوصاً بسته وادام، کشمیر  
و انگور و خربزه افغانستان در هند شهرت  
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای  
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما  
می شناسید - از خدا میخواستند مومنی برای شان  
بیا شد که آدم را سوال بپوش کنند سوالا مختلف  
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست  
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق  
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت  
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست  
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن  
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی  
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان  
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم  
همچنان مد هویلا را سوال بپوش کرده بودند که  
آیاتو هم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه  
عشق او کلهه است اما یگری میگفت چطور است  
با او ازدواج کنی ؟  
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که  
کتاب (( وینویس شوق )) را که برای مد هویلا نوشته  
بودم و شام ده هزار بیست میباشند - با تشریفات  
مخصوص بحضور تقدیم کنم که این صحنه از طرف  
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کرد -  
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه  
آن میناتور و در بزرگ حد اگانه داشت و چندین قطعه  
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک  
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص  
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب  
دست بد شدت گرفته بود - و باره بدست مد هویلا رسید  
که او کتاب را بوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته  
گفت (( این یک کتاب مقدس است برای من که باید  
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این  
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید  
که شعرت برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده  
دارد )) - مد هویلا ضمن بیان " خوش امانی  
نمود: (( تو من لقب وینویس شوق را دادی که این  
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف  
دای - جست آمریکا هم من بیوگرافی من منتشر  
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده  
است -  
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا  
آنگذری - بگردی که به ستارگان آسمان رسانیدی  
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است  
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا  
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم ))  
مد هویلا افزود: (( در یکی از جراید فنی بعضی  
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -  
بودند و من این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون  
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق  
باید اریاشده جزای ؟  
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی  
من توانای مجنون عاقل نامید تو سمبول و رهنمای  
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر  
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات بدست  
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند  
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی  
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان  
بند بر نیست - و تو بر علاوه اینکه از افغانستان  
تالیا (میدی) آمدی بعد از کد ام جاد بیه  
بود که مرا وادار کرد ترا به نزد خود بیدیم - هر  
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده  
ای باز همه اشعاری که برایم نوشته ای بیکار دیگر  
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان  
دایرگروه - ژورنالیست ها و مدبران جراید -  
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردند - در اخیر  
گفتار و بیانیه مد هویلا بدویت از قسمت آخرین  
کتاب را بزرگترین جنبش خواندم - یعنی بعد از ده هزار  
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام  
ازم در یک اشعارت کسره ام  
نیت نگاهشتری مفتون تو  
گشته عالم غرق در آسوس تو  
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو  
در اینجامد بر مسوول محله کهنکشان گفتم :  
( زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای  
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت  
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعری برایش  
بخشید - یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود  
صحت هزار طلیب اشعری برای فردوسی داد - و او  
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته - خاموش  
ماند - مد هویلا گفت : (( من قدرت برداخت  
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی  
بپرداختم )) - من گفتم : (( قبول نمیکم - زیرا فقط یک  
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد ))  
گفت : (( من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -  
هزار طلا میدانی )) - مد هویلا همیشه مرا با هم  
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخر مد  
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس  
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند  
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت  
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی  
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید  
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین  
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا  
از ترن بد بیرون کرده بگفت : (( بیا همراه من برویم  
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است ))  
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : (( بهتر  
است علی شب همین جا ماند جاد ارم )) - و من این را  
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا  
در کتابچه با دست خود نوشتم :  
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم  
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم  
بوی پیگر نگار سوز قدی لاله رخساری  
سرا یا آنت د بود - شب جاییک من بودم  
رقیاب گوش بر آواز او درناز من حیمران  
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم  
- به هر حال اکنون که ماد هویلا اخیر شما  
جهان فانی را و داغ گفته کون عاشق کی استید ؟  
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح  
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال  
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا  
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جواب تان  
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان  
تان جواب گو باشم  
پس گفتم :  
ما من خداداندولی در شانه من بینم  
کاز سو دای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد  
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته  
باشید از شمارایی رحمت تان که با من این صحابه  
را انجام دادید اظهار سپاس منیام - با تقدیم  
یک راضی علامه اقبال :

# در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمدصابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیلا فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویامشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، عمایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی کارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرملی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکرید ، نادیه رضایی ، ناجیه ، ختابه نوری ، احمد شکیب ، عبدالرشید ، وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکرید ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیامی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شهاب زرمینه فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نفیسہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند نوریہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سعیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمعیل یق یار امید ، فیز محمد متین ، لیل سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حسام ، سید موسی عباسی ، احمد سیا ، صبیح سرباز خاندونی ، وامنیہ دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق سی ، محمد امام حزین محصل سال چہار پونہنخی فارسی بوہننون کاب ، دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم ، رضوان ساحلی از مراد شریف ، چہار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد ، عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شہام آدم برکاتی هستیہ لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزاد ، از ولایت ہلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ماہم میخواہد سیاورن را اول بہ شما بفروسم ، حتماً در نظر دارم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم

## مود و فیشن یا سرنوشت مہین

شمس علی شمس محصل استیقت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر دادہ اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

(( بہ سرنوشت مہین خویش می اندیش ))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس ہای بد روز دقت میشوند بہ چہاران خزان زدہ مہین شان ببیند یسند زہرا مردم از او شان تقاضای خدمت را دارند و نمی خواہند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسہای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیاورن را دقت شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم گرد آورده ہای بہترین راہنامی در گرگش رنگہا در چہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق ہای گوناگون جوانان ما با شک ہای گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقہا محسوب خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مہین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بہ بیبرایہ گوناگون آنہا ، و من فقط بہ سرنوشت مردم و جامعہ خویش می اندیشم و از ذوق ہای کودکانہ و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این دقت ( بہ مود و فیشن ) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

( براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیازہای دارد کہ باید آنرا در نظر گرفت )

## پایسج ہمای کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا ، براد عزیز وقتی ازین راہ دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین ہا مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان ہمای کہ فراوانتر است . احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنگاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

## از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہا ما را ہم بندداشتید نظریات شما را بہ مجلہ سیاورن مورد توجہ ما نظر گرفتیم ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحت تان ما را یاری میرسانید ، مواد شماره یک تا ششم شان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأمل پذیر باشد .

چاپ شماره اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین ترتیب و تلویزیون مانیت چیز است مربوط بہ خود آنہا مانشر است و کجا مانظر اداریہ مجلہ ما نیست کہ بفرمایید ما خبر می فرستیم و اگر خوان نام آہنگ سازان نشر یابد نمود از ما تشکر

## با ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا نوری ، نظریات شمارا در مورد داستان بازگرسرگردان در نامہ ارسال تان خواندم ، تشکر از توجہ تان اما در مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگرسرگردان بد نوشته الیور گولڈ اسمیت چاپ شماره سوم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تامل است اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شماره مقدمہ مجلہ سخن را بہ دقت بر مجلہ بیاورید ، از ہنگاری شما صمیمانہ سپاسگزاریم

## پایسج تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه ہای مختلف را بد تلویزیون ہما چنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب در ایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند ، با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا ، بہ این فکر نیستند کہ باید بہ رادیو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشور ما خوب را از طریق رادیو و تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما میتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا برنامه را تعقیب بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و برنامہ ہای رادیو تلویزیون در ہمہ کشورہای جهان معمول است آنچه کہ درین نامہ ما آورده شدہ دارد بہ شہادات ، انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حقیقی است .

# مطالب ارسالی شما

## نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

## زبان پوستر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی برو باره متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسارونی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعفند ومعلمی برکاروشایسته معرفی می گردیده اند .

چطور از طرز چسباندن پوستر بر روی پاکت از دورن فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است (فکرشواردم بیرون است)

۲- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است (دیوانه وار ترامیرستم)

۳- اگر سر پوستر در زیر متمایل به سمت راست باشد مفهومش این است (ترادوست میدارم)

۴- اگر پوستر بطور معکوس ومتمایل بر راست چسبانیده ، مفهومش این است (دیگر ترا دوست ندانم)

ارسانی : حلیه

مستوره محبت نامری (استعداد تاز، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیتی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا  
برخیزم از خانه به میخانه گرمی  
سایره شکیب از ولایت جوزجان (پارچه کردن حملات ومصراع وار نوشتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید (۰) شکلا ازلیسه "آمنه" فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید (۰) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیتی های تان با کمی تصرف :  
الله یارجان بگیرم اصل نامست  
کبوتری میگردم به با مست  
اگر یکبار بگویی یار شیرین  
شوم ندقه همونوک زیانت  
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود .  
حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند  
مصراع سوم نیز زیاد است (۰)  
خالده خرم اقل "مهم" :  
استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد "بندی از سروده" تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :  
خواهراتم بگذرید از مدنی  
مدنوارش ندارد یک دو جو  
تو ممکن تقلید از هر بیگانگان  
ابروی خود میزبان رایگسان  
کی توامد خوب و نه با همکند  
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نویین از نوسوالی بلخمری :  
دوستی های که به نام ((تک بیت)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .  
سفوکودی به شهر دور دستی  
دل نازکتر از جام شکستی  
بهارتوک وناکن ((بیوا)) چنان  
به هر آیین وهر مذهب که هستی  
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :  
((نارام)) راهمنظور که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازتختمک ساختمانی :  
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند ونوشعرونی راکه به مجله می فرستید بنهسید ازکمت ؟ از شما هاکس دیگر ؟

ملالی محبتی : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟  
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال))  
شما کاسیتی های فراوان دارد .  
جستن معشوق از طرف شام و در شعریش ، ((سنتی))  
نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهید فرهاد حاجب ازل "حسیبه" :  
به املا وانشاتوجه کید بیتی از شعر تان :  
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .  
در کلبه "فزده" گناه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیزه دیوان حافظ را که مام دارم) . نوبه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیوزاد ازلیسه "مهم" (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اختاری از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان را گرفتیم یک بیت آن :  
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان  
تا بیره درد کمر نشناسی دوامکن  
سخن مراد مسکین امسرق غ ولایت مزارشرف :  
(شعر تان کاستی های دارد با آنهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهیید :  
کنون از حال زار من مبرسید  
که غرقم درستان در عالم خود  
خراب یزار و حیرانم نمودی  
بت شیرین ادا می از غم خود )  
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :  
ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری  
ازهر تسلی زبانش سخن ساز  
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیزه) ماد راد بیت دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید )  
اینهمه قبل بنام ازلیسه "مهم" (دوست عزیزا شعر ارسالی تان زنده باشید :  
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفی  
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید  
برود یوار شورا این سخن باید نوشت  
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید  
میروس نژند ازلیسه انصاری (دستور زبان) و زن قافیه ود دیگر معاییر شعری را با موزید "رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید ازما -  
رشریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :  
باز فصل باغ بوستان میرسد  
لبیل دل در گلستان می رسد  
سبز میگردد چمنزار امید  
نوعوس باغ خندان می رسد  
شکیلا پوهس از مزارشرف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :  
باز فصل نوهاران آمده  
فصل شوق مند لیان آمده  
باز گلگهای فریبا و قشنگ  
سوی بوستان و گلستان آمده  
من شکیلا خوانم هر دم این سرود  
لبیل غیلم نزل خوان آمده  
واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تقییمه رفع میگردد مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور سازید خوب است :  
((هر زبان خواند شکیلا این سرود)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید (۰) پارچه ک . ازلیسه رابعه" بلخی (صرفهای که به آری جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند (۰) تونر عبد -  
الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید )  
شکیلا حبیب ازلیسه آریانا (نامه تان با چسما ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :  
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوهر این  
الوداع ای صبروتقوی الوداع ای عقل و دین )

## نگارها

۱- کم دانستن ویراگتن مانند بول نداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند مرد فکر بیندیش .

۳- جدیت و اشتکار آدمی را بفضه نزدیک میکند .

۴- از سبکی چارمغز تون دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مرد کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادی دیگران انقدر رشاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله مکن !  
فرستنده شریف نورین

۵- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاب وشفا دارند مردمان بر حوصله ، آرام و صلح دوست و صلح پسند هستند .

۶- ناخن دست راست انده که کم رشد و کم باشد معمولا اشخاص شکم پرست و بر مبرف هستند و بالاخره همه از روند ار خود را به شکم مبرف کرده و در بساط چیزی نمی گذارند .

۷- کسانی که دارای ناخن قرمزی رنگ و روشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام و دوست داشتنی هستند .

۸- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مسواک)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند (۰)  
روشنه ((زین)) از کوزین کابل سنتر

# براسم فال گرفتن

## متولدین ماه حمل

موفقیت‌های شایانی پیش‌رو دارید، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید. از صحت‌تان مواظب‌تر کنید. بادوستان مهربان‌تر باشید. دیدار تازه در تغییر سرنوشت شما نقش خواهد داشت.

## متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست. باید شهادت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید. کودکان عزیز می‌توانند شما را خوشتر کنند. مجردها به ایجاد زندگی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می‌کنند.

## متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی‌مورد عمر شما را نهم می‌سازد. از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می‌برید و این نکته بی‌است که متوجه آن نشده‌اید. قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زندگی کنید که استیاد ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید.

## متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما، ضعف اراده‌تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید. دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است. اعتماد شما نسبت به خانواده‌تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند. مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند. دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید.

## متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می‌پیوندد. یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می‌آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود. فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید.

## متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربان‌تر باشید. کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارند. کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند. درس بزرگ زندگی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است.

## متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است. زندگی باغم‌های پیش‌زیباست. دیدار تازه‌ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد. بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده‌تان رانیز جرات بخشید. آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها.

## متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید. هیچگاه با شاگردان تان رویه‌نا درست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شما را از پت مینماید.

## متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زندگی تان کار معقول است. تشوشت روانی خود را دور سازید. خوبست که دل‌بسته‌گی‌های تان به کار زندگی افزایش می‌یابد. بیشتر به فکر آموزش باشید. آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت.

## متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید. تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است. یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد. قدر دوستی را دانستن، قدر زندگی را دانستن است.

## متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است. نامه‌های دوستان تان را بی‌پاسخ نماند. همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می‌یابد.

## متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید. ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود. نگذارید کسی از شما بی‌جهت آزرده شود. دیدار عاشقانه بی در پیش دارید. امیدوار باشید که بخت با شماست.

# تهدیدهای فضا

## تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خوا- همد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . در باره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند . یک راکت مجهز با کلاهک هسته ای میتواند چنین سیاره ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره های با عرض نیم میل در - سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده ملیون تا یکصد ملیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ ملیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

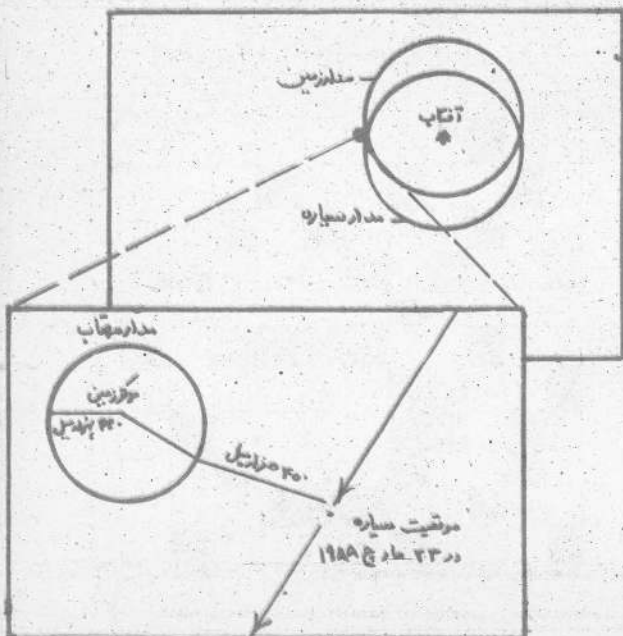
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکو- پ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوا- نست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتیده بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور - آفتاب گردش میکند منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریاه آپریل دوباره از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون تر قرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند بازم خطرناک به وجود آورد یا اینکه به زمین اصا-

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادستان یا مشغول تما- شای برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیک از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بپفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهاب . با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون





# مسطربازي

سفید بازی را شروع می کنند  
و در سه ( ۳ ) حرکت مهره سیاه را  
مات می کنند .

سفید بازی را شروع می کنند  
و در دو ( ۲ ) حرکت سیاه رامات  
می کند .

## جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوي نيست .
- ۳- غم نداری انرا بخسر - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را دزد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

# پرسش ها

انقی :

- مادرومی گویند :
- ۷- مارازان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند .
  - ۸- زمستان زنت روسیاهی به ان مانند .
  - ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگ است - خشک بی سر .
  - ۱۰- معکوس ان روشنی ( پینتو) - شراب - نخستین عدد .
  - ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت آمد تروان با هم می سوزد .

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... برادر ندارد - ... مردان دیربخشه می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

## چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا،  $\frac{1}{3}$  پول شعلانی جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا،  $\frac{1}{3}$  پول شکیبا نیز جمع شود . شعلان گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی  $\frac{1}{3}$  پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

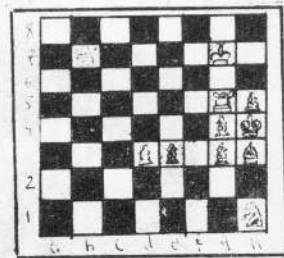
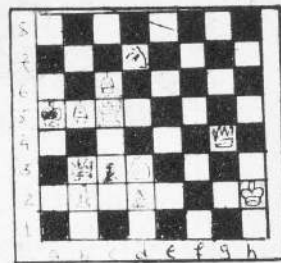
## مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه  $\frac{1}{2}$  ( یک بر دو ) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

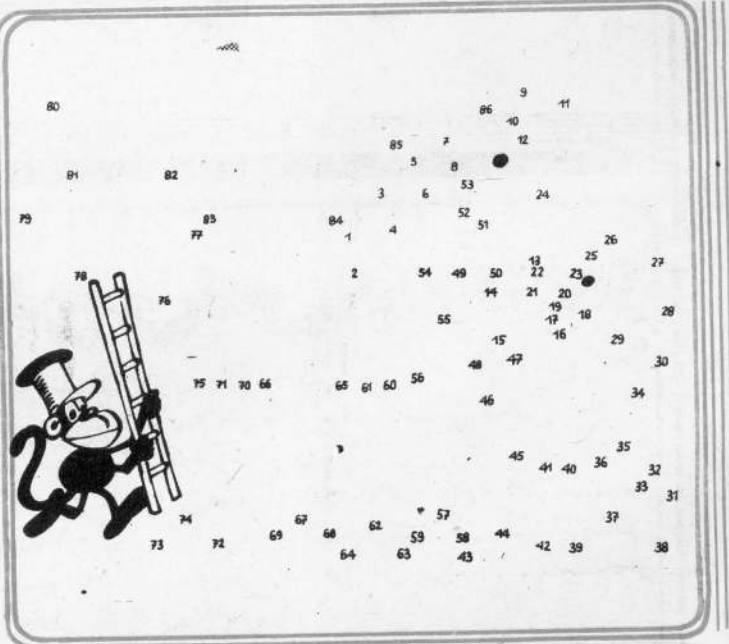
# سرگرمی‌ها



پیش ادبی

## حل کنید جایز بگید

### برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است عدد راه ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شهادت نامه آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود. ما بفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود. ایده های خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

## سرکننده گان

دین الله عمرخیل، فریده امید، بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک، نورجان ضیایی، عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا، فتح محمد فتاح، سلم دانستن، لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیب، فرزبان جویان، سید عزت الله مجید، سوما فران، فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سید عزت الله مجید، گل علی فقیه، فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله، ناجیه شکره انور، محمد عمر عزیز، عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار، سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده، احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوپطان!

فرقه کسی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شهرنو مقابل پارک سړك نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری  
نمبر تېلفون (۳۰۲۶۲)

# شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی  
هرات در تماس شوید و مشکلات  
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

## هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .  
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس  
برای هروقت برای هرکس ، برای هر جا .  
این اجناس را طور عمده از جاوید لهند ، کوچی مارکیٹ  
نماینده کی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی  
شہر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار  
( DM4 ) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجلہ نمایند :  
تلفونہما ( ۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹ )

## وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط  
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر  
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میرویسر میدان تقابلہ تانکہ تیس

# فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین  
اجناس مورد  
نیازتان استقاده  
نمایید ارزان و به  
مفادیتما

# قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.  
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

# فروشگاه

## بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

# افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند  
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و  
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است  
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**